صبح صادق
هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
www.sobhesadeghweekly.ir
دوشنبه ۶ دی ۱۳۹۵
۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۸
سال هفدهم شماره ۷۸۱
۱۲ صفحه

گزارش صبح صادق از نکوداشت سردار بصیر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

شایانفر جریان‌های نفوذی سیاسی و فرهنگی را به خوبی تشخیص می‌داد

صفحه۲

عمل صالح

ویژه سالروز حماسه عظیم مردم در ۹ دی ۸۸

صفحات ۵ تا ۸

مروری بر نقش بصیرت افزای رهبر معظم انقلاب در جریان فتنه ۸۸

حکیم در جایگاه هدایت و روشنگری

صفحه۶

سردار جعفری در همایش سپاه حفاظت هواپیمایی

تماس‌هایی میان عربستان و رژیم صهیونیستی برای ناامن کردن ایران برقرار است

ریشه‌ها و عوامل امدادهای غیبی در انقلاب اسلامی
در گفت‌وگوی اختصاصی صبح صادق با آیت‌الله سید هاشم حمیدی

مردم همیشه بهتر از خواص عمل کرده‌اند

مـردم همواره بهتر از خواص عمل کرده انـد، در دوران ائمه هم همین‌طور بود، چون مردم دنبال مادیات نبودند؛ اما مسـئولان دنبال جاه و مقام بودند. ریشه همه مشکلات دنیاگرایی است و اگر دنیاگرایی بیاید نصرت الهی از بین می‌رود. باید مواظب این مسئله به ویژه از سوی مسئولان بود. این نقطه‌ای است که به انقلاب ضربه سختی می‌زند

صفحه۷

تأملی بر ترور سفیر روسیه در ترکیه

صفحه۳

شناخت اولویت‌ها در حوزه اقتصاد

صفحه۴

می‌خواست اثبات کند مدافعان حرم دنبال پول نیستند

صفحه۱۱

نبرد نامتقاران با مافیای سینما

صفحه۱۲

انتخابات و لزوم قانون‌گرایی

صفحه۵

ابعاد ظلم به نظام در فتنه ۸۸

صفحه۸

فتنه ۸۸ و راهبرد دشمن برای فرسایش قدرت نظام

صفحه اول

سرمقاله

فتنه ۸۸ و راهبرد دشمن برای فرسایش قدرت نظام

□ رسـول سنائی‌راد/ یکی از ابعاد ننگین فتنه ۸۸، ورود و بازیگری بیگانگان و ایفای نقش آشـکار در آن بـود که گرچه حین فتنه با توجه بـه پیامدهای منفی آن بر افکار عمومی داخل کشـور، لو رفتن ماهیت بیگانه‌پسند بازی فتنه‌گران و ریزش پیاده‌نظام فریب‌خورده آنان، سعی در کتمان آن شـد، اما ورود نیروهای وابسـته به سـفارت انگلیس در اردوکشـی‌های خیابانی، فعال بودن رسانه‌هایی، چون بی‌بی‌سی فارسی، صدای آمریکا (VOA)، العربیه و... در عرصه جنگ روانی و خدمات‌دهی شـبکه‌های مجازی و ارتباطی، چون فیس‌بوک و توئیتر در جهت‌دهی و فضاسازی به نفع فتنه، رسوایی بیگانگان و فتنه‌گران را در همان زمان که آتش فتنه زبانه می‌کشـید، فراهم آورد. افزون بر این، اعترافات هیلاری کلینتون مبنی بر حمایت‌های سـخاوتمندانه آمریکایی‌ها که حتی مانع تعمیر دوره‌ای توئیتر شده بودند، اهمیت فتنه و فتنه‌گران را نزد بیگانگان معلوم کرد.

پاسـخ به چرایی این اهمیت را می‌توان در مواضع ضمنی و به ویژه مناظرات انتخاباتی کلینتون و ترامپ جسـت‌وجو کرد که در رقابت برای نمایش عمق کینه و دشمنی خود با جمهوری اسلامی ایران، آنچه را جنبش سبز و جریان میانه‌رو در ایران می‌نامیدند، مایه تضعیف نظام دانسته و از حمایت از آن در راستای اهداف خبیثانه خود به سخن گفتند.

در حالی که فتنه ننگین و فرصت‌سوزی هشت ماهه پس از انتخابات ۸۸ با حماسه بزرگ مردمی در ۹ دی فروکش کرده بود، حمایت بیگانگان از فتنه‌گران همچنان ادامه یافت. پس از فتنه، نه تنها بسیاری از عناصر فراری فتنه در کشورهای غربی پذیرفته شده و فضاسازی سنگین حقوق بشـری نیز برای ممانعت از هرگونه برخورد با عوامل اصلی و سران داخل فتنه در دستور کار قرار گرفته بود، بلکه تشدید فشار بر نظام برای دامن زدن به شکاف‌های برآمده از فتنه و فرسایش توان و قدرت نظام از طریق تحریم‌های اقتصادی وارد مرحله جدیدی شد و روند مذاکرات هسته‌ای که تا پیش از فتنه ۸۸ در وضعیت مناسبی قرار گرفته بود، مختل شد.

پیش از فتنه روند قدرت‌یابی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و ناکامی نظام سـلطه در فروپاشی نظام یا مهار این روند، استکبار غربی را ناچار به پذیرش واقعیت استحکام نظام کرده و مذاکره با آن را اجتناب‌ناپذیر یافته بود؛ اما بروز فتنه با لجاجت سـران آن در داخل که با قانون‌شکنی، اردوکشی، متهم‌سازی نظام به تقلّب و چنگ کشیدن بر اعتبار سیاسی آن دنبال می‌شد، طمع بیگانگان به اختلافات و شکاف‌های داخلی را برانگیخت و آنان را به سوی بهره‌گیری از سیاست فشار بیرونی و تحریم فلج‌کننده برای دامن زدن به شکاف‌ها و تبدیل آن به نافرمانی، شورش و فروپاشی داخلی سوق داد. به‌گونه‌ای که در مقطعی به دنبال تحریم بنزین و مختل کردن حمل‌ونقل در کشور بوده و در مقطع دیگر با تشدید تحریم دارویی و به گروگان گرفتن سلامت مردم برای تحریک عاطفی بیماران و بستگان آنان به تحریم سوخت هسته‌ای به راکتور تهران رو آوردند؛ البته همان‌گونه که نظام از فتنه ۸۸ عبور کرده و با هوشیاری ملت بصیر حماسه ۹ دی را خلق کرده بود، این تحریم‌های ظالمانه نیز زمینه خلق فرصت‌های جدیدی، چون افزایش تولید بنزین با اختصاص بخشی از ظرفیت مراکز پتروشیمی و تولید صفحات سوخت هسته‌ای به غنای ۲۰ درصد با همت دانشمندان هسته‌ای و در رأس آنان شهید شهریاری فراهم آمد و دشمن از دستیابی به اهداف پلیدش بازماند.

البته سیلی محکم مردم و نظام در ۹ دی به فتنه‌گران و حامیان آنان، به کینه دشـمن خبیث دامن زد و از این رو برای جبران آن، خط فشار و تحریم خود را با تصور ایجاد شـکاف بین مردم و حاکمیت شدیدتر کرد که هزینه‌هایی تحمیل شد و به زعم خود توانست در بخشی از نخبگان، محاسبات را تغییر دهد؛

ادامه در صفحه۲

سردار جعفری در همایش سپاه حفاظت هواپیمایی

تماس‌هایی میان عربستان و رژیم صهیونیستی برای ناامن کردن ایران برقرار است

فرمانـده کل سـپاه گفت: «از ابتدای انقلاب اسلامی یکی از اهداف دشمنان این بود که امنیت را در بخش هوایی از ایران سلب کنند؛ اما سپاه با تلاش خود همواره دشـمن را ناامید کرده است.»

سـردار سرلشـکر محمدعلی جعفـری طی سـخنانی در همایش گرامیداشـت سـالروز فرمـان امام خمینی(ره) مبنی بر تشـکیل سپاه حفاظت هواپیمایی تصریح کرد: «سپاه توانسته در همه عرصه‌های امنیتی و دفاعی وظیفه خود را به بهترین نحو انجام دهد.»

وی گفت: «امنیت شـرط اول و الـزام اولیه رشـد و پیشـرفت هر جامعه‌ای است و برای همین با پیروزی انقلاب دشمنان اولین هدف‌شان ایجاد ناامنی در کشورمان بود.»

سردار جعفری با طرح این سؤال که «چرا جامعه ما با وجود این همه دشمنی که کشـورهای منطقه‌ای و فرامنطقـه‌ای علیـه آن برنامه‌ریزی کـرده و دلارها و ریال‌های زیادی در این‌باره هزینه می‌کنند، با این امنیت مثال‌زدنی همراه است؟» گفت: «امروز برخی تماس‌ها بین کسانی که هیچ کس فکرش را نمی‌کند، مثل عربستان و رژیم صهیونیستی برقرار می‌شود تا در ایران ناامنی ایجاد کنند.»

وی گفـت: «علت اصلی امنیت امروز جامعه را باید در مردم و ایمان مردم بـه جمهوری اسـلامی ایران جست‌وجو کرد.»

فرمانـده کل سـپاه در بخش دیگری از سخنان خود، ایستادگی در برابر اسـتکبار را اصل اساسی انقلاب اسلامی دانست و با بیان اینکه تاکنون این ایستادگی را مردم به بهترین نحو انجام داده‌اند، اظهار داشت: «شاید به برخی شعارها و اصول دیگر انقلاب به آن صورت توجه نشده باشد، ولی به اصل استکبارستیزی توجه شده، هر چند ممکن است این اصل را هم عده معدودی از مسـولان رعایت نکرده باشند، ولی عامه مردم پای این اصل ایستاده‌اند.»

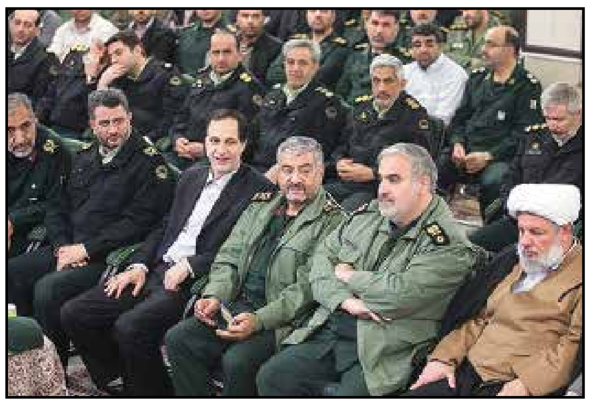

وی امنیت را بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی دانست و گفت: «امروز دامنه این امنیت از مرزهای ایران نیز خارج شده است.»

سـردار جعفـری ادامـه داد: «در کنار این امنیـت، یکی دیگر از بزرگ‌ترین دستاوردها، صدور انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی در منطقه و جهان است.»

فرمانده کل سـپاه بـا تأکید بر اینکه امروز انقلاب اسـلامی با اقتدار در حال پیشرفت است، گفت: «جبهه نبرد حلـب که خط مقـدم انقلاب اسـلامی اسـت، یکی از بزرگ‌ترین شکست‌های دشمنان و در رأس آنها آمریکا و رژیم صهیونیسـتی بود که انقلاب اسلامی به آنها تحمیل کرد.»

وی با اشـاره به قرار گرفتن در آستانه سـالروز حماسه ۹ دی ملت ایران، این حماسه را حاصل مقاومت و ایستادگی و بصیرت مردم مؤمن و انقلابی در برابر توطئه استکبار جهانی دانست و تأکید کرد: «خطر فتنه ۸۸ به مراتب بیشتر از جنگ هشت ساله بود؛ امـا بصیرت و ایمان مردم باعث عبور از آن شد.»

سـردار جعفری با بیـان اینکه دشـمنان به دنبال تضعیف جایگاه ولایـت فقیه بودند، امـا مردم اجازه این کار را ندادند، گفت: «ملت ایران جایگاه ولایت فقیه را نسـبت به هر عامل دیگر در کشـور در این قضایا درک کردند.»

وی در ادامـه سـخنان خود به اهمیت مأموریت‌های سپاه در حراست از انقلاب و دستاوردهای آن پرداخت و گفت: «یکی از زمینه‌های تخریبی که برای مخالفان انقلاب اسلامی وجود دارد، ضربه زدن به ارکان انقلاب بوده و قطعاً سپاه یکی از همین ارکان انقلاب اسلامی است.»

کانال تلگرام صبح صادق
علاقه مندان می توانند برای دسترسی سریع تر به مطالب هفته نامه و دریافت فایلها به کانال تلگرام هفته نامه مراجعه نمایند
@SobheSadeghWeekly

پیامک صبح صادق
۳۰۰۰۹۹۰۳۳

سؤال تریبون ۱۹
پاسخ دولت به نقض برجام از سوی آمریکا را چگونه ارزیابی می کنید؟
همراه با ۳ جایزه
آخرین فرصت پاسخ به تریبون ۱۹
۸ دی ۹۵
پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۳۳ صفحه۱۱

یادداشت

منشور سرد حقوق شهروندی

□ مهدی سعیدی/ هفته گذشته بود که همایش «قانون اساسی و حقوق ملت؛ رونمایی از منشـور حقوق شهروندی» با حضور حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی در سالن اجلاس سران آغاز شد. در این مراسم که جمعی از اعضای هیئت دولت و معاونان رئیس‌جمهوری حضور داشتند، رئیس‌جمهور به ایراد سخن پرداخت و از وظایف قانونی خود در اجرای قانون اساسی سخن گفت و اظهار داشت: «منشـور حقوق شهروندی در واقع برنامه و خط‌مشی دولت یازدهم است. دولت یازدهم با رونمایی امروز منشور می‌خواهد عزم خود را برای اجرای حقوق شهروندی به نمایش بگذارد.» خبر امضای این منشور ۱۲۰ ماده‌ای از سوی رئیس‌جمهور از طریق پیامکی به اطلاع عموم مردم رسید و در آن رئیس‌جمهور از مردم شریف ایران خواست: «بیاییم با حقوق خود بیشتر آشنا شویم و قدرتمندانه آن را پاس بداریم.»

این اظهارات بلافاصله با برخورد انتقادآمیز و سرد رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی روبه‌رو شد و کسی به استقبال خبر نرفت. حتی گروه‌های نزدیک به رئیس‌جمهور نیز برای دفاع از اقدام دولت به میدان نیامدند و با ناامیدی به آن نگریسـتند! اما منتقدان ایرادهای مختلفی را بر این منشور وارد دانستند و آن را متنی بی‌اعتبار و بدون پشتوانه خواندند که گرهی را از فضای سیاسی کشور باز نخواهد کرد. ضمن آنکه ایرادات جدی حقوقی نیز بر آن وارد کردند. فارغ از این انتقادات باید گفت، دولت در زمینه مسئله حقوق شهروندی با دو چالش مهم روبه‌رو است:

اول آنکه، مبانی نظری این حقوق همچنان از مباحث چالشی و اختلافی در کشور اسـت و حداقل دو دیدگاه، یکی متأثر از الگوی حقوقی نظام‌های سکولار غربی و دیگری برگرفته از مبانی دینی و متون اسلامی در این زمینه مطرح است که هر یک موافقان و مخالفان جدی دارند و هنوز نتوانسته‌اند به وفاقی حداکثری و حتی حداقلی در این زمینه دست یابند! دولت نیز در این زمینه سرگردان است و از آنجا که جریان سیاسی اعتدال در مباحث نظری نتوانسته است اعتدال را به مثابه گفتمانی منسجم نظریه‌پردازی کرده و مبانی مشخصی برای آن تعریف کند، از تناقضات درونی رنج می‌برد و طبیعی اسـت که از طرح‌ریزی منشوری متقن و جامع که بتواند وفاقی عمومی را تدوین کند، ناتوان است.

دوم آنکه، نشـانه‌های حداقلی که بر رویکرد مداراگرایانه دولت دلالت داشته باشد، در طول این سال‌ها مشاهده نشده است. حتی فرهنگی‌ترین مجموعه‌های دولت که از آنان انتظار می‌رفت برخورد نرم‌تری با منتقدان داشته باشند نیز چنین عمل نکرده‌اند؛ از این رو در نگاه اول اراده دولت برای تحقق عملی منشور حقوق شـهروندی چندان قوی به نظر نمی‌رسد. موضع‌گیری‌های تند رئیس‌جمهور در طول سال‌های گذشته در قبال منتقدان داخلی و همچنین بی‌سواد، بی‌شناسنامه و تازه به دوران رسیده خواندن آنان، حکایت از آن داشته است که رئیس‌جمهور در سیاسـت داخلی رویکردی محافظه‌کارانه دارد که چندان تمایلی به تحمل و مدارا و آزادی بیان و رعایت حقوق مخالفان و منتقدان در آن مشاهده نمی‌شود.

یکی از انتقادات جدی در طول سه سال‌ونیمی که از عملکرد دولت یازدهم می‌گذرد، آن بوده که این دولت برنامه مشـخصی برای توجه به مباحث سیاست داخلی نداشـته و در راستای توسعه سیاسـی و مباحث مطرح شده در ذیل آن، از قبیل آزادی‌های سیاسـی، اجتماعی، تحزب، مطبوعات و... اقدامی نکرده است. تمام تمرکز دولت به مسائل سیاست خارجی معطوف شده و از بسیاری از مسائل داخلی غفلت ورزیده است.

از سوی دیگر، زمان نیز یاری‌گر دولت یازدهم نخواهد بود؛ چرا که چند ماه بیشتر تا پایان کار دولت باقی نمانده و مسائل متعددی در دستور کار دولت خواهد بود که عملیاتی کردن این منشور کاملاً منتفی می‌شود. فضای سیاسی کشور در آسـتانه برگزاری انتخابات نیز دلمشغولی عمده دولتمردان در این روزهاست که به طریق اولی دولت را از پرداختن به منشور حقوق شهروندی باز خواهد داشت. مگر آنکه این منشـور در فضای رقابت‌های انتخاباتی به کار رئیس دولت یازدهم آید! در آن صورت است که می‌توان انتظار داشت، نام منشور حقوق شهروندی در هفته‌های آینده بیشتر شنیده شود.

آزادی قدس شریف و حرمین شریفین

حجت الاسلام و المسلمین سیدابراهیم رئیسی با اشاره به این جمله رهبر معظم انقلاب که فرمودند؛ «رژیم صهیونیستی ۲۵ سال آینده را نخواهد دید»، گفت: با این حضور مجاهدانه و بابصیرت رزمندگان در جبهه مقاومت و با دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی که به برکت خون شهدا در جهان اسلام ایجاد شده است، ما تحقق این فرمایش مقتدای بصیرت‌آفرین خود را نزدیک‌تر از هر زمانی می‌بینیم و ان‌شاءالله به‌زودی نه تنها قدس شریف، بلکه حرمین شریفین نیز از لوث وجود استکبار پاک می‌شود.

یادداشت

سوریه و قطعنامه شورای امنیت در لوای ناتوانی غربی‌ها

□ **محمدرضا فرهادی/** سرانجام پس از کش‌وقوس‌های فراوان قطعنامه‌ای با اجماع تمام اعضای شورای امنیت به تصویب رسید. فرانسه که از شش سال پیش سیاست‌های ضد سوری را اجرا می‌کند، در پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی خود نظارت بر تخلیه و اطمینان از روند حفاظت از غیر نظامیان در شرق حلب را خواستار شد؛ اما این قطعنامه با مخالفت روسیه روبه‌رو شد و این کشور به دلیل آنکه در یکی از بندهای این قطعنامه بر کمک انسانی به اهالی شهر حلب تأکید شده بود، با آن مخالفت کرد؛ زیرا این امر را مغایر خواست نظام سوریه می‌دانست. همچنین، با اشاره به سابقه تاریخی این چنین کمک‌ها به مناطق شرقی حلب، اظهار می‌داشت که در قالب کمک‌های بشردوستانه، بسیاری از هم‌پیمانان خارجی تروریست‌ها اقدام به ارسال سلاح کرده بودند؛ اما شورای امنیت طی روزهای گذشته با رأی مثبت تمام ۱۵ عضو به قطعنامه استقرار ناظران بین‌المللی در حلب، آن را تصویب کرد. شورای امنیت از دبیرکل سازمان ملل خواست تا تدابیر امنیتی را برای اجازه به مسئولان این سازمان به منظور نظارت بر غیر نظامیان باقی مانده در شرق حلب اتخاذ کند و نظارتی بی‌طرف، فراگیر و مستقیم را برای عملیات خارج کردن افراد از حلب داشته باشد. همچنین، شورای امنیت از تمامی طرف‌ها خواست امنیت ورود ناظران را به سرعت و بدون مانع‌تراشی تأمین کنند. این قطعنامه ناظران را به استقرار در اطراف ورودی‌های حلب و داخل محله‌های شرقی آن برای مدت‌زمانی نامشخص فرا می‌خواند. در واقع، می‌توان گفت قطعنامه جدید شورای امنیت مصوبه‌ای توافقی از پیشنهادهای فرانسه و روسیه درباره حلب بوده است؛ اما ذکر چند نکته درباره صدور این قطعنامه اهمیت دارد:

نخست، قطعنامه روسیه برخلاف پیشنهاد فرانسه به استقرار ناظران سازمان ملل در ورودی‌های شرق حلب اشاره کرده است؛ نه استقرار داخل حلب. «ویتالی چورکین» درباره پیش‌نویس قطعنامه پیشنهادی فرانسه گفته بود، روسیه نمی‌تواند از متن ارائه شده که در آن اعزام و استقرار ناظران سازمان ملل به شرق حلب پیش‌بینی شده است، حمایت کند.

دوم، ورود این ناظران بیشتر جنبه تشریفاتی دارد تا عملیاتی. کشورهای اروپایی با توجه به شکست در شرق حلب و برای جا نماندن از تحولات مزبور و اعاده حیثیت در قضایای کنونی حلب، به دنبال عرض اندام در مسائل حلب هستند. در واقع، این کشورها بیشتر موضعی انفعالی در پیش گرفته‌اند.

سوم، یکی از تهدیدهایی که احتمال آن در اعزام ناظران به مناطق شرقی وجود دارد، اعزام جاسوسانی در قالب ناظران سازمان ملل به حلب است. تجربه نشان داده است، ناظرانی که به نیابت از شورای امنیت یا سازمان ملل برای فعالیت در قالب طرح‌های سازمان ملل مشغول به فعالیت می‌شوند، نقشی دوگانه دارند؛ یعنی در نقش ناظران سازمان ملل به یک کشور وارد می‌شوند، اما بیشتر به فعالیت جاسوسی مشغول هستند.

چهارم، ورود ناظران بین‌المللی به سوریه قضیه جدیدی نیست و امروزه این ناظران در سوریه حضور دارند. بشار جعفری، نماینده سوریه در سازمان ملل در این‌باره گفت: «قطعنامه شورای امنیت درباره حضور ناظران بین‌المللی سخن می‌گوید که هم اکنون هم در شرق حلب حضور دارند و مسئله استقرار ناظران جدید مطرح نیست. ما از هر نوع حسن‌نیتی که در تصویب این قطعنامه وجود داشته باشد، استقبال می‌کنیم.»

پنجم، آنچه می‌تواند جای نگرانی داشته باشد، حضور ناظرانی به غیر از زیرمجموعه‌های سازمان ملل است؛ یعنی حضور ناظرانی با برند کشوری خاص که این اقدامات تحریک‌آمیز خواهد بود.

در مجموع می‌توان گفت، اعزام ناظران بین‌المللی نوعی اقدام انفعالی از سوی کشورهای حامی تروریست است که نشان‌دهنده در شوک بودن این کشورها از پیروزی مقاومت در حلب نیز هست. همچنین، اعزام ناظران بین‌المللی بیشتر جنبه روانی و فشار بر دولت سوریه و کمک به تروریست‌ها دارد که همچنان به تحولات آینده و پیش رو امیدوار باشند.

سرمقاله

فتنه ۸۸ و راهبرد دشمن برای فرسایش قدرت نظام

ادامه از صفحه اول

اما رو شدن خصلت دشمن که امروز هم با نقض برجام، آن را به نمایش گذاشته، این ظرفیت معرفتی در مردم را تقویت کرد که آمریکا هیچ‌گاه دشمنی و خباثت خود علیه کشورمان را کنار نگذاشته و به نتیجه‌ای کمتر از اعمال سلطه بر کشور و بازگرداندن ما به دوران وابستگی و تبدیل به ژاندارم تابع و مطیع در منطقه راضی نخواهد بود؛ از این رو بی‌اعتمادی به آمریکا در عمق فرهنگ سیاسی مردم ما نهادینه شده و نسل جوان هم با تجربه‌ای که از مذاکرات هسته‌ای و برجام به دست آورده و معرفتی که کسب کرده است، با نسل گذشته که کودتای سیاه ۲۸ مرداد و فاجعه ۱۶ آذر در سال ۱۳۳۲، حمایت از رژیم مستبد پهلوی و تبدیل سفارت آمریکا به لانه جاسوسی پس از انقلاب، تجاوز نظامی به صحرای طبس، حمایت از صدام متجاوز و سرنگون‌سازی هواپیمای مسافربری ما را به یاد داشته و در حافظه تاریخی ضد آمریکایی‌اش جای داده، هم‌نظر شده و به این ذات استکباری، فریبکارانه و غیرقابل اعتماد کاخ سفید و دولتمردان آن پی برده است.

نکته‌ونظر

قرارداد را نخوانده‌اند؟!

نکته: در سال‌های دهه ۱۹۸۰، یک گروه موسیقی که هر سال تعداد زیادی کنسرت اجرا می‌کرد، قراردادی را با مفاد متعدد تنظیم کرده بود و برای عقد قرارداد با سالن‌های نمایش از آن استفاده می‌کرد. در این قرارداد تمام جزئیات فنی برق، تجهیزات صحنه نمایش و... قید شده بود و سالن‌دار موظف بود طبق قرارداد همه آنها را به صورت خواسته شده به گروه موسیقی ارائه دهد.

در بین مفاد قرارداد، یک ماده گنجانده شده بود و آن، اینکه یک کاسه اسمارتیز در اتاق پشت صحنه ارائه شود که در آن اسمارتیز قهوه‌ای وجود نداشته باشد. در آن زمان این قرارداد با این تفصیل و این ماده غیر معمول سبب خنده و تمسخر در بین جامعه موسیقی شده بود.

رهبر این گروه موسیقی در زندگی‌نامه خود در این‌باره گفته است: «در چند اجرا، مشکلات فنی خطرات جدی برای همکارانم به وجود آورده بود و نزدیک بود کل برنامه کنسرت خراب شود. تصمیم گرفتیم این ماده را به قرارداد اضافه کنیم. من نمی‌توانستم در هر اجرا چند ساعت وقت بگذارم و مثلاً میزان آمپر برق مورد نیاز را در هر پریز برق چک کنم. بنابراین، وقتی می‌خواستیم کارمان را در یک سالن شروع کنیم، به اتاق پشت صحنه می‌رفتم و ظرف اسمارتیز را چک می‌کردم. اگر ظرف وجود نداشت یا در آن اسمارتیز قهوه‌ای بود، احتمال بروز خطای فنی می‌دادم و از سالن‌دار می‌خواستم کلیه تجهیزات را دوباره مطابق با قرارداد چک کند. به عبارت دیگر، با این روش متوجه می‌شدم که سالن‌دار همه مفاد قرارداد را با دقت نخوانده است.»

نظر: واکنش‌های منفعلانه دیپلمات‌ها و دولتمردان کشورمان به نقض مکرر برجام نشان می‌دهد، آنها توافق‌نامه برجام را خوب نخوانده‌اند و آمریکا متوجه این خبط آنها شده و همه مسائل خود در زمینه ایران را در آن گنجانده است. به تازگی، اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس از سخنان جدید ظریف پرده برداشته‌اند که گفته است: «من اعتراف می‌کنم اشتباه کردم که به حرف «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا اعتماد کردم، می‌پذیرم اشتباه کردم.»

گزارش صبح صادق از نکوداشت سردار بصیر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی

شایانفر جریان‌های نفوذی سیاسی و فرهنگی را به خوبی تشخیص می‌داد

حاج‌حسن شایانفر مسئول پژوهش‌های مؤسسه کیهان که چندی پیش به علت خونریزی داخلی بستری شد و بامداد ۲۹ آبان دارفانی را وداع گفت، سابقه حضور فعال و اثرگذار در دفتر سیاسی سپاه در دوران دفاع مقدس را نیز در کارنامه خود دارد، همکاران و همرزمان وی در بخش سیاسی سپاه خاطره‌های نیکی از وی دارند.

در آستانه اربعین درگذشت این مجاهد جبهه مقابله با جنگ نرم دشمنان، مرکز مطالعات معاونت سیاسی سپاه نکوداشت «حاج‌حسن شایانفر» سردار بصیر جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی را در مرکز فرهنگی ـ رسانه‌ای صبا برگزار کرد. در این نشست دوستان، شاگردان و علاقه‌مندان مرحوم شایانفر حضور یافتند و با ابعاد مختلف شخصیت وی بیشتر آشنا شدند.

آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه‌ای از مباحث مطرح شده سخنرانان این نشست است.

صفارهرندی

جای پاهای دشمن را از خود او مهم‌تر می‌دانست

حاج‌حسن شایانفر معتقد بود از خود جریانات خارجی مخالف انقلاب مهم‌تر جای پای آنها در داخل است؛ چرا که از این طریق و به وسیله نفوذ می‌توانند از دهان آدم‌هایی که مشروعیت دارند، حرف‌های خودشان را بیان کنند.

محمدحسین صفارهرندی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در این مراسم با بیان اینکه بصیرت داشتن یعنی طوری به مسائل نگاه کردن که دیگران آن‌طور نمی‌بینند، اظهار داشت: «مرحوم شایانفر از این جنس بود طوری که دیگران نمی‌دیدند، او مسائل را عمیق می‌دید. نوع نگاه او به مسائل به‌گونه‌ای بود که دیگران این نگاه را نداشتند؛ یعنی چیزهایی که وی می‌دید، دیگران از کنار آن رد می‌شدند. برای درست دیدن به ما انگیزه می‌داد. با بسیاری موارد مواجه شده بودم که آنها را نمی‌دیدم؛ اما مرحوم شایانفر موجب شد به این موضوعات بهتر نگاه کنم و آنها را دوباره ببینم که این اتفاق مقدمه‌ای بود تا ذهنم دوباره درگیر آن مطلب شود که در مواردی از آن سرمقاله می‌نوشتم و از قضا بهترین سرمقاله‌ها از آب درمی‌آمد.»

وی افزود: «شایانفر راه نفوذ نیروهای ضدانقلابی به کشور را پیوند خوردن جریان سیاسی انقلاب با بیرون از انقلاب می‌دانست و معتقد بود که از خود دشمن مهم‌تر جای پای آن در داخل است که می‌توانند آنچه که نمی‌توانند بگویند را از دهان این جای پاها که مشروعیت هم دارند، بیان کنند.»

صفار هرندی با اشاره به ورود مرحوم شایانفر به دفتر سیاسی سپاه و فعالیت او در حوزه تحلیل فضای فرهنگی و هنری اظهار داشت: «در دفتر سیاسی مباحث فرهنگ و هنر فصل جدیدی بود که او راه انداخت و در این مسئله که در خبرنامه‌های شسته و رفته دفتر سیاسی از مباحث فرهنگ و هنر گفته شود، ابتدا خیلی از آقایان بد و نامناسب تلقی می‌کردند، اما چند سال بعد یکی از همان افرادی که این موضوع را تقبیح کرده بود آمد و گفت تازه دارم متوجه می‌شوم که شما چه کار مهمی را انجام دادید، تازه دارد این پیش‌بینی‌ها خود را نشان می‌دهد. هنر شایانفر رصد بموقع این مسائل بود.»

مشاور فرهنگی فرمانده کل سپاه در ادامه به پیش‌بینی‌های مرحوم شایانفر درباره جریان اصلاحات در کشور اشاره کرد و افزود: «رصد نشریات ضد انقلاب توسط او باعث شده بود که درک درستی نسبت به تفکر آنها داشته باشد، با همین تحلیل او قبل از ظاهر شدن جریان اصلاحات این امر را پیش‌بینی کرد که مثلاً فردی مثل سروش آغازگر اجرای این تفکر است، از سویی حتی بعدها سندهایی آورد مبنی بر اینکه ضد انقلاب خارجی دو دسته‌اند؛ مخالف و موافق خاتمی که دسته موافق بیشتر دنبال همان سوءاستفاده‌ای هستند که در دوران مشروطه از روحانیت شد.»

صفار هرندی در ادامه به تعصب مرحوم شایانفر روی پرچم ایران اشاره کرد و افزود: «اصرار داشت که حتماً همه جا از پرچم ایران به صورت کامل با آرم و نوار الله‌اکبر استفاده شود و همیشه تذکر می‌داد، اگرچه قبلاً به این مسئله توجه نمی‌شد، اما به نظر من به دلیل همین تذکرها و ظریف‌بینی او امروز همه‌جا این مسئله رعایت می‌شود.»

وی افزود: «می‌خواست آدم‌های ناباب و ناسالم افشا شوند و روی آنها حساسیت داشت که مسئولیت نگیرند.»

صفار هرندی تصریح کرد: «در مقابل شایانفر کسی نمی‌توانست ریاکار باشد؛ زیرا خیلی زود دستش برای وی رو می‌شد، زیرا وی تمام اطلاعات آن شخص را درمی‌آورد و شیره‌اش را می‌کشید بعد اگر صلاح می‌دید همکاری می‌کرد.»

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره غیرت انقلابی این مرحوم هم گفت: «غیرتی که مرحوم شایانفر درباره انقلاب داشت، باعث شده بود که خودش نزدیک‌ترین افرادی را که اوایل انقلاب در گروه ضد انقلاب وارد شده بودند و اقداماتی کرده بودند را معرفی کند که بعدها هم می‌گفت من از کاری که انجام داده‌ام پشیمان نیستم.»

تبریزی

کارهایش نباید روی زمین بماند

او یک مجاهد فرهنگی بود که در این راه قدم نهاد و کارهای او نباید روی زمین بماند. از سویی باید انتشار نوشته‌ها و پژوهش‌های چاپ نشده وی و از سوی دیگر تداوم روندی که دنبال می‌کرد را باید پیگیری کنیم.

قاسم تبریزی پژوهشگر تاریخ معاصر در این مراسم با بیان اینکه دوران زندگی مرحوم شایانفر بخش‌های زیادی دارد که اصلی‌ترین آنها پس از پیروزی انقلاب است، اظهار داشت: «او در دوره‌ای وارد سپاه شد و در مرکز اسناد سپاه فعالیت داشت و آنجا با اسناد نیمه پنهان رجال سیاسی آشنا شد، سپس به دفتر سیاسی سپاه رفت و آنجا برای شناخت تحرکات گروه‌های سیاسی فرصت بیشتری پیدا کرد و ورودش به کیهان با این عقبه مطالعاتی باعث شد که کارهای مهمی همچون تدوین مجموعه کتاب‌های نیمه پنهان به او سپرده شود.»

وی در ادامه گفت: «نوشتن مجموعه کتاب‌های نیمه‌پنهان دقیقاً در دوره‌ای که بحث تهاجم فرهنگی تازه مطرح شده بود، انجام گرفت که این نشان از دقت و به روز بودن مرحوم شایانفر دارد.»

تبریزی یکی از فرازهای مهم زندگی مرحوم شایانفر را در دوره تصدی مدیریت فرهنگی زندان قزل‌حصار دانست و توضیح داد: «در دورانی به واسطه تحرکات نظامی و اقدامات براندازانه گروهک‌ها تعداد زیادی از افراد آنها دستگیر و روانه زندان شدند که برای اصلاح این افراد عده‌ای از نیروهای فرهنگی و ارزشی انقلاب انتخاب شدند که یکی از آنها مرحوم شایانفر بود.»

وی افزود: «او در این دوران تلاش زیادی برای نجات بسیاری از افرادی که اندیشه‌های انحرافی داشتند، انجام داد. در مدت سه تا چهار سال هر روز از هفت صبح تا یازده شب در این راستا فعالیت می‌کرد. حتی خانه و زندگی‌اش را به نزدیکی زندان منتقل کرد تا همیشه آنجا حاضر باشد. با برگزاری کلاس‌های مختلف فرهنگی، اعتقادی و هنری این اقدامات را انجام می‌داد و از سویی برای ادامه تحصیل آنها هم تلاش کرد و با هماهنگی آموزش و پرورش کرج این اقدامات را به انجام رساند.»

تبریزی با بیان اینکه این اقدامات مرحوم شایانفر در زندان نویسندگان و داستان‌نویسان خوبی را تربیت کرد، افزود: «از طرفی با توجه به اینکه توّابین برای بعد از دوران زندان و کار کردن مشکل داشتند، او پیگیر این موضوع بود که آنها دوباره به سازمان برنگردند و در این حوزه هم علی‌رغم اینکه وظیفه‌اش نبود، تلاش کرد. خیلی از کسانی که توانمند بودند را به کیهان، حوزه هنری و... برد که عده زیادی از آنها امروز داستان‌نویسان درجه یکی هستند.»

وی در پایان درباره تدوین یادنامه این مرحوم هم گفت: «افراد زیادی در طول این سال‌ها با او ارتباط داشتند که باید توجه شود در تدوین یادنامه او حتماً همه آنها شرکت کنند و از خاطراتی که در ارتباط با او داشتند بنویسند و بگویند تا او برای نسل آینده یک الگو باشد.»

سلیمی‌نمین

هنر او اشراف کامل بر حوزه تخصصی‌اش بود

شایانفر معتقد بود که نظام سیاسی وقتی توفیق پیدا می‌کند که مدیران آن در رویارویی با نیروهای مختلف بر سلایق و اندیشه‌های آنها اشراف کامل داشته باشند و بتوانند این را خوب مدیریت کنند که از هر یک کجا استفاده کنند. این هنر خود او هم بود.

عباس سلیمی‌نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران در این مراسم با بیان اینکه آشنایی او با مرحوم شایانفر از دفتر سیاسی سپاه و پیش از آن در کیهان بوده، اظهار داشت: «مرحوم شایانفر به هیچ وجه دنبال مسائل مادی نبود و سخنی از مشکلات مالی و درخواست‌های مالی بر زبان نمی‌آورد، با این وجود خیلی سختکوش بود و در سخت‌ترین کارها هم توفیق می‌یافت.»

وی در ادامه گفت: «در زندان قزل‌حصار مسئول کارهای فرهنگی و اعتقادی بود و کارش جنبه اغنایی داشت؛ اما باید توجه کرد که وقتی کسی در جریان یا گروهکی هویت پیدا می‌کند، سخت‌ترین کار این است که او را از این هویت بیرون کشید، اما او از عهده این کار برآمد، ولی جنبه دوم مهم‌تر بود و آن اینکه باید اینها جذب جامعه شوند، وگرنه باز به همان سازمان بازمی‌گردند. او این نیروها را تربیت کرد و بعد به جاهای مختلف از جمله کیهان و حوزه هنری و... معرفی کرد و آنها امروز آدم‌های موفقی در حوزه خود هستند و هیچ یک به سازمان بازنگشتند.»

سلیمی‌نمین حضور همزمان مرحوم شایانفر در کیهان و دفتر سیاسی سپاه را عاملی برای مطالعه وسیع او روی جریان‌های داخلی و خارجی دانست و افزود: «هدف او اشراف بر کار بود و خوب هم این اشراف را پیدا کرد.»

وی افزود: «در شناخت افراد خیلی خوب بود، حتی متوجه بود اگر کسی می‌آید سراغ فلان اطلاعات هدفش چیست و مثلاً در یکی دو مورد به من گفت فلانی برای نفوذ و معامله‌گری فلان اطلاعات را می‌خواهد و به او نمی‌دهم و چند سال بعد من به عینه این پیش‌بینی او را در آن فرد دیدم. خیلی خوب می‌توانست افراد را از عقبه آنها بشناسد.»

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران ادامه داد: «از اطلاعاتی که داشت هرگز برای منافع شخصی استفاده نکرد و همیشه مترصد این بود که باید عقبه افراد را درست شناخت تا اینکه از محل غفلت نسبت به آنها ضربه نخورد.»

وی افزود: «شاید مطالعه برای ما سخت‌ترین کار است؛ اما او خیلی دنبال مطالعه بود و ساعت‌ها مطالعه داشت و با ذهن خلّاقی که داشت تمام مطالب در ذهنش می‌ماند و مثلاً می‌گفت فلان مطلب در فلان شماره و فلان صفحه آن نشریه است؛ یعنی همه چیز را با جزئیات در ذهن داشت.»

مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران با انتقاد از ساده‌انگاری کار فرهنگی از سوی برخی جریانات انقلابی گفت: «متأسفانه مسئولان ما آنچنان درگیر مسائل اجرایی هستند که نمی‌توانند در مسائل فرهنگی اشراف داشته باشند.»

وی با بیان اینکه یکی از نقیصه‌های نیروهای امروز انقلاب، پایین بودن سطح مطالعه آنهاست، گفت: «چه کسانی که در کشور وظیفه‌ای دارند و چه کسانی که حتی وظیفه خاصی ندارند باید برای اشراف به مسائل و تصمیم‌گیری صحیح مطالعه داشته باشند.»

این کارشناس و پژوهشگر تاریخ با بیان اینکه این ضعف همچنان باقی است و مدیران بر نیروهای مختلف و همه سلایق مشرف نیستند و نمی‌توانند آنها را مدیریت کنند خاطرنشان کرد: «مرحوم شایانفر می‌خواست چنین ظرفیتی را ایجاد کند و به این سمت هم حرکت کرد.»

آخرین خبر

عقب‌نشینی سیاسی شورشیان سوریه

طی هفته گذشته، نشست مشترک ایران و روسیه به همراهی ترکیه در مسکو به دستیابی به راهکار جدید برای حل بحران سوریه منجر شده بود. گروه «اعلام الحربی» اعلام کرده است، پس از مذاکراتی که در ترکیه صورت گرفته است، گروه‌های شورشی مسلح در سوریه در تصمیمی مهم و اساسی، بنا را بر توقف حملات و مبارزه علیه دولت بشار اسد گذاشته و قرار است به مبارزه با داعش و جبهه النصره بپردازند. بر اساس این گزارش، تصمیم گروه‌های مخالف و شورشی شامل توقف هر گونه عملیات و مبارزه علیه دولت بشار اسد در تمامی نقاط سوریه و همراهی آنها با ترکیه و روسیه برای مبارزه با داعش و جبهه النصره است. همچنین، این گروه موافقت خود را با یک راه حل سیاسی منجر به تشکیل یک دولت انتقالی مشترک با قبول ریاست بشار اسد تا زمان انتقال قدرت پس از برگزاری انتخابات که زمان آن را دولت انتقالی مشترک تعیین خواهد کرد، موافقت کرده‌اند.

این موافقت‌نامه گویا شامل عدم همراهی هر یک از گروه‌های شورشی مسلح با جبهه النصره و عدم تشکیل ارتش مشترک با این گروه تروریستی نیز می‌شود. در غیر این‌صورت توافق به دست آمده میان ایران، روسیه و ترکیه در مسکو زیر پا گذاشته خواهد شد. همچنین بنا شده است، که همه گروه‌های شورشی با حفظ سمت در رده‌های نظامی خود در ارتش ملی سوریه ادغام شده و تحت هدایت ارتش به مبارزه با داعش و جبهه النصره بپردازند. از سوی دیگر، شرط دیگر آن است که تنها گروه‌هایی می‌توانند شامل این توافق شوند که ارتباطی با هیچ یک از گروه‌های تروریستی فعال در سوریه نداشته باشند. رسانه‌های عرب گزارش داده‌اند، سند توافق در ترکیه از همه گروه‌های مسلح شورشی در سوریه درخواست کرده است از خودکشی در پی ادغام با جبهه النصره خودداری کنند. همچنین، با توجه به تفکیکی که درباره گروه‌های مسلح و این گروه تروریستی در مجامع بین‌المللی وجود دارد، تأکید مؤکد کرده است که همه گروه‌های شورشی از نزدیک شدن آن گروه خودداری کنند.

اخبارویژه

استعفای مخالف روحانی

یکی از سران فتنه که در حصر به سر می‌برد، با استعفای قائم‌مقام حزب متبوعش که مخالف حمایت از روحانی در انتخابات آتی بود، موافقت کرد.

رسول منتجب‌نیا به دلیل تفاوت دیدگاهش با اعضای شورای مرکزی اعتماد ملی درباره نحوه ورود این حزب به انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراهای شهر و روستا در اردیبهشت ۹۶، تقاضای استعفا کرده بود که مهدی کروبی دبیر کل اعتماد ملی نیز این استعفا را پذیرفته و به شورای مرکزی حزب مأموریت داده تا فرد جدیدی را برای قائم‌مقامی دبیر کل حزب اعتماد ملی انتخاب کنند.

درس ایران

ری تکیه، محقق ارشد شورای روابط خارجی در درس‌هایی که درباره ایران به ترامپ می‌دهد، نوشته است: «درس اول این است که ایران باید به عنوان یک دولت ـ ملت واحد در نظر گرفته شود نه مجموعه‌ای خط‌کشی‌شده از تندروها و میانه‌روها که سیاست آمریکا می‌تواند آن را به نفع خود دستکاری کند. درس مهم دوم این است که ایران به استفاده از تهدید و زور حساس است. با توجه به وضعیت جنگ‌طلب تیم ترامپ، تهدید استفاده از زور نگرانی‌های ایران را تحریک می‌کند.»

تغییر معنای استقلال

شهریار زرشناس گفت: مشکل ما سیاست خارجی و اینکه با دنیا برخورد سازنده نداریم، نیست، مشکلِ ما جای دیگری است؛ اساساً این رویکرد که مثلاً می‌توان با نزدیکی به نظام جهانی و کشورهای متروپل به جذب سرمایه پرداخت و مسائل اقتصادی ایران را حل کرد، از اساس درک درستی از جامعه ایرانِ ندارد؛ یعنی این رویکرد متوجه نیست که اساساً مشکل ایران و کشورهایی که اقتصاد شبه‌مدرن دارند، مربوط به ساخت‌های اقتصادی آنها است که اساساً ناعادلانه و ناموزن طراحی شده و این ساخت‌های اقتصادی مقوّم وابستگی است؛ هیچ کشوری نمی‌تواند از طریق حرکت با این ساخت‌ها به استقلال برسد.

روی خط خبر

آثار داخلی تحریم ایران

به گزارش رادیو «دویچه وله» آلمان، که طرح تمدید ده ساله تحریم‌های ایران به تقویت هر چه بیشتر منتقدان دولت در ایران منجر می‌شود. این رادیو به نقل از یکی از کارشناسان خود گفت: «اگر ایالات متحده در مسیر اعمال مجدد تحریم‌ها قدم بگذارد، بی‌شک این مسیر را به تنهایی طی خواهد کرد. ایران به آسانی می‌تواند در جنگ کلامی میان جامعه بین‌المللی پیروز شود؛ زیرا این آمریکاست که توافق هسته‌ای را به هم زده است و لغو توافق هسته‌ای به تقویت تندروها در ایران منجر خواهد شد.» جان برنان، رئیس سازمان سیا ماه گذشته در مصاحبه با «بی‌بی‌سی» به دولت آینده هشدار داد، لغو توافق هسته‌ای «فاجعه‌بار» خواهد بود. وی گفت: «چنین اقدامی از سوی دولت ترامپ به تقویت تندروها در ایران خواهد انجامید.»

اشتباهات جبهه مشارکت

عضو حزب منحله مشارکت گفت: «جبهه مشارکت به گونه‌ای فعالیت کرد که برخی از فعالیتش نگران شدند.» شکوری‌راد افزود: «من نمی‌گویم مواضع و فعالیت‌هایش اشتباه بود؛ ولی ممکن است فعالیت‌هایش برخی را نگران کند.» وی در ادامه گفت: «در مجموعه اصلاح‌طلبان نیز توانمندی‌هایی که جبهه مشارکت از خود نشان می‌داد، موجب می‌شد برخی که خود را رقیب جبهه مشارکت در درون جبهه اصلاحات می‌دیدند، نگران شوند و فکر کنند که در آینده ممکن است فضا برای آنها تنگ شود.»

ده قدم به عقب

غلامحسین کرباسچی با انتقاد از برخی رفتارهای اعضای فراکسیون امید، گفت: «من برخی از مواضع اتخاذ شده اخیر عده‌ای از اعضای فراکسیون امید را چندان برای کشور مفید نمی‌دانم؛ برای نمونه آقای محمود صادقی یکی از اعضای بسیار شریف فراکسیون امید است که فرزند شهید بزرگواری هم هست؛ اما اینکه یک سری شعارهای افراطی از سوی وی یا هر فرد دیگری مطرح شود که بعداً با عذرخواهی همراه باشد، به دور از پختگی و بلوغ سیاسی است و در نهایت، یأس‌آفرین است. «شهامت» ارزش والایی است؛ اما مشروط به آنکه مجموعه‌ای را به اهدافش نائل کند، نه اینکه کسی یک قدم روبه جلو بگذارد و بعد به واسطه این پیشروی، کل مجموعه ده قدم به عقب پرتاب شود! شرایط کنونی سیاست در ایران عرصه این‌طور کرّ و فرّها نیست.»

دلایل گرانی دلار

از سویی دولت تلاش می‌کند ارز خود را نگه دارد و از سوی دیگر تقاضا برای دلار در بازار وجود دارد؛ همچنین فشار وارد شده است تا بهره بانکی کاهش یابد و این امر سبب شده است مقداری پول در دست مردم باشد که احساس کنند با خرید دلار، می‌توانند سود بیشتری ببرند. همه این عوامل سبب افزایش قیمت دلار شده است. مسعود دانشمند، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با بیان نکته فوق، افزود: «البته افزایش قیمت دلار با یک فاصله زمانی بر روی قیمت تمام‌شده کالاهای صادراتی اثر خواهد گذاشت، زیرا باید فرایندی طی شود تا مواد اولیه وارد و به کالای تولیدشده تبدیل شود؛ همچنین کالاهای مصرف داخل هم با افزایش قیمت روبه‌رو خواهد شد و این افزایش نرخ دلار آثار تورمی به دنبال خواهد داشت.»

استقراض عربستان از منابع داخلی و خارجی

به گزارش رویترز، محمد الطویجری دبیرکل کمیته اقتصادی دادگاه عالی عربستان که در تلویزیون العربیه سخن می‌گفت، دولت عربستان قصد دارد در سال ۲۰۱۷ معادل ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار از بازارهای خارجی و ۷۰ میلیارد ریال دیگر برابر با ۱۸/۶ میلیارد دلار را از بازارهای داخلی قرض کند. طی سال ۲۰۱۶ دولت عربستان توانست ۱۷/۵ میلیارد دلار از کسری بودجه خود را از طریق صدور اوراق قرضه بین‌المللی تأمین کند. این کشور همچنین ۱۰ میلیارد دلار از منابع خارجی وام دریافت کرده است.

حماس اشتباه کرد

«محمود الزهار» از اعضای ارشد حماس در انتقادی بی‌سابقه، «خالد مشعل» رئیس دفتر سیاسی این جنبش را مسئول اتفاقاتی دانست که پس از اتفاقات سوریه رخ داد و اعلام کرد: حماس با ترک سوریه (در سال ۲۰۱۱) مرتکب اشتباه شد و خالد مشعل مسئول آن است. ما کمک‌های سوریه را فراموش نمی‌کنیم، سوریه دیرزمانی است که به دژ مستحکم مقاومت تبدیل شده است؛ اما ما به دلیل رویکردهای جنبش(حماس) با تأثیرپذیری از برخی کشورها، دمشق را ترک کردیم.

روی خط خبر

بوئینگ انتخاباتی

شبکه خبری بی‌بی‌سی فارسی در گزارشی درباره نهایی شدن قرارداد ایران‌ایر و ایرباس اعلام کرد؛ گویا ایران اصرار داشته پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده دست‌کم چندین هواپیما در تهران بر زمین بنشیند تا بخت روحانی برای دور دوم انتخابات اوج بگیرد. ظاهراً قرار است اولین هواپیماهای بوئینگ و ایرباس سال ۲۰۱۸ وارد کشور شوند و هفت هواپیمایی که پیشتر علی ربیعی وزیر کار از ورود آنها به ایران ظرف چند ماه آینده خبر داده بود، بنابر خبری از رویترز، اجاره‌ای هستند و ربطی به قرارداد با ایرباس ندارند.

عارف اصولگرا‌ها!

پایگاه‌های خبری اصلاح‌طلبان اعلام کرده‌اند که محمدرضا عارف، رئیس شورای عالی سیاستگذاری اصلاح‌طلبان زیر چتر تشکل اصولگرای جامعه روحانیت نیز گنجانده شده است، این در حالی است که این فعالیت صرفاً برای بیان نداشتن کاندیدا از سوی اصولگرایان عنوان می‌شود.

سرباز شطرنج

علی مطهری از جمله گزینه‌هایی به شمار می‌رود که ممکن است اصلاح‌طلبان برای انتخابات دوازدهم ریاست‌جمهوری، وی را به اسم نامزد انتخاباتی خود مطرح کنند، اما نه برای انتخاب شدن، بلکه «بازیچه سیاسی» و یحتمل برای رد صلاحیت شدن و سپس راه‌اندازی یک بازی انتخاباتی به نفع گزینه اصلی، مشابه سال ۹۲ که آرای هاشمی‌رفسنجانی را در سبد نامزد اصلی خود ریختند. تنها تفاوت این شگرد اصلاح‌طلبان در سال ۹۲ و ۹۶ در آن است که در سال‌های ۹۲، هاشمی‌رفسنجانی خودش طراح چنین نقشه‌ای بود، اما در سال ۹۶، علی مطهری سرباز شطرنج اصلاح‌طلبان است.

نظرسنجی

خبرگزاری ایلنا نوشته است: «در حاشیه ششمین گردهمایی جبهه یاران انقلاب اسلامی فرم نظرسنجی میان حاضران توزیع و از آنان خواسته شده بود نسبت به میزان رأی‌آوری ۱۱ گزینه مدنظر اصولگرایان اعلام نظر کنند. در این فرم به ترتیب اولویت اسامی ضرغامی، قالیباف، جلیلی، باهنر، رستم قاسمی، بذرپاش، علی لاریجانی، الیاس نادران، نیکزاد و حاجی‌بابایی مورد سؤال قرار گرفته بود.

سازوکار اصولگرایان

سیدکمال‌الدین سجادی، سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری در گفت‌وگو با خبرآنلاین سازوکار انتخاباتی اصولگرایان را تشریح کرد و گفت: «تعداد اعضای ائتلاف همان سی، چهل نفر شامل نمایندگان احزاب و شخصیت‌های سیاسی هستند، اما نمی‌شود همه آن ۴۰ نفر دنبال کار بروند، از بین آنها ۱۰ نفر انتخاب می‌شوند تا آن ۱۰ منتخب کار را پیش ببرند. هیچ یک از اصولگرایان نمی‌توانند بگویند نامزد نهایی کیست. باید نخست ائتلاف اصولگرایان شکل بگیرد که این کار در حال انجام است. وقتی شکل گرفت از بین جمع ۱۰ نفر انتخاب و تقسیم کار شود تا آنها تک‌تک نامزدها را بررسی کنند و به یک نفر برسند. راهکاری که ما به جامعه روحانیت مبارز ارائه دادیم و آنها هم تأیید کردند همین است.»

نظر آیت‌الله مصباح

حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی در حاشیه همایش یاران انقلاب اسلامی درباره نظر آیت‌الله مصباح در مورد ائتلاف اصولگرایان گفت: «آیت‌الله مصباح اعتقاد دارند اصولگرایان باید سر یک فرد به ائتلاف برسند و کسی مخالف اجماع نیست، اما فعلاً که بر روی چه کسی اجماع صورت گیرد و این موضوع نیاز به بحث بیشتر دارد.»

رخداد

تأملی بر ترور سفیر روسیه در ترکیه

□ **محمد رضا مرادی /** آندری کارلوف، سفیر روسیه در ترکیه، دوشنبه شب (۲۹ آذر) هنگام سخنرانی در مراسم افتتاحیه نمایشگاه عکسی در آنکارا، هدف حمله قرار گرفت و کشته شد. ضارب ۲۲ ساله که مولود مرت آلتین‌تاش نام داشت، از نیروهای پلیس ضد شورش ترکیه بود که در این حادثه به ضرب گلوله کشته شد. روسیه و ترکیه این حمله را تلاشی برای تخریب روابط دوجانبه اعلام کردند. قاتل سفیر روسیه پس از کشتن آندره کارلوف که یکی از تحصیل‌کرده‌ترین دیپلمات‌های روسی بود، فریاد می‌زد؛ «حلب را فراموش نکنید». اما این ترور در چه شرایطی اتفاق افتاد و چه پیامدهایی خواهد داشت؟

روابط ترکیه و روسیه پس از سقوط جنگنده روسی به دست ارتش ترکیه تیره شد، به حدی که مسکو تحریم‌های سختی را علیه آنکارا اعمال کرد. اما عذرخواهی رسمی ترکیه سبب شد که یخ روابط دو طرف آب شود و در تیر ماه دو طرف برای عادی‌سازی روابط توافق کنند. بلافاصله پس از این توافق کودتای نافرجامی در ترکیه اتفاق افتاد. پس از این کودتا، مسکو از آنکارا قاطعانه پشتیبانی کرد و این امر دو طرف را بار دیگر به هم نزدیک کرد. به تازگی نیز ارتش سوریه به همراه ایران و روسیه موفق شده‌اند حلب را به طور کامل پاک‌سازی کنند که این پیروزی بزرگی برای حامیان دولت سوریه و شکست سنگینی برای متجاوزان بود. به دنبال این شکست اردوغان تمایلش را برای کودتاه آمدن درباره حلب و همراهی با ایران و روسیه اعلام کرد و توافق شد نشست سه‌جانبه‌ای در این‌باره در مسکو انجام شود. اما یک روز پیش

از برگزاری این نشست سفیر روسیه ترور شد. به صورت واضح می‌توان گفت هدف از این ترور هرچه باشد معنای آن نارضایتی از چرخش احتمالی اردوغان در مورد سوریه و نزدیک شدن به سمت روسیه و ایران بوده است. در واقع، پیش‌بینی‌ها بر این امر بود که مسکو در برابر این ترور واکنش سختی نشان دهد و به این ترتیب همه نقشه برای تشکیل نشست سه‌جانبه درباره سوریه به شکست خواهد انجامید. اما واکنش آرام پوتین سبب شد تا نشست برگزار شود و ترکیه برای اولین بار پس از پنج سال از راه‌حل نظامی در مورد سوریه کوتاه بیاید و خواستار راه‌حل سیاسی شود.

به طور حتم نمی‌توان گفت که چه کسانی در پشت پرده این ترور بودند. اما کاملاً واضح است که آمریکا، جریان فتح‌الله گولن، مرتجعین عرب، تروریست‌ها و رژیم صهیونیستی این ترور را در راستای منافع خود می‌بینند، بنابراین ممکن است هر یک از این گروه‌ها در پشت پرده ترور باشد. اما مسئله مهم این است که برخلاف پیش‌بینی‌ها این ترور به تنش جدی در روابط دو کشور ختم نشد. برخی از کارشناسان در همان ساعات اولیه، این ترور را با جرقه جنگ جهانی اول مقایسه کردند. روزنامه اکسپرس چاپ لندن در یادداشتی نوشت قتل کارلوف به ترور «فرانتس فردیناند» ولی‌عهد اتریش شباهت دارد که در سال ۱۹۱۴ به قتل رسید و این حادثه جرقه جنگ جهانی اول را را زد. این رسانه برای این قیاس خود به واکنش فوری یک رسانه روسی اشاره کرد که پس از ترور سفیر مسکو در ترکیه گزارش داد: «جنگ جهانی اول با یک گلوله آغاز شد. شلیک گلوله به سفیر روسیه اعلام جنگ است.» اما برخلاف تمام این تحلیل‌ها، روسیه و ترکیه نشان دادند که به این سادگی‌ها روابط ترمیم‌یافته خود را دچار تنش نخواهند کرد.

در پایان می‌توان گفت که اردوغان در ۶۹ ماه گذشته سیاست اشتباهی را درباره سوریه در پیش گرفته است. حمایت این کشور از تروریست‌ها سبب شده است که نه تنها مردم بی‌گناه سوریه قربانی شوند؛ بلکه شهرهای ترکیه نیز در یک سال گذشته شاهد ۱۸ عملیات تروریستی باشند. از سوی دیگر به تازگی دو سرباز ترکیه به دست داعش زنده زنده سوزانده شده‌اند. همه این موارد نارضایتی شدیدی را از اردوغان در ترکیه در پی داشته است و تغییر نگاه اردوغان به منطقه را ضروری می‌کند. حال باید دید اردوغان در تغییر استراتژی خود نسبت به مسائل سوریه و داعش جدی است، یا خیر.

رهیافت

چرایی طرح رد صلاحیت روحانی!

□ **حسین عبداللهی‌فر /** پس از طرح عبور از روحانی توسط اصلاح‌طلبان، موضوع رد صلاحیت احتمالی وی در دستور کار قرار گرفته است. در همین رابطه روزنامه «قانون» در نخستین روز دی ماه تیتر اول خود را به موضوع رد صلاحیت روحانی اختصاص داد و ذیل تیتر درشت «برای رد صلاحیت روحانی هیچ توجیهی وجود ندارد» از قول داریوش قنبری نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی نوشت: «برای رد صلاحیت روحانی هیچ توجیهی وجود ندارد. او رئیس‌جمهور است، پایگاه حمایتی خاصی دارد و رد صلاحیت ایشان باعث افت شدید مشارکت خواهد شد که به نظر نمی‌رسد این اتفاق رخ دهد و این بحث، بحثی جدی باشد.»

با توجه به اینکه اصلاح‌طلبان می‌دانند موضوع رد صلاحیت روحانی مطرح نیست و مصاحبه‌شونده نیز تصریح می‌کند که به نظر نمی‌رسد چنین اتفاقی رخ دهد و چنین بحثی جدی باشد، سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا هر از گاهی موضوع رد صلاحیت احتمالی روحانی رسانه‌ای می‌شود؟

۱ـ استفاده از تاکتیک مظلوم‌نمایی

نخستین پیام رد صلاحیت احتمالی روحانی به افکار عمومی این است که نباید گمان کنند روحانی برای آمدن هیچ مشکلی نداشته و ریاست‌جمهوری دور بعدی او قطعی است؛ چراکه شکل‌گیری چنین تصوری در اذهان جامعه سبب ریزش آرای روحانی شده و برای تثبیت پایگاه رأی وی باید افکار عمومی را به شکل ممکن تحریک و از طریق احتمال رد صلاحیت موجبات مظلوم‌نمایی وی را فراهم ساخت، به ویژه اینکه در این دوره فردی مانند هاشمی نیست که رد صلاحیتش به نفع روحانی تمام شود.

۲ـ پیام معکوس

پیام دیگر این طرح به شکل معکوس برای اصلاح‌طلبانی است که هنوز بر عبور از روحانی اصرار داشته و انتخابات فعلی را برای روی کار آوردن یک نامزد اصلاح‌طلب مساعد می‌دانند. طرح رد صلاحیت روحانی می‌تواند این موضوع را به یکی از مباحث محفلی اصلاح‌طلبان تبدیل کند و به این جمع‌بندی برساند که او رد صلاحیت نخواهد شد و این امتیازی است که باید به خاطر آن از او حمایت کرد؛ چراکه هر کس غیر از او چنین موقعیت مصونیت‌بخشی را نداشته و احتمال رد صلاحیتش وجود دارد.

۳ـ پیام انحرافی

این طرح یک پیام انحرافی نیز دارد که مخاطب آن اصولگرایان به مثابه رقیب روحانی هستند. تحلیل فعلی اصلاح‌طلبان این است که اصولگرایان برای دستیابی به وحدت تلاش می‌کنند؛ اما در حال حاضر دچار تشتت بوده و نامزدهای فراوانی برای معرفی دارند. این تحلیل را می‌توان در آخرین مندرجات روزنامه‌های اصلاح‌طلبان به ویژه اعتماد مشاهده کرد که با طرح اسامی عده زیادی از اصولگرایان چنین القا می‌کنند که دورنمای حرکت آنها تفرق و تشتت خواهد بود. طرح رد صلاحیت احتمالی روحانی می‌تواند به ادامه تفرق اصولگرایان کمک کرده و آنها را به تکرار اشتباهی که در انتخابات ۹۲ داشتند و برای رقیب وزنی قائل نبودند، وادار سازد. به عبارت دیگر، اصولگرایان به جای وحدت می‌توانند روی حذف گزینه رقیب حساب باز کنند و راهی را بروند که نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت.

۴ـ پیام تحذیری

این طرح یک پیام تحذیری نیز دارد که مخاطبان آن کسانی هستند که احتمالاً به رد صلاحیت روحانی می‌اندیشند. این افراد اگرچه اندکند و از نظر اصلاح‌طلبان تلاش بیهوده‌ای را دنبال می‌کنند؛ اما باید بدانند که اگر چنین اتفاقی رخ دهد، حامیان روحانی به تحریم انتخابات دست زده و راهبرد مشارکت حداکثری نظام با مشکل مواجه خواهد شد. چنانچه مصاحبه شونده فوق‌الاشاره هم می‌گوید رد صلاحیت روحانی سبب کاهش مشارکت خواهد شد.

تبیین

نفوذ براندازانه اجتماعی و فرهنگی ـ ۲

□ **حسن خدادی /** همان‌طور که در مقاله شماره پیش بررسی کردیم، دو شیوه برای نفوذ براندازی اجتماعی و فرهنگی در دستور کار معاندان خارجی و داخلی نظام قرار گرفته که به شرح ذیل است.

۱ـ مخالفت‌های خشونت‌پرهیز

همان‌طور که اشاره کردیم، اولین شگرد «نفوذ براندازانه اجتماعی و فرهنگی»، تبدیل حرکت‌های اعتراضی «خشونت‌آمیز» به حرکت‌های اعتراضی «خشونت‌پرهیز» در سطح جامعه است. پیچیدگی کنش سیاسی در این حرکت‌ها این است که به جای رویارویی مستقیم و خشونت‌آمیز با حکومت همیشه به شکل غیر مستقیم و خشونت‌پرهیز با آن روبه‌رو می‌شود و امکان مهار و شناسایی کامل آنها را ناممکن می‌کند. این شیوه طی اعتراضات خیابانی و کمپین‌های دیگر مشاهده می‌شود. تصاحب مناسبت‌های دولتی، استفاده از روش‌های کم‌خطر برای اجرای حقیقتی معکوس، مانند راه‌بندان در ساعتی مشخص، روشن کردن وسایل برقی به طور همزمان در اوج ساعات مصرف برق، حضور غیر منتظره در خیابان، و... .

۲ـ تصرف نهادهای ریز قدرت

در نظریات جدید علم سیاست، قدرت تنها در قالب نهادهای مدنی کلان و سازمان‌های دولتی متجلی نمی‌شود؛ بلکه از «لایه‌های خردتر» مانند روابط میان افراد برمی‌خیزد. این «ساختار افقی» را که در آن قدرت میان افراد توزیع شده است، می‌توان «میکرو قدرت» نامید. بنابراین، می‌توان «ساختار افقی دومی» را مبنای خوانش قدرت در شکل «حکومت» و نهادهای قدرت قرار داد. این تأکید بر تکثیر قدرت به این معناست که سیاست آنتاگونیستی کلاسیک با یک «مبارزه خُردِ فردگرایانه با سیستم» جایگزین می‌شود؛ یعنی در حالی که عملاً برخورد آنتاگونیستی و تضاد آشکار با نهادهای رسمی و کلان قدرت به صورت خشونت‌آمیز ممکن نیست، مردم به صورت پراکنده و بدون تشکیل جبهه‌ای آشکار به سوی مخالفتی خشونت‌پرهیز با نهادهای ریز قدرت حاکم سوق داده می‌شوند.

یکی از شیوه‌های اجرایی این شگرد را می‌توان «هنر حضور» نامید؛ اما «بودن» مردم و زندگی روزمره آنها چگونه می‌تواند معنای سیاسی یابد؟ کار مخالفان در شیوه «هنر حضور» و درک میکرو از قدرت نه «تصاحب نهادهای کلان قدرت»، بلکه «تصرف نهادهای ریز قدرت» در سطح جامعه یا به عبارتی دگرگونی ساختار قدرتی است که در سطح خرد اساساً «حاکمیت» و «سلطه» را ممکن می‌کند. بنابراین در «نفوذ براندازانه اجتماعی»، به جای «براندازی حزبی یک حاکم» باید متوجه «براندازی یک شیوه حاکمیت» بود؛ برای نمونه زنانی که حجاب را مطابق دستور حاکمیت رعایت نمی‌کنند، جوانانی که برخلاف قانون نانوشته یا نوشته حکومت‌ها به شادی‌های هنجارشکن و بی‌نظمی در خیابان دست می‌زنند یا در محافل خصوصی، کنسرت‌های موسیقی و پارتی‌ها شرکت می‌کنند، دخترانی که برخلاف نظام اخلاقی جامعه، با پوششی نامناسب در خیابان‌ها حضور پیدا می‌کنند، رانندگان زنی که بدون توجه به عرف جامعه با بی‌حجابی در اتومبیل مشغول رانندگی هستند و... ، همه نمونه‌هایی از حرکت‌های منفردی است که گاه نه بر حسب «کنشی» که انجام می‌دهند؛ بلکه حتی به صرف «بودن» شان چیزی را در صحنه اجتماعی جامعه ایران تغییر می‌دهند و به صورت «غیر خشونت‌آمیز» با «نهادهای ریز قدرت» یا به عبارت بهتر با یک «شیوه و سنخ حاکمیت» به مبارزه برمی‌خیزند. این امر در قالب «هنر حضور» قابل بیان است. بنابراین، شیوه حضور عده‌ای در جامعه به صرف تغایری که با اراده حاکمیت دارد، معنای سیاسی می‌یابد و به دلیل همزمانی این اشکال حضور باید از آن به منزله «حرکت جمعی تشکل نیافته» یاد کنیم. در واقع، این حرکات معنایی جز تقابل با اراده سیاسی حاکم بر نظام ندارد. تهدید اصلی زمانی تجلی پیدا می‌کند که این «ریزجنبش‌ها» در عرصه سیاسی، به ویژه هنگام انتخابات که زمانی برای فرصت سیاسی و تجلی نیروهای اجتماعی و سیاسی است، به منزله پشتیبان جریان غربگرا وارد عمل شده و در کنار هم سبب هم‌افزایی نیروهای معاند شوند که نمونه بارز آن را می‌توان در فتنه ۸۸ مشاهده کرد که این امر قابلیت تکرار هم دارد.

یادداشت

اتیوپی، عرصه جدید تقابل عربستان سعودی و مصر

□ **محمدرضا بلوردی /** پس از برکناری محمد مرسی که از جمله حامیان اصلی معارضان نظام سوریه بود و به قدرت رسیدن عبدالفتاح السیسی در مصر، مسئولان مصری مواضع متفاوتی نسبت به بحران سوریه اتخاذ کردند، به گونه‌ای که به صورت ضمنی از نظام تحت رهبری بشار اسد در سوریه حمایت کردند. همچنان‌که از عملیات ارتش سوریه برای آزادسازی مناطق مختلف این کشور از دست گروه‌های تروریستی استقبال کردند. در ادامه مصر در جلسه شورای امنیت سازمان ملل متحد به نفع طرح روسیه رأی داد؛ طرحی که با اهداف راهبردی عربستان سعودی در سوریه هیچ تناسبی نداشت. این در حالی است که مواضع قاهره و ریاض نسبت به مدیریت بحران در یمن متفاوت است و موضوع واگذاری دو جزیره «تیران» و «صنافیر» به عربستان نیز به نتیجه‌ای نرسیده است.

مجموعه قضایای فوق سبب تنش بین مصر و عربستان شده است؛ سرآغاز این تنش‌ها تصمیم شرکت نفتی سعودی آرامکو بود که قصد داشت انتقال نفت به مصر را متوقف کند و مصر هم مجبور شد برای دریافت نفت مورد نیاز به دنبال جایگزین باشد که عراق و ایران در اولویت کشورهای مورد نظر مصر قرار داشتند؛ دو کشوری که خود روابط پرتنشی با سعودی‌ها دارند.

در همین راستا تلاش سعودی‌ها بر این بوده است که دایره بحران با مصر را گسترش دهند و برای این منظور تلاش کرده‌اند تا کشورهای عرب حوزه خلیج‌فارس را هم با خود همراه کنند که نمود این تلاش‌ها را می‌توان در واکنش تند جلسه اخیر شورای همکاری خلیج‌فارس به اتهام مصر علیه قطر دید؛ جایی که قاهره مدعی شد دوحه در آموزش و تأمین مالی تروریست‌های انفجار کلیسای قاهره در ماه جاری میلادی دست داشته است.

آخرین اقدام سعودی‌ها برای دامن زدن به تنش‌ها با مصر، سفر احمد الخطیب، مشاور پادشاه سعودی، به آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی و دیدار با مقامات این کشور و از جمله مسئولان سد النهضه بوده است. موضوع سد النهضه از این نظر برای مصر اهمیت دارد که ساخت این سد می‌تواند سهم آبی مصر از رود نیل ـ که کشاورزی مصر به شدت به آن وابسته است ـ را کاهش دهد.

در همین راستا رسانه‌های اتیوپیایی اعلام کردند که «هایلی ماریامدیستالین» نخست‌وزیر این کشور با مشاور پادشاه سعودی درباره تشکیل یک کمیته مشترک برای همکاری در زمینه انرژی گفت‌وگو کرده است و مقامات سعودی درخواست سرمایه‌گذاری در پروژه سد النهضه را داشته‌اند.

در دیدارهای اخیر مقامات سعودی از اتیوپی، این سؤال مطرح است که تقویت روابط بین آدیس آبابا و ریاض چه تأثیری بر اختلافات موجود بین مصر و عربستان خواهد داشت؟ آیا عربستان به دنبال این است که با این اقدامات تحریک‌آمیز خشم مقامات قاهره را برانگیزد؟ به نظر می‌رسد سعودی‌ها در اوضاع کنونی بیشتر در تلاشند تا از نقاط ضعف مصر استفاده کرده و مسئولان این کشور را تحت فشار قرار دهند، تا اینکه موضوع خروج از پوشش عربستان و اتخاذ سیاستی مستقل نسبت به تحولات منطقه را فراموش کنند.

البته، این اقدامات سعودی‌ها راهکارهایی را هم پیش روی قاهره قرار می‌دهد که گسترش همکاری‌های سیاسی این کشور با جمهوری اسلامی ایران از آن جمله است و مقامات مصری می‌توانند از این طریق با اقداماتی که سعودی‌ها علیه امنیت ملی آنها انجام می‌دهند(از جمله استفاده از اهرم فشار اتیوپی) مقابله کنند.

اخبار

آمارهای ساختگی رشد اقتصادی

از ابتدای تابستان امسال دولتمردان و نهادهای رسمی دولتی، آمارهای متفاوت، ولی بالایی را برای رشد اقتصادی دوره بهار اعلام کردند که حدود چهار درصد بود؛ اما هفته گذشته آقای سیف، از نرخ جدید بالای پنج درصد رونمایی کرد پیش از او نیز مرکز پژوهش‌های مجلس از نرخ رشد بالای شش درصد برای کل سال صحبت کرده بود. در این راستا، رئیس‌جمهور گفت: « در آخرین سال دولت یازدهم خوشحالم که مردم هم شاهد تورم تک‌رقمی و هم رشد اقتصادی هستند، به نحوی که رشد اقتصادی شش ماهه اول امسال، در مقایسه شش ماهه اول پارسال، ۷،۴ درصد شده است.»

البته همه مدیران دولتی و مراکز دولتی در یک نوای به نظر هماهنگ شده، درباره به احساس نشدن رشد اقتصادی در بخش‌های اصلی اقتصاد، مانند ساختمان، صنعت، خدمات، تجارت خارجی، میزان بیکاری و... فوری اعلام کردند، بیشتر این رشد اقتصادی مربوط به کاهش تحریم‌های نفتی پس از برجام و افزایش درآمد نفتی (تا ۳۸ درصد از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس) است؛ ولی آیا واقعاً چنین است؟! بر اساس اعلام همان مراکز آمارگیری دولتی (شرکت ملی نفت)، در ۲۰۰ روز اول امسال، کل صادرات نفتی و مواد وابسته، نسبت به سال گذشته فقط حدود سه درصد افزایش یافته است (مقایسه شود با ۳۸ درصد گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس!)

ایران به سمت تولید جنگنده در حد و اندازه کنکورد می‌رود

بولتن «دیده‌بان محیط عملیاتی» متعلق به دفتر مطالعات خارجی نظامی ارتش آمریکا در جدیدترین شماره خود در بخش رصد ایران آورده است: «ایران در صنعت هوایی نظامی پیشرفت چشمگیری داشته و طبق برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل قادر خواهد بود تسلیحات دفاعی را خیلی سریع و تسلیحات تهاجمی را طی مدت هفت سال به داخل خاک خود وارد کند. تولید اولین جت ملی، سکوی پرتابی برای موتورهای توربوجت و جت‌های سنگین آینده خواهد شد. همچنین، با توجه به شرایط آیرودینامیک، توربوفن می‌تواند دستیابی ایران به حرکت فراصوت برای جنگنده‌های خود را تسهیل کند و در آینده نزدیک شاهد دستیابی ایران به جنگنده‌هایی در حد و اندازه کنکورد (با حداکثر ۲ ماخ سرعت) خواهیم بود. هم‌اکنون صنعت نظامی ایران در حال مهندسی معکوس قطعات هواپیماهای جت است. این امر می‌تواند موجب پیچیدگی مسئله فروش یکصد فروند هواپیمای بوئینگ به ایران شود.» این نشریه درباره قدرت پهپادی کشورمان هم نوشت: «ایران نه تنها پهپادهای خود را در سوریه و عراق عملیاتی می‌کند، بلکه حزب‌الله لبنان و نیروهای مردمی عراق را هم مورد حمایت پهپادی قرار می‌دهد. در اینجاست که تازه می‌توان سخنان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران مبنی بر تمایل روس‌ها به کمک‌گیری از ایران در صنعت پهپادهای دوربرد را فهمید.»

برنامه عربستان برای درگیری شیعیان عراق

دبیرکل گروه مقاومت موسوم به «عصائب اهل الحق» عراق با اشاره به اهداف دیدارهای اخیر خود و برخی رهبران حشد الشعبی با مقتدی صدر، گفت: «دو هدف اصلی وجود دارد. اول اینکه، دست‌های زیادی فعال شدند تا زمینه جنگ و درگیری میان گروه‌های شیعی را پس از نابودی داعش هموار کنند. کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس و به ویژه عربستان سعودی با به کار گرفتن ابزارهای تبلیغاتی و هزینه‌های زیاد تلاش می‌کنند که این اختلافات و درگیری‌ها را به وجود آورند؛ بنابراین این جلسات به دنبال خنثی‌کردن نقشه شوم دشمنان برای ایجاد درگیری‌ها میان گروه‌های شیعی است. دوم اینکه، مقتضای شرایط کنونی و اهمیت اوضاع فعلی است که ما شاهد عملیات آزادسازی موصل هستیم و از سویی هم وجود نیروهای متجاوز ترکیه در عراق است که همه این مسائل باید بررسی شده و مواضع مشترکی اتخاذ شود. خدا رو شکر که هر دو هدف در این نشست‌ها محقق شد.»

شیخ قیس الخزعلی افزود: «در درون گروه‌های شیعی تضمین‌هایی وجود دارد که اختلافات را کاهش می‌دهد؛ برای نمونه در عرصه سیاسی به جای اینکه تک تک گروه‌های شیعی به طور جداگانه مطرح باشد، یک ائتلاف ملی (شیعی) وجود دارد که از مدت‌ها پیش وجود داشته است و تضمین دوم هم وجود مرجعیت واحد در عراق است و دیگر اینکه در عراق تنها یک دولت وجود دارد.»

فامیل‌بازی‌های یک فساد میلیاردی

هرچند در ابتدا فساد مالی هشت هزار میلیارد تومانی صندوق ذخیره فرهنگیان از سوی مسئولان صندوق پذیرفته نمی‌شد و آنها از بدهی سه هزار میلیارد تومانی پنج نفر به بانک سرمایه خبر داده و دولت‌های گذشته را متهم می‌کردند؛ اما این روزها حتی معاون اول رئیس‌جمهور نیز رقم هشت هزار میلیاردی و تخلف در برخی از شرکت‌های زیرمجموعه صندوق فرهنگیان را تأیید می‌کند. رضا محدث، قائم‌مقام اسبق صندوق ذخیره فرهنگیان درباره وضعیت صندوق ذخیره فرهنگیان گفت: «۱۳۰۰ میلیارد تومان به فردی داده‌اند تا در جلسات دستورات مدیرعامل قبلی صندوق را اجرا کند، در حالی که این فرد ۱۰ درصد از سهام صندوق ذخیره را خریداری کرده است.» وی افزود: «فرد دیگری نیز هزار میلیارد تومان وام دریافت کرده است و این وام‌ها از سوی بانک سرمایه با دستور آقای غندالی (مدیرعامل اسبق) به برخی افراد خاص پرداخت شده است. به فردی دیگر نیز ۹۰ میلیارد تومان به‌واسطه یک چک پرداخت کرده‌اند و این فرد در خیابان جمهوری یک ساختمان مخروبه را به ارزش دو میلیارد تومان به صندوق داده و وام ۹۰ میلیاردی دریافت کرده است.» قائم‌مقام اسبق صندوق ذخیره فرهنگیان با اشاره به اینکه وام‌های کلان را به افراد و آشنایان خود پرداخت کرده‌اند، گفت: «مسئله مهم دیگر فساد مالی در زیرمجموعه‌های صندوق ذخیره است که این مسئله رو به فراموشی است.» محدث افزود: «شرکت سرمایه‌گذاری را که باید کار سرمایه‌گذاری انجام دهد، به یک ورزشکار و دوستان او واگذار کرده‌اند.»

کار عاقلانه درخصوص قیمت ارز

محمدرضا پورابراهیمی رییس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: قیمتی که دولت برای دلار در لایحه بودجه ۹۶ در نظر گرفته با رویکرد تنظیم بازار خوب است اما با واقعیت ۴۰۰۰ تومانی فعلی تفاوت دارد و در لایحه دولت با نرخ واقعی باید مدیریت شود؛ یعنی دولت یا باید نرخ بازار را متعادل کند و به عدد ۳۳۰۰ تومان که در بودجه پیش‌بینی کرده برساند و یا اینکه این نرخ را مبنا قرار دهد. وی در ادامه افزود؛ کار عاقلانه این است که عرضه و تقاضایِ بازار را مدیریت کنیم.

آن روی سکه

بودجه نهادهای نظامی در سال ۹۶

□ سعید مهدوی/ ارقام بودجه نهادهای نظامی در هر لایحه از مهم‌ترین و حساس‌ترین ارقام به شمار می‌آیند. از گذشته تا امروز بسیاری از کشورها بیشتر توان مالی خود را به عرصه نظامی معطوف کرده‌اند؛ زیرا اگر کشوری قدرت و توان نظامی نداشته باشد، امنیت و آسایشی برای مردم آن کشور وجود ندارد و منابع در اختیارشان از دست‌درازی کشورهای استکباری در امان نیست. جمهوری اسلامی ایران از نظر موقعیت، میزان وجود منابع انرژی و همچنین به لحاظ موقعیت ارتباطی بین شرق به غرب آسیا و اروپا، یعنی خاورمیانه (غرب آسیا و شمال آفریقا)، در وضعیت بسیار حساس و مهمی قرار دارد و از سویی نه تنها با غرب و آمریکا در چپاول دارایی‌های ملت‌های مستضعف همسو نیست؛ بلکه تنها پرچم‌دار مخالفت با این تفکر است. پرواضح است که داشتن نیروی نظامی گسترده و با تجهیزات نظامی به‌روز، نه‌تنها برای چنین کشوری واجب است؛ بلکه از نظر بسیاری از کارشناسان، داشتن توان نظامی بالا برای ایران، از همه چیز واجب‌تر و لازم‌تر است و باید در اولویت باشد؛ چرا که در صورت هر گونه تهاجم نظامی از سوی کشوری به ایران، این توان نظامی و نیروی نظامی مجهز است که می‌تواند کشور را از هر آسیبی مصون بدارد. بودجه نهادهای نظامی برای لایحه سال ۹۶ روند رو به رشدی داشته که در ادامه با مقایسه آن با بودجه سال ۹۵، ارقام آن ذکر می‌شود.

– بودجه ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران هفت هزار و ۷۷۲ میلیارد تومان پیشنهاد شده که در لایحه سال ۹۵ مبلغ آن شش هزار و ۱۰۴ میلیارد تومان است.

– بودجه ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لایحه ۹۶، مبلغ ۱۳ هزار و ۲۴۵ میلیارد تومان پیشنهاد شده که بودجه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء هم جزء آن است.

– برای سازمان بسیج مستضعفین نیز در لایحه ۹۶، یک هزار و ۱۵۵ میلیارد تومان بودجه پیشنهاد شده که در لایحه سال ۹۵ مبلغ آن یک هزار و ۷۰ میلیارد تومان است.

– بودجه ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح سه هزار و ۲۱ میلیارد تومان پیشنهاد شده، این در حالی است که در لایحه سال ۹۵ مبلغ آن دو هزار و ۵۰ میلیارد تومان است.

بودجه نیروی انتظامی نیز در سال ۹۶ هفت هزار و ۱۵۸ میلیارد تومان پیشنهاد شده که این بودجه در سال ۹۵ شش هزار و ۳۳۲ میلیارد تومان است. البته ناگفته نماند که دولت یازدهم در لایحه بودجه ۹۶ در پیشنهادی موضوع حذف پنج هزار میلیارد تومان از بودجه نیروهای مسلح را مطرح کرده بود که این پیشنهاد مورد تایید اعضای کمیسیون تلفیق مجلس قرار نگرفت و طبق روال گذشته این پنج هزار میلیارد تومان برای بودجه دفاعی کشور باقی بماند.

در حال حاضر، آمریکا بیشترین بودجه را در جهان صرف ابعاد نظامی خود می‌کند و پس از آن کشورهای چین، عربستان و روسیه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. اگرچه آمار دقیقی از میزان بودجه دفاعی کشورهای جهان به ترتیب میزان تخصیص یافته وجود ندارد؛ اما بودجه‌هایی که کشورها به طور علنی در حوزه دفاعی و امنیتی صرف می‌کنند، قابل توجه است. گفتنی است، یکی از محاسن بودجه دفاعی کشور، این است که بیشتر تجهیزات مورد نیاز نیروهای مسلح در داخل کشور تولید می‌شود و این خودش سبب می‌شود ارز کمی برای خرید تجهیزات و لوازم نظامی هزینه شود.

شناخت اولویت‌ها در حوزه اقتصاد

□ محمدابراهیم میانجی/ پس از گذشت چندین ماه از اجرایی شدن برجام که قرار بود پس از عملیاتی شدن آن تمام تحریم‌های ظالمانه علیه کشور لغو شود، در مهرماه سال جاری بود که اوفک(OFAC) مجوز فروش هواپیمای مسافربری به ایران را به شرکت‌های ایرباس و بوئینگ صادر کرد. طبق این مجوز قرار است که شرکت بوئینگ ۱۰۰ فروند هواپیما و شرکت ایرباس ۱۱۸ فروند هواپیمای جدید را به صورت غیر نقدی و لیزینگ به ایران بفروشد. سپس نمایندگان ایران‌ایر در طول ماه‌های بعد از آن، ملاقات‌های متعددی با نمایندگان شرکت بوئینگ انجام دادند و با برگزاری بیش از ۱۰ جلسه مذاکره فشرده با نمایندگان بوئینگ، سرانجام در روز یکشنبه ۲۱ آذر ماه سال جاری قرارداد خرید ۸۰ فروند هواپیما از این شرکت را به ارزش ۱۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار برای تحویل هواپیما در یک دوره ۱۰ ساله به امضا رساندند.

عقد این قرارداد با توجیه ایجاد هشت هزار شغل در صنعت هوایی کشور در شرایطی که کشور به دلیل رکود تورمی با تعطیلی بیش از هفت هزار واحد تولیدی و صنعتی مواجه است که راه‌حل خروج از این وضعیت، بنا به اظهارات مسئولان امر در دولت، تزریق ۱۶ هزار میلیارد تومان سرمایه به این واحدها می‌باشد تا روند تولید و اشتغال در آنها سامان یابد، جای بسی تأمل دارد؛ چراکه عباس آخوندی وزیر راه‌وشهرسازی پس از عقد قرارداد با این شرکت آمریکایی، آن را گامی در جهت نوسازی ناوگان حمل‌ونقل هوایی دانست و عنوان کرد: «صرفاً طی قرارداد با بوئینگ، در صنعت هوانوردی بیش از هشت هزار شغل شامل مشاغل فنی خلبانی، مهمانداری، مهندسی و تعمیرات ایجاد خواهد شد» و این در حالی است که

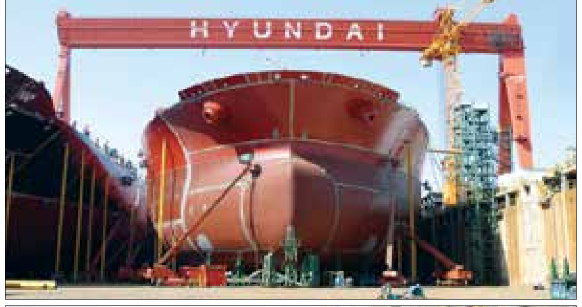

برآوردها نشان می‌دهد با عملیاتی شدن این قرارداد با شرکت بوئینگ، حداقل ۱۰۰هزار شغل برای صنعت هوا و فضای آمریکا ایجاد خواهد شد.

هرچند نمی‌توان تنها دستاورد این قرارداد را ایجاد اشتغال دانست و بی‌شک توسعه حمل‌ونقل هوایی نیز از جمله دستاوردهای آن به شمار می‌رود، ولی با تأمل در اقدامات اقتصادی دولت در این شرایط و در نظر نگرفتن اولویت‌ها، شائبه بهره‌برداری انتخاباتی از آن پر رنگ می‌شود؛ چرا که اقداماتی از این دست در دولت مغایر با منویات رهبر معظم انقلاب و تذکرات واضح و شفاف معظم‌له به دولت می‌باشد. ایشان در دیدار خردادماه سال جاری خود با مسئولان و دست‌اندرکاران نظام فرمودند: «در تصمیم‌گیری‌هایی که ما در زمینه مسائل اقتصادی می‌کنیم، اولویّت‌ها را باید در نظر بگیریم. گاهی یک کاری خیلی مهم است، خیلی لازم است، امّا [دارای] اولویّت نیست؛ یعنی از آن کارِ لازم‌تری وجود دارد. این خیلی به نظر من مهم است... حالا فرض کنیم که پول‌های ما در بانک‌های بیگانه آزاد شد که البتّه آزاد نشده، معلوم هم نیست کِی آزاد خواهد شد، حالا [به آن مطلب] خواهم رسید بنا است صرف چه چیزی بکنیم؟ این خیلی مهم است. اولویّت‌ها را باید رعایت کرد. خب، حالا من یک مثال بزنم، البتّه این مثال را به خود وزیر محترم هم به نظرم گفتم؛ فرض کنید ناوگان هوایی ما نوسازی بشود؛ خب، خیلی کار مهم و لازمی است امّا اولویّت است؟ آیا اینِ اولویّت کشور است؟ فرض کنیم مثلاً سیصد هواپیما بخریم؛ این معلوم نیست اولویّت باشد. این باید بررسی بشود؛ من نظر کارشناسی نمی‌دهم، من تذکّر می‌دهم برای اینکه کار کارشناسی بشود؛ من تذکّر می‌دهم که اولویّت‌ها باید رعایت بشود. این یکی از مسائل بسیار مهم است.

ضروری است دولت محترم با درک شرایط حساس کشور در حوزه مسائل اقتصادی، منابع ناچیز ارزی موجود را با درایت و تعقل بیشتری برای رفع مشکلات اساسی اقتصادی کشور هزینه کند و با اقدامات مناسب اشتغال را احیا کرده و از بیکاری روزافزون افراد شاغل جلوگیری نماید. دست‌اندرکاران امر با مطالعه و بررسی مناسب می‌توانند زمینه‌های ایجاد اشتغال و درآمد پایدار را با استفاده از منابع موجود رقم بزنند. برای نمونه با اختصاص چهار هزار میلیارد تومان از منابع موجود که در دست دولت قرار دارد، می‌توان راه‌آهن چابهار ـ مشهد را تکمیل کرد. که با تکمیل این پروژه و به سرانجام رسیدن کریدور شمال ـ جنوب سالیانه بیش از هفت میلیارد دلار درآمد نصیب کشور خواهد شد. این درآمد صرفاً از طریق ترانزیت بار نصیب ایران می‌شود. علاوه برآن به دلیل توانایی و ظرفیت‌های موجود در صنعت ریلی، اشتغال زیادی بر اثر تولید واگن، ریل و صنایع وابسته در داخل کشور ایجاد خواهد شد.

نمونه دیگری از این قراردادها که به اولویت‌های اساسی کشور در آن توجه نشده و در مغایرت کامل با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که به امضای دولت رسیده است، قرارداد ساخت کشتی با شرکت کره‌ای است که با وجود ظرفیت عظیم کشتی‌سازی در داخل کشور، ساخت کشتی به یک شرکت خارجی واگذار شده است.

این در حالی است که ساخت کشتی با ظرفیت ۱۴۰۰۰ کانتینر و نفت‌کش ۱۳۰ هزار تنی در کشور انجام شده است و هیچ محدودیتی در ساخت کشتی، نه در تناژ و نه در ابعاد طول و ارتفاع در این حوزه در کشور وجود ندارد. ظرفیت ساخت کشتی در مجتمع بزرگ کشتی‌سازی جمهوری اسلامی ایران که در بندرعباس مستقر است، فراهم است. در این مجتمع کشتی‌سازی ۵۰۰۰ فرصت شغلی به صورت مستقیم و حدود ۴۰۰۰۰ فرصت شغلی به صورت غیرمستقیم وجود دارد، در حالی که این قرارداد جدید، تعداد زیادی از کارگران و افراد مرتبط با این صنعت را بیکار خواهد کرد، دولت باید در این‌باره پاسخگو باشد و نسبت به این قرارداد تجدیدنظر نماید و از پیامدهای نامناسب آن در این شرایط اجتناب کند.

انتظار این است که مسئولان و دست‌اندرکاران ظرفیت‌های موجود در کشور را به خوبی شناسایی کنند و حمایت لازم را از آنها انجام دهند و به توان داخلی باور داشته باشند؛ چرا که تنها راه برون‌رفت از این مشکلات و معضلات اقتصادی تکیه به توان داخلی و باور توانمندی جوانان این کشور است و لا غیر.

اخبار اقتصادی

مخالفت وزیر مسکن با مسکن مهر

عباس آخوندی وزیر راه و شهرسازی با انتقاد از هزینه‌های صرف شده برای طرح مسکن مهر، گفت: «با این طرح از همان روز اول وزارتم مخالف بودم و وی بیان کرد: همچنان بر موضع خودم درباره منافات طرح مسکن مهر با منافع ملی و همچنین هدر رفت بودجه کشور اصرار دارم. به مخالفتم با این طرح ادامه می‌دهم و هزینه آن را هم می‌پردازم.» آخوندی افزود: «۱۰۰ هزار میلیارد تومان سرمایه‌گذاری در مسکن مهر انجام شده است؛ اما هنوز ۳۰ درصد از جمعیت شهری ایران در وضعیت بد مسکنی به سر می‌برند.»

تشکیل بزرگ‌ترین بانک جهان اسلام

مسئولان کشور قطر تصمیم گرفتند سه بانک مطرح این کشور را با هم ادغام کنند. قرار است این سه بانک با ادغام شدن با یکدیگر به منزله بزرگ‌ترین بانک اسلامی در کشورهای شورای همکاری به مشتریان خدمات بهتر و متنوع‌تری ارائه دهند. میزان سرمایه این بانک‌ها بالغ بر ۴۴ میلیارد دلار است. این در حالی است که چندی پیش «علی دیواندری» رئیس پژوهشکده پولی و بانکی ایران در زمینه طرح برخی ایده‌ها درباره ادغام بانک‌ها به منظور کاهش هزینه‌های مترتب بر بانکداری ایران مطالبی عنوان کرده بود.

بانک‌های خصوصی ایران در راه هند

فدراسیون سازمان‌های صادراتی هند از رزرو بانک این کشور خواسته است اجازه دهد بانک‌های ایرانی که برخی از آنها از حدود پنج سال پیش برای گشایش شعب جدید درخواست داده‌اند، شعبه‌هایی را در هند ایجاد کنند. گفتنی است، پنج بانک ایرانی (پاسارگاد، سامان، پارسیان، سرمایه و اقتصاد نوین) برای ایجاد شعبی در هند درخواست داده بودند؛ اما این فرآیند به دلیل تحریم‌های اقتصادی به تأخیر افتاده است. در حال حاضر، بیشتر این بانک‌ها تراکنش‌های مالی خود را از طریق بانک «یوسی‌ای» انجام می‌دهند.

پایش

تناقض ممتد

□ سید فخرالدین موسوی/ گویا قصه تکراری برخورد دوگانه رسانه‌های اصلاح‌طلب با یک موضوع پایانی ندارد و این بار بر سر نقل قول یک نماینده مجلس شورای اسلامی درباره سخنان ظریف در کمیسیون امنیت ملی بروز و ظهور یافت! پس از آنکه کریمی قدوسی، نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی سخنان محمدجواد ظریف در زمینه اشتباهش درباره اعتماد به آمریکایی‌ها در جریان توافق هسته‌ای را علنی کرد، قریب به اتفاق رسانه‌های کشور، به ویژه منتقدان برجام موضوع اشتباهات ظریف را در کانون توجه قرار دادند. چنان‌که «وطن امروز» با تصویر بزرگی از وزیر امور خارجه دولت یازدهم در حالی که دست‌هایش را گره کرده و سر به زیر افکنده است، تیتر درشت «ظریف: اشتباه کردم» را برای صفحه اول خود انتخاب می‌کند و می‌نویسد: «باز هم محمدجواد ظریف، باز هم برجام و باز هم سخن از اعترافات مهمی که نه در پیشگاه مردم، بلکه در خفا و در جمع اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس انجام شده است. گویا پس از ماجرای اذعان سه سال قبل ظریف به اشتباه بودن مکالمه طولانی‌مدتش با جان کری

اعتماد
پشت پرده انتشار محرمانه‌های ظریف

و گفت‌وگوی تلفنی روحانی با اوباما، حالا یک بار دیگر بخشی از محتوای جلسه ظریف با اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی منتشر شده است.»

روزنامه «کیهان» نیز با تیتر درشت «اعتراف می‌کنم اعتمادم به جان کری اشتباه بود» بر صفحه اول خود به این مسئله می‌پردازد و به نقل از جواد کریمی قدوسی، نماینده مردم مشهد می‌نویسد: «آقای ظریف در جلسه روز دوشنبه ۲۹ آذر ماه با صراحت گفت که من اعتراف می‌کنم که اشتباه کردم و به حرف جان کری اعتماد کردم، اگر استراتژی خودم را دنبال می‌کردم، اکنون با مشکل مواجه نمی‌شدم، می‌پذیرم که اشتباه کردم و مسئولیت آن را قبول می‌کنم، ما با صحبت و قول آقای کری اظهارنظر کردیم، به جان کری بعد از نقض عهد اخیر که درخواست مذاکره در ایتالیا را داشت، گفتم که شما کاری کردید که حضور من با شما در یک شهر غیرممکن است.» روزنامه «جوان» نیز تحت عنوان «ظریف: اعتراف می‌کنم اشتباه بزرگی کردم» به شرح ماوقع حضور ظریف در کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی می‌پردازد. آنچه شایان توجه است، اینکه روزنامه‌های اصلاح‌طلب به جای توجه به اصل سخنان ظریف و تأکید بر این موضوع که از ابتدا نیز اعتماد به آمریکا اشتباه بود، تلاش کردند به کریمی قدوسی به دلیل رسانه‌ای کردن سخنان وزیر امور خارجه حمله کنند!

در همین راستا، «آفتاب یزد» تیتر «سیلی به صورت حقیقت» را با روتیتر «برای دومین بار محتوای جلسه محرمانه توسط یک نماینده دلواپس افشا شد» در صفحه اول خود درج کرد «آرمان امروز» «غیب‌گویی نماینده غایب علیه ظریف» را انتخاب کرد و «اعتماد» و «پشت پرده انتشار محرمانه‌های ظریف» را در حالی که کلمه محرمانه را با رنگ قرمز نوشته بود، در صدر صفحه اول خود جای داد.

موضوعی که واکنش کاربران فضای مجازی را برانگیخت که چرا اصلاح‌طلبان تنها زمانی افشاگری و برملا شدن محرمانه‌ها را مجاز و قهرمانانه می‌خوانند که به نفع آنها و علیه جریان مخالف باشد؟! چرا از یاشار سلطانی که اسناد محرمانه درباره املاک شهرداری را منتشر کرده است، را قهرمان جلوه می‌دهند؛ اما کریمی قدوسی را محکوم می‌کنند؟! چرا هنگامی که بیت منتظری یک فایل صوتی را که جزءِ اسناد فوق‌محرمانه بود، در فضای مجازی منتشر می‌کند، هیچ گونه برخورد با وی را برنمی‌تابند؛ اما اگر نماینده‌ای اظهارات وزیر امور خارجه را در جلسه‌ای که محرمانه هم نیست، در رسانه‌ها مطرح کند تا این حد به او هجمه می‌شود! چرا زمانی یک نماینده مجلس بدون توجه به مصالح عمومی به قول خود درباره حساب‌های قانونی قوه‌قضائیه با تشویق همین رسانه‌ها روبه‌رو می‌شود؛ اما کریمی قدوسی از سوی این رسانه‌ها محکوم شده و مورد سرزنش قرار می‌گیرد! و نمونه‌های فراوانی دیگر که نشان‌دهند تناقض ممتدی است که در میان جریان اصلاحات، وجود دارد و انگار نمی‌توان نقطه پایانی را برایش فرض کرد.

نکته گرام

عکس خبر

بازدید رئیس مجلس از نمایشگاه اقتدار سپاه در عرصه سازندگی

محمدجواد هفت ساله فرزند شهید «حسین بواس» پس از احترام نظامی به آقا

هاشمی‌رفسنجانی: آنهایی که می‌گویند برجام اثری نداشته، پاسخ خدا را چگونه می‌دهند

مراسم استقبال از ورود کاروان نمادین حضرت معصومه(س) به شهر قم

سرکشی رئیس کمیته امداد امام خمینی(ره) به خانواده‌های تحت پوشش

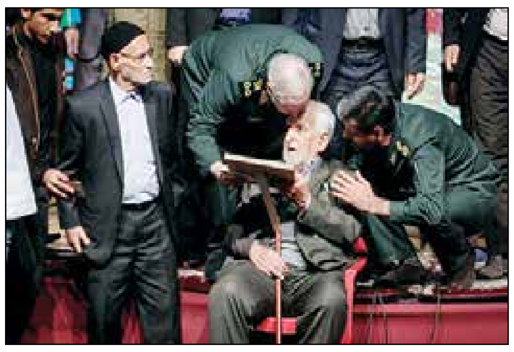

یادواره سرداران و ۴۵۰ شهید اطلاعات عملیات قرارگاه سیدالشهداء

همایش ملی صدف کوثر (تجلیل از شخصیت ام‌المؤمنین حضرت خدیجه(س))

شکست سیاست‌های اردوغان در منطقه و پایین کشیدن مجسمه آتاتورک

پژواک

شبکه‌های اجتماعی و سلامت ـ ۹
بیماری نارسیسیسم

□ مهدی فرهادی/ امروزه، کم نیستند خانواده‌هایی که زندگی خود را برای به‌به و چه‌چه دیگران به نمایش می‌گذارند و می‌خواهند شادی‌های‌شان را به رخ دیگران بکشند؛ از این رو هر روز به شیوه فضای مجازی هر روز حساب جدیدی باز می‌کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد، بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی دچار اختلال شخصیت خودشیفتگی هستند؛ در روان‌شناسی، خودشیفتگی یا نارسیسیسم بیانگر عشق افراطی به خود و تکیه بر خودانگاشت‌های درونی است. نارسیسیسم از ریشه لغت یونانی‌شده نارسیس(اسطوره نارسیسوس) گرفته شده‌است. در روانپزشکی نارسیسیسم افراطی بر اساس خصیصه‌های روانی و شخصیتی در عشق بیش از اندازه به خود و خودشیفتگی بی‌حد و حصر شناسایی می‌شود ونوعی اختلال روانی به شمار می‌آید.

کسانی که در شبکه‌های اجتماعی خودشیفته شده‌اند، توهم محبوبیت را صرفاً بر اساس کمیت تعداد دوستان خود در نظر می‌گیرند. مطالعات محققان دانشگاه دانمارک نشان داده است، زوج‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی پست می‌گذارند، افسرده هستند و از اختلالات فکری و روانی رنج می‌برند که در بیشتر موارد خود فرد این مسئله را نمی‌داند و همین موضوع، یعنی ناآگاهی فرد به سلامت روانی‌اش آسیب بیشتری وارد می‌کند. تحقیقات انجام شده بر روی ۸۰۰ مرد نشان می‌دهد، افرادی که از زندگی خود مرتب عکس می‌گیرند و دغدغه اشتراک‌گذاری آنها را دارند، دچار خودشیفتگی و اختلالات فکری و روانی هستند و هر چه عکس مورد نظر برای جلب رضایت دوستان شبکه‌های اجتماعی، بیشتر رتوش شود، شدت اختلالات فکری و روانی افزایش می‌یابد. این مسئله برای خانم‌ها نیز صدق می‌کند. گفتنی است، مطالعات محققان دانشگاه دانمارک نشان داده، زوج‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی، نظیر فیس‌بوک و اینستاگرام دوری می‌کنند و تصاویر لحظات زندگی خود را به اشتراک نمی‌گذارند، زندگی شادتر، بی‌تنش‌تر و عادی‌تری دارند.

صبح صادق
دوشنبه ۶ دی ۱۳۹۵
شماره ۷۸۱
هفته‌نامه داخلی
سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
www.sobhesadeghweekly.ir

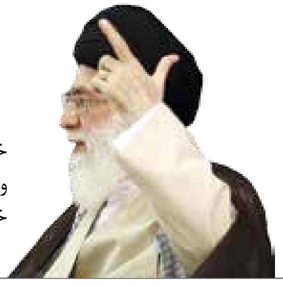

احساس وظیفه دینی مردم

امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) می‌فرمایند: ۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت؛ یعنی مردم احساس وظیفه دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالحِ خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که توی خیابان بیایند، نشان بدهند، بگویند مردم ایران این‌اند.(۱۳۹۰/۹/۲۱)

عمل صالح

ویژه سالروز حماسه عظیم مردم در ۹ دی ۸۸

یادداشت

شاخصه‌های ملت بصیر

□ مهدی عامری/ هر جامعه‌ای برای دستیابی به اهداف و استواری در مسیر سعادتش نیازمند شاخصه‌هایی چون «بصیرت» مردم خود است. همین مردم که به تعبیر امیرمؤمنان «اجتماع آنان، ستون دین است»(نهج‌البلاغه: نامه ۵۳)، امر به بصیرت می‌شوند: «... پس ای مردم با دل بینا حرکت کنید!»(همان: خطبه ۱۹۷) و در این بین وظیفه خواص و نخبگان از دیگران پر رنگ‌تر و مهم‌تر است که آن حضرت نیز به آن امر کرده‌اند(همان: نامه ۳۴). اما شاخصه‌های انسان و ملت بصیر چیست؟

در یک نگاه کلی از منظر امیرالمؤمنین علی(ع)، شاخصه‌های بصیرت؛ نگاه عبرت‌آموز، تغییر موضع در هنگام فهم لغزش‌ها و خطاها، حرکت سنجیده، مشاوره با افراد کاردان، زمان‌شناسی و دشمن‌شناسی است که با تحقق عواملی مانند یاد خدا، خودسازی، تلاوت قرآن و نفی وابستگی‌های مادی و عدم رفاه‌طلبی که در متون دینی همچون نهج‌البلاغه طرح شده است و نیز رفع موانعی چون؛ آرزوهای بلند، وابستگی‌ها و علاقه‌های کاذب و فتنه‌های اجتماعی حاصل می‌شود. بنابراین، بصیرت و بینایی حقیقی در فرهنگ قرآن و آموزه‌های دینی به معنای جامع‌نگری و آینده‌نگری علمی و عملی است.

امروزه دشمن با ترویج ابتذال و تجمل‌گرایی بین مردم و مسئولان به نوعی بصیرت آنها را هدف قرار داده است؛ چراکه ملتی که متقی و متعبد نباشد، سطحی‌نگر و هوی‌پرست می‌شود.

براساس برخی نظرات؛ «از ابتدایی‌ترین ویژگی‌های نخبگان سیاسی و دینی در جامعه اسلامی متخلّق شدن به صفت بصیرت دینی و سپس تلاش در راستای ایجاد بصیرت دینی در عموم مردم است.» به تعبیر رهبر معظم و بصیر انقلاب؛ «ملتی که بصیرت دارد و مجموعه جوانان کشور، وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، به اشتباه اندازد. در زندگی پیچیده اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمی‌شود حرکت کرد. جوان‌ها باید فکر کنند، بیندیشند و بصیرت خودشان را افزایش دهند.» (۱۳۸۸/۷/۱۵)

یکی از بهترین شاخصه‌های بصیرت عمیق بودن معارف و ژرف‌اندیشی درباره آرمان‌هاست. ملتی که از روی فهم عمیق و نه فقط از روی احساس هدفی را برگزینند تا پای جان برای آن هدف بلند سینه سپر می‌کنند. انسان متحجر یا احساسی به زودی از آرمان‌ها پا پس می‌کشد و در برابر تهدیدها و تطمیع‌ها شانه خالی می‌کند.

در نتیجه، خواص بی‌بصیرت جامعه، خواص ساده‌لوح، خودکم‌بین و ظاهربینی هستند که به راحتی در دامن دشمن می‌افتند و قادر به تشخیص چهره واقعی دشمن نیستند. چهره زیبای حق را هم نمی‌توانند به درستی تشخیص دهند، نه از حق جانبداری می‌کنند و نه از رهبر و امام خویش فرمانبری. با مردم خویش یکرنگ نیستند و در غبارآلودگی جامعه و فتنه‌ها سره را از ناسره تشخیص نمی‌دهند و به سادگی در دامن باطل غوطه‌ور می‌شوند. دوست و دشمن، حق و باطل را به درستی تشخیص نمی‌دهند. چنین فرد و جامعه‌ای بصیرت ندارد؛ زیرا به بیان کتاب شریف نهج‌البلاغه: فرد و جامعه صاحب بصیرت، کسی است که بشنود، بیندیشد، بنگرد و ببیند و از عبرت‌ها بهره گیرد. آن‌گاه راه روشن و هموار را بپوید و از افتادن در پرتگاه‌های آن و گم شدن در کژراهه‌هایش بپرهیزد.(خطبه ۱۵۳)

انتخابات و لزوم قانون‌گرایی

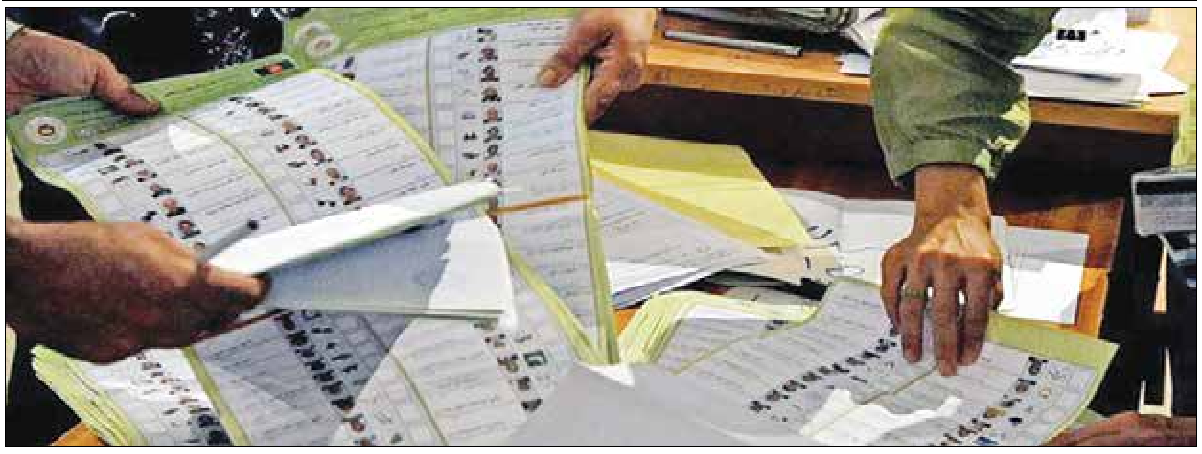

□ دکتر یدالله جوانی/ پدیدآیی فتنه ۸۸ در بستر انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به انقلاب، نظام، کشور و ملت وارد کرد. خسارت‌های این فتنه، بعضاً جبران‌ناپذیر است. همین نکته کفایت می‌کند تا برای جلوگیری از وقوع فتنه‌های بعدی در کشور، تمامی دلسوزان و علاقه‌مندان به سرنوشت انقلاب، نظام اسلامی و ملت عزیز ایران، فعال شده، و در حوزه‌های گوناگون اقدامات لازم را انجام دهند. بررسی‌ها نشان می‌دهد قانون‌گریزی و تبعیت نکردن از قانون در انتخابات، یکی از عوامل اصلی پدیدآیی فتنه ۸۸ است.

براساس این نظریه، یکی از راه‌های جلوگیری از وقوع فتنه‌های دیگر در هر یک از انتخابات آینده، حاکم کردن قانون‌گرایی و اخلاق‌مداری بر تمامی روندها، فرآیندها و فضاهای انتخاباتی کشور است. باید شرایطی را پدید آورد که هیچ جریان، حزب گروه و فرد سیاسی، جرئت قانون‌شکنی و حرکت‌های خارج از چارچوب قوانین و مقررات را نداشته باشد. نظام اسلامی ما، یک نظام مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی از منظر رهبر معظم انقلاب، یعنی مردم سالار زندگی خود براساس دین هستند. در این سبک زندگی دینی، مشارکت سیاسی مردم در انتخابات برای برگزیدن مسئولان و کارگزاران کشور، یکی از جلوه‌های مردم‌سالاری است. ماهیت انتخابات، چیزی جز گردش قدرت و جابه‌جایی آن بین جریان‌ها و گروه‌های سیاسی به دست مردم نیست. در واقع، این مردم هستند که با رأی خود، دست به انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس، اعضای خبرگان و اعضای شورای اسلامی شهر و روستا می‌زنند. قانون تمامی سازوکارهای انتخابات و چگونگی جابه‌جایی و چرخش قدرت را، مشخص کرده است. بنابراین، اگر بخواهیم انتخابات سالم و آبرومندانه و بدون خسارت داشته باشیم، باید همگان اعم از مسئولان، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی و آحاد مردم، رفتار سیاسی خود در انتخابات را بر مبنای قانون تنظیم کنند. عمل بر مبنای قانون، حتی اگر آن قانون

اگر برخلاف قانون آقای موسوی و جریان همراهش، پیش از شمارش آرا خود را پیروز انتخابات به صورت قطعی معرفی نمی‌کردند، آیا حوادث تلخ پس از انتخابات شکل می‌گرفت؟

اشکال هم داشته باشد، به مراتب بهتر از قانون‌گریزی و انجام رفتارهای خسارت‌بار خلاف قانون است. اگر در هر یک از انتخابات، عده‌ای بخواهند براساس منافع، برداشت‌ها و تفسیرهای خود، رفتار غیرقانونی داشته باشند، همواره باید منتظر وقوع فتنه‌های کوچک و بزرگ خسارت‌بار بود. وقتی از نظام مردم‌سالاری دینی سخن می‌گوییم، یعنی از حکومت قانون سخن می‌گوییم؛ قانونی که براساس دین و آموزه‌های دینی و تجارب بشری تنظیم شده است. بر همین اساس حضرت امام خمینی(ره) در جایگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مؤسس نظام مردم‌سالاری دینی، نگاه ویژه‌ای نسبت به رعایت قانون داشتند. عبارت زیر از کلام حضرت امام(ره)، جایگاه قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد:

۱ـ حکومت اسلام، حکومت قانون است.

۲ـ قانون در رأس واقع شده است و افراد هر کشوری باید خودشان را با آن قانون تطبیق بدهند.

۳ـ حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است.

۴ـ اگر چنانچه یک قانونی برخلاف نظر من بود، نباید بیایم بیرون و هیاهو کنم که من این قانون را قبول ندارم، این قانون، خوب قانونی نیست. قانون خوب است شماها باید خودتان را تطبیق بدهید.

۵ـ در اسلام قانون حکومت می‌کند، پیغمبر اکرم(ص) هم تابع قانون بود.

رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای نیز همانند حضرت امام(ره)، طی ۲۷ سال گذشته همواره بر لزوم قانون‌گرایی و تبعیت از قانون تأکید داشته، هم مسئولان و هم مردم را به رعایت قانون توصیه کرده‌اند. معظم‌له بارها تأکید کرده‌اند که حتی عمل به قانون دارای اشکال، بهتر از قانون‌گریزی و عمل برخلاف قانون است. در سال ۸۸ وقتی با رفتارهای قانون‌شکنانه یک جریان سیاسی و برخی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری، کشور در مسیر التهاب قرار گرفت، رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ خرداد آن سال، بر لزوم عمل به مُرّ قانون تأکید کردند: «من زیر بار بدعت‌های

به راستی اگر برخلاف قانون، آن رفتارهای کینه‌توزانه، خلاف اخلاق و لشکرکشی‌های خیابانی شکل نمی‌گرفت، آیا دشمنان و جریان ضدانقلاب، موفق به وارد ساختن آن همه خسارت به کشور و مردم می‌شدند؟

غیرقانونی نمی‌روم...» ایشان در آن خطبه‌های تاریخی تصریح کردند، «به هر حال در هر انتخاباتی یک نفر رأی می‌آورد و دیگری رأی نمی‌آورد، آیا کسانی که رأی نمی‌آورند باید برخلاف قانون حرکت کنند و بگویند ما نتیجه انتخابات را قبول نداریم. اگر این‌گونه باشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.»

براساس آنچه گذشت، آیا در صورت رعایت قانون در موارد زیر، باز هم فتنه ۸۸ پدید می‌آمد:

۱ـ اگر صلاحیت شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات و صیانت از رأی مردم را اصلاح‌طلبان می‌پذیرفتند و به سمت تشکیل کمیته صیانت از آرا برخلاف قانون حرکت نمی‌کردند، آیا در جامعه نسبت به سلامت انتخابات تردید به وجود می‌آمد؟

۲ـ اگر برخلاف قانون آقای موسوی و جریان همراهش، پیش از شمارش آرا خود را پیروز انتخابات به صورت قطعی معرفی نمی‌کردند، آیا حوادث تلخ پس از انتخابات شکل می‌گرفت؟

۳ـ اگر پس از اعلام نتایج اولیه انتخابات، جریان معترض به نتیجه انتخابات، مرجعیت شورای نگهبان در رسیدگی به تخلفات احتمالی انتخابات را می‌پذیرفت و اسناد و مدارک خود را برای رسیدگی به شورای نگهبان ارسال می‌کرد، آیا اغتشاشات خیابانی شکل می‌گرفت؟

۴ـ جریان ناکام در انتخابات و به ویژه آقایان موسوی و کروبی، با استناد به کدام قانون خواهان ابطال انتخابات شدند و دلیل آن را «تقلب در انتخابات» اعلام کردند؟

۵ـ به راستی اگر برخلاف قانون، آن رفتارهای کینه‌توزانه، خلاف اخلاق و لشکرکشی‌های خیابانی شکل نمی‌گرفت، آیا دشمنان و جریان ضدانقلاب، موفق به وارد ساختن آن همه خسارت به کشور و مردم می‌شدند؟ اگر قانون رعایت می‌شد، آیا خون عده‌ای بی‌گناه بر زمین ریخته می‌شد؟

۶ـ اگر قانون رعایت می‌شد، آیا اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی آسیب می‌دید و اعتماد عمومی نسبت به نظام کاهش می‌یافت؟

پاسخ این پرسش‌ها روشن است؛ بنابراین با رعایت قانون در انتخابات، هیچ‌کس ضرر نخواهد کرد.

یادداشت

فتنه و امنیت نظام اسلامی

□ مصطفی قربانی/ انتخابات از جمله عرصه‌های حساس و سرنوشت‌ساز برای همه نظام‌های سیاسی است که علاوه بر آنکه سبب چرخش نخبگان می‌شود، تحکیم و تسهیل ارتباط مردم با نظام حاکم را نیز در پی دارد؛ از این‌رو، بنا به ادبیات سیستمی، انتخابات از مهم‌ترین سازوکارهای بازخور(Feed back) برای نظام‌های سیاسی است که با توجه به نقش آن در طرح تقاضاها، خواسته‌ها و اعتراض‌ها و آگاهی یافتن کارگزاران نظام از این مسائل، می‌تواند گامی در راستای تقویت ماندگاری نظام حاکم باشد. در همین زمینه قابل توجه است که تقویت امنیت ملی از مهم‌ترین ثمرات انتخابات است.

با توجه به آنچه گفته شد، از جمله ابعاد خسارت‌بار فتنه ۸۸، برهم زدن امنیت نظام بود؛ زیرا در شرایطی که انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری می‌توانست گامی در جهت تقویت امنیت نظام و افزایش اعتبار بین‌المللی آن باشد، در جریان این ماجرای هشت ماهه، وضعیت عمومی، سیاسی و امنیتی کشور به گونه‌ای بود که شاخه‌های امنیت همچون؛ وضعیت عاری از ترس، مراقبت و خطر رخت بربسته بود و نوعی بی‌اطمینانی، ابهام، احساس خطر و ترس از آینده و آنچه اتفاق خواهد افتاد و... بر فضای کشور حاکم بود. درواقع، فتنه ۸۸ که در چارچوب راهبرد «جنگ نرم» و مبتنی بر بسیج اقلیتی از بدنه اجتماعی علیه نظام حاکم و وانمود کردن این اقلیت به عنوان اکثریت طراحی و اجرا شد، هم از بُعد سلبی و هم از بُعد ایجابی، امنیت نظام را مورد هدف قرار داد؛ از بُعد سلبی با غبارآلود کردن فضا و اردوکشی‌های خیابانی و در بُعد ایجابی با به انحراف کشاندن حماسه حضور میلیونی مردم در انتخابات و تبدیل آن به صحنه رویارویی با نظام. به بیان دیگر، آنجا که فتنه‌گران نتایج انتخاباتی را که در چارچوب قانون انجام شده بود، نپذیرفتند و با اقدامات خود مانع از آن شدند که نظام از ثمرات حضور میلیونی مردم در پای صندوق‌های رأی بهره ببرد و در گام بعدی با اقدامات خلاف قانون خود، کشور را به آشوب و اغتشاش کشاندند، علیه امنیت ملی کشور اقدام کردند.

می‌توان گفت که امنیت یک کشور بیش از آنکه از محیط پیرامونی آن متأثر باشد، از فرایندهای داخلی آن، ارتباط میان نخبگان مختلف آن نظام، ارتباط بین نخبگان و نظام حاکم، درجه توسعه سیاسی و اقتصادی و... متأثر است و از آنجا که در فتنه ۸۸ الگوی رفتاری بخشی از نخبگان با نظام در قالب تخاصمی تعریف شد و همین امر سبب اخلال در فرایندهای عمومی جامعه و در زندگی مردم شد، این فتنه، فتنه‌ای ضدامنیتی بود.

از سوی دیگر، یک نظام سیاسی زمانی در امنیت به سر می‌برد که تمام ارکان آن اعم از ایده‌ها و شعارها، ساختارها، کارگزاران و سیاست‌های آن در حالت تثبیت‌شده و اطمینان‌بخشی قرار داشته باشند و تهدیدی متوجه آنها نباشد. براین اساس، از آنجا که در فتنه ۸۸ شعارهای اساسی و سیاست‌های اصولی نظام مورد تخریب و حمله سران و عوامل فتنه قرار گرفت و حتی علیه بخشی از ساختارها و کارگزاران نظام همچون بسیج تحرکاتی صورت گرفت، فتنه ۸۸ فتنه‌ای ضدامنیتی بود. سر دادن شعارهایی در ضدیت با اصل ولایت فقیه، طرح شعارهایی مانند «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران»، حمله به برخی پایگاه‌های بسیج در شهر تهران و اقدام فتنه‌گران به ضرب‌وشتم نیروهای بسیج و... نیز از مواردی است که ضدامنیتی بودن فتنه ۸۸ را از نقطه‌نظر مذکور اثبات می‌کند.

۹ دی تبلور بیداری و بصیرت مردم

آیت‌الله نوری‌همدانی با بیان اینکه ملت ایران همیشه بیدار هستند و ۹ دی تبلور بیداری و بصیرت مردم بود، گفت: امیر مؤمنان در خطبه ۵۰ نهج‌البلاغه درباره فتنه فرمودند، ابتدای فتنه دنبال هوی و هوس رفتن است و همیشه فتنه‌گران یک مطلب از حق را می‌گیرند و با باطل مخلوط می‌کنند و اینجاست که ملت باید بیدار باشند.

یادداشت

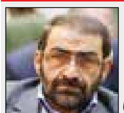

فتنه، مرز خودی و غیرخودی

حسین عبداللهی‌فر/ در جریان رأی اعتماد مجلس به سه وزیر پیشنهادی دولت، وقتی برخی از نمایندگان شرط رأی خودشان را محکوم کردن فتنه ۸۸ مطرح کردند، برخی به اصلاح‌طلبان در رد این شرط چنین استدلال کردند که عده‌ای می‌خواهند فتنه ۸۸ را «پیراهن عثمان» کنند و از این طریق به اهداف سیاسی خود دست یابند. این درحالی است که استفاده از این تعبیر چندین اشکال عمده دارد:

۱ـ در شرایطی که وحدت نیاز اساسی کشور است، به کار بردن نام یکی از صحابی پیامبر اعظم(ص) می‌تواند موجب سوءاستفاده دشمنان اسلام و گروه‌های تکفیری شود و دل‌آزردگی برادران اهل سنت را در پی داشته باشد؛ لذا از سیاسیون انتظار می‌رود در ادبیات خود مقدسات مورد احترام تمامی اقوام و مذاهب را لحاظ کرده و به دلیل منافع گروهی خود موجبات واگرایی در کشور فراهم نسازند.

۲ـ علاوه بر این، نسبت دادن این اصطلاح به مخالفان فتنه ۸۸ و مدافعان نظام که خواستار فاصله گرفتن مسئولان کشور با آن هستند، تحریف و وارونه‌سازی تاریخ می‌باشد؛ چراکه در جریان قتل عثمان کسانی با بلند کردن پیراهن وی درصدد خونخواهی برآمدند که نقشه حمله به ایشان را کشیده بودند و درواقع قصدشان سوءاستفاده از این ماجرا بود؛ لذا اگر استفاده از چنین تعبیری صحیح باشد بر فتنه‌گرانی صدق می‌کند که خود فتنه را به پا کرده و امروز تحت عناوینی چون «رفع حصر از سران فتنه» همچنان اهداف جریانی خود را دنبال می‌کنند.

۳ـ نکته مهم دیگری که باید مورد توجه همه دلسوزان کشور، خاصه نمایندگان خانه ملت قرار گیرد این است که یکی از مشکلات کنونی کشور شفاف نبودن مرزهای خودی و غیرخودی است. مرز میان افراد و گروه‌هایی که در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی ایران قصد خدمت به اسلام و انقلاب، کشور و مردم را دارند با کسانی که هماهنگ با دشمنان اسلام و ملت، برای براندازی نظام تلاش می‌کنند؛ کسانی که در سال ۸۸ ثابت کردند نه حیثیت نظام برای‌شان اهمیتی داشت و نه منافع ملی، نه اموال عمومی و جان و مال مردم برای‌شان حرمت داشت و نه امام(ره) و نه عاشورا و تنها به منافع حزبی و گروهی خود و دست یافتن به قدرت می‌اندیشند.

۴ـ واقعیت این است که جناح‌بندی برای کمک به رشد و پیشرفت کشور لازم و ضروری است؛ اما جناح‌های سیاسی در کشور ما به دلیل رقابت خارج از قواعد، رعایت نکردن منافع و مصالح، ترجیح منافع جناحی بر منافع ملی و دامن زدن به اختلافات(تا جایی که اصل انقلاب و مشکلات مردم فراموش شده) با عناوینی چون چپ و راست، اصولگرا و اصلاح‌طلب و... قادر به دسته‌بندی گفتمان‌ها و جریان‌های سیاسی نبوده‌اند که هم غیریت آنها را آشکار ساخته و هم مفصل‌بندی لازم برای وحدت درون‌گروهی را دارد.

لذا اگر فتنه ۸۸ را خط قرمز نظام بدانیم، به نظر می‌رسد ملاک مفید و مؤثری برای دسته‌بندی میان گروه‌های سیاسی در اختیارمان خواهد بود؛ چراکه در این ماجرا صف قانون‌مداران از قانون‌شکنان، دوستان اسلام و انقلاب از گروه‌های ضد انقلاب مشخص شد و تا هنگامی که فاصله میان این دو جبهه مشخص نباشد گروه‌های ضد انقلاب اسلامی و مهره‌های دشمن به راحتی نفوذ کرده و خواسته‌های خود را از طریق گروه‌های درون قدرت به نظام تحمیل خواهند کرد.

مروری بر نقش بصیرت افزای رهبر معظم انقلاب در جریان فتنه ۸۸

حکیم در جایگاه هدایت و روشنگری

مهدی سعیدی/ فتنه ۸۸ بازی پیچیده‌ای بود که لایه‌های پیدا و پنهان فراوانی برای آن قابل تصور است. فتنه‌گران هر چند در گام اول به عبور از رئیس‌جمهور می‌اندیشیدند؛ اما در بازی حداکثری خود عبور از رهبری و نظام اسلامی را در سر می‌پروراندند که به تدریج نشانه‌هایی از این تصمیم نیز آشکار شد.

در این میان رهبر حکیم و فرزانه انقلاب هدایت اردوگاهی را بر عهده داشتند که وظیفه خود را دفاع از انقلاب و حقوق ملت می‌دانست و با همه توان به میدان آمده بود تا با مهار و مدیریت فتنه‌گران و قانون‌گریزان، هم آرامش و امنیت و عدالت و آزادی را در جامعه تأمین کند و هم افکار عمومی را نسبت به عمق حوادث سیاسی آگاه سازد. در یک تقسیم‌بندی این نقش‌آفرینی تاریخی را در سه سطح می‌توان ارزیابی کرد.

۱ـ مدارا و جذب حداکثری

یکی از راهبردهای جاودانه رهبر حکیم انقلاب اسلامی تلاش برای جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این راهبرد در حوادث تلخی چون مناقشات پس از انتخابات ۸۸ که بستر برای ریزش‌ها در اثر جهل و غفلت و اغواگری مهیا است، بیش از پیش خود را متجلی می‌سازد. در این مرحله معظم‌له تلاش دارند تا با مدیریت صحنه از ریزش‌ها جلوگیری کنند و مانع از تحقق سناریوی دشمن شوند.

در همین راستا اولین گام رهبری تلاش برای دعوت از همه طرف‌های انتخابات به حفظ آرامش و رعایت قانون و حل و رفع شبهات و ابهامات از طریق گفت‌وگو و پیگیری‌های قانونی بود. دعوت از نمایندگان نامزدها برای اقناع آنها و رفع شبهات احتمالی و دیدار با نمایندگان ایشان در ۲۷ خردادماه، دستور رسیدگی به شکایت نامزدها در راستای اقناع‌سازی در همان جلسه، تأکید بر جذب حداکثری و دفع حداقلی به مثابه سیاست محوری نظام، گفت‌وگو با نخبگان به طور مستقیم برای اصلاح ذهنیت‌ها، پرهیز دادن نامزدها از گفتار و رفتار تحریک‌آمیز، دعوت طرفین برنده و بازنده انتخابات به آرامش در اولین پیام پس از برگزاری انتخابات (۸۸/۳/۲۲)، دستور شناسایی و تفکیک صفوف خرابکاران، از جمله اقداماتی بود که رهبر حکیم انقلاب آنها را در اولین گام دنبال کردند.

نصیحت و بیدارباش فتنه‌گران نیز از جمله برنامه‌های ایشان بود تا شاید با بیداری برخی از آنان، به اردوگاه نظام اسلامی بازگردند. ایشان دلسوزانه و با زبانی پرمحبت بارها خطاب به این عده از اصحاب فتنه فرمودند: «من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند ـ بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت ـ و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید. شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار می‌گرفتند. حالا ببینند که کسانی که به نام اینها شعار می‌دهند، عکس اینها را روی دست‌شان می‌گیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار می‌دهند و روزه‌خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، می‌کنند؛ اینها را می‌بینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد.» (۱۳۸۸/۹/۲۲)

۲ـ ایستادگی پای حقوق ملت و نظام اسلامی

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین وظیفه رهبری در نظام اسلامی دفاع از حقوق ملت و نظام اسلامی باشد. معظم‌له این خط را از همان آغاز فتنه دنبال کردند. ایشان با صراحت فرمودند: «بنده زیر بار بدعت‌های غیرقانونی نمی‌روم؛ چرا که در هر انتخاباتی طبعاً برخی برنده نیستند و اگر امروز چارچوب‌های قانونی شکسته شود در آینده نیز هیچ انتخاباتی مورد اعتماد نخواهد بود و مصونیت نخواهد داشت.»(۱۳۸۸/۳/۲۹)

هنگامی که زیاده‌خواهان تلاش داشتند با تداوم خط فتنه‌گری امنیت نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند و وقتی توصیه‌ها و نصیحت‌ها جواب نداد، طبیعی بود که رهبر معظم انقلاب نیز با قاطعیت بیشتری بر دفاع از انقلاب اسلامی تأکید کنند. برای نمونه معظم‌له در سالروز ولادت حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «نظام اسلامی با اخلالگران در امنیت مردم طبعاً برخورد می‌کند. این، وظیفه نظام است. نظام اسلامی اجازه نمی‌دهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه

دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوان‌های مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند؛ مبادا دشمن را با دوست اشتباه بکنیم. دوست را به خاطر یک خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف یک عده‌ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.»(۱۳۸۸/۴/۱۵)

مدتی بعد معظم‌له با تأکید بر این حقیقت که «نظام اسلامی هم حق دفاع از خود را دارد»، در دیدار با

مهم‌ترین راهبردی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در رویارویی با جریان فتنه اتخاذ کردند، راهبرد بصیرت‌بخشی و روشنگری بود. رهبری که به خوبی به ابعاد فتنه آشنا بودند و آن را الگویی از نقشه‌های جنگ نرم دشمن تحلیل می‌کردند، تلاش نمودند تا صف سران و اصحاب فتنه را از بدنه توده‌های ملت جدا سازند

مردم در خطبه‌های نماز جمعه تهران فرمودند: «ما درباره افرادی که به آنها اهانت می‌شود، تهمت زده می‌شود، می‌گوییم اینها حق دفاع دارند؛ خوب، نظام هم همین جور است؛ نظام هم حق دفاع از خودش را دارد. این خطاست که کسی خیال کند چون نظام حاکمیت است و قدرت سیاسی است، نباید دفاع کند؛ بی‌دفاع بماند؛ در مقابلش هرگونه مخالفتی، معارضه‌ای، قانون‌شکنی‌ای، مرزشکنی‌ای انجام بگیرد، باید عکس‌العمل نشان ندهد؛ این درست نیست؛ هیچ جای دنیا هم چنین نیست.»(۱۳۸۸/۶/۲۰)

۳ـ بصیرت‌بخشی، روشنگری و اقناع‌سازی افکار عمومی

مهم‌ترین راهبردی که رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در رویارویی با جریان فتنه اتخاذ کردند، راهبرد بصیرت‌بخشی و روشنگری بود. رهبری که به خوبی به ابعاد فتنه آشنا بودند و آن را الگویی از نقشه‌های جنگ نرم دشمن تحلیل می‌کردند، تلاش نمودند تا صف سران و اصحاب فتنه را از بدنه توده‌های ملت جدا سازند و در ادامه با محور قرار دادن توده‌های جامعه به عنوان مخاطبان اصلی به امر روشنگری مشغول شدند. به جرئت می‌توان گفت که در سال ۱۳۸۸ سخنرانی‌ای نبود که رهبر حکیم انقلاب در آن به اهمیت بصیرت و ضرورت شناخت دشمن اشاره نکرده و جلوه‌هایی از توطئه‌های ایشان را رسوا نکرده باشند.

روشنگری نسبت به تلاش دشمنان انقلاب با هدف تلخ کردن شیرینی انتخابات، گفتمان‌سازی و فرهنگ‌سازی در زمینه دخالت بیگانگان نظیر انقلاب رنگی و فتنه، روشنگری پیرامون خطر ادامه رفتارهای کینه‌جویانه، روشنگری نسبت به سوءاستفاده دشمنان از کینه‌جویی‌های شخصی، روشنگری نسبت به حرکت‌های به ظاهر انقلابی، روشنگری نسبت به سوءاستفاده از خط امام(ره)، روشن کردن نقش دشمنان انقلاب اسلامی، افشا و برجسته کردن نقش استکبار در حوادث پس از انتخابات، هشدار به نخبگان و خواص برای آنچه می‌گویند و آنچه نمی‌گویند، بازخوانی تجربه ده ساله اول انقلاب و مشی امام(ره) در برابر جریانات و حوادث فتنه‌های گوناگون، مرور و بازخوانی فتنه‌های صدر اسلام، تبیین مفهوم فتنه و روشنگری در باب چگونگی رویارویی با آن، از جمله محورهای اساسی در سخنان رهبری بود که مورد توجه قرار گرفت.

ایشان بارها مفهوم بصیرت و ضرورت و اهمیت و چگونگی دستیابی به آن را تبیین کردند و فرمودند: «یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم برمی‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد.»(۱۳۸۸/۷/۱۵)

ایشان ضمن شرح عملکرد بی‌بصیرتان در جنگ جمل از عمار در جایگاه پرچمدار بصیرت چنین یاد کردند: «در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود... در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی می‌رفت و همین طور این گروه‌هایی را که ـ به تعبیرِ امروز، گردان‌ها یا تیپ‌های جدا جدای از هم ـ بودند، به هر کدام می‌رسید، در مقابل آنها می‌ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت می‌کرد؛ حقایقی را برای آنها روشن می‌کرد و تأثیر می‌گذاشت. یک جا می‌دید اختلاف پیدا شده، یک عده‌ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را به سرعت آنجا می‌رساند و برای‌شان حرف می‌زد، صحبت می‌کرد، تبیین می‌کرد؛ این گره‌ها را باز می‌کرد.»(۱۳۸۸/۵/۱۸)

با همین نگاه است که معظم‌له از همه خواص و نخبگان می‌خواهد که عمارگونه به میدان بیایند و با شفاف‌سازی، مرزهای حق و باطل را آشکار کنند و رسالت تاریخی خود را بجا آورند. معظم‌له تأکید دارند: «وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبان‌شان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند، با عمل‌شان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضع‌شان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضاست؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمنِ دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمک می‌کند و کی به غبارآلودگی کمک می‌کند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.»(۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

انتقاد به رفتار سیاسی بخشی از گروه‌های سیاسی نیز از جمله مباحثی بود که در کلام ایشان آشکار شد. برای نمونه معظم‌له در دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور تأکید داشتند: «حالا یکی از ایرادهایی که ما معمولاً داریم به بعضی‌ها این است که آنچه را که بیگانه بگوید، این را با تلقی به قبول می‌کنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید می‌کنند! چرا؟ خوب، این تلقی، تلقی ناسالمی است؛ این تلقی درستی نیست، تلقی ناسالمی است. این را باید اصلاح کرد.»(۱۳۸۸/۸/۶)

یکی از دغدغه‌هایی که تأسف ایشان را برمی‌انگیزد، همزبانی برخی افرادی که روزگاری در اردوگاه خودی قرار داشتند، با دشمن است. این مسئله اینگونه در کلام ایشان تجلی می‌یابد: «دشمن جور دیگری حرف می‌زند. بعضی‌ها هم با همان لغت دشمن حرف می‌زنند، با همان زبان دشمن حرف می‌زنند. آیا می‌فهمند یا نمی‌فهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف می‌زنند، سعی می‌کنند وانمود کنند که انقلاب از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت در نمی‌آمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمی‌شد.» (۱۳۸۸/۱۱/۲۸)

و همین هدایت‌های حکیمانه و روشنگری‌ها و بصیرت‌افزایی‌ها بود که در نهایت به رسوایی فتنه‌گران در روز نهم دی ماه ۸۸ و خلق حماسه تاریخی ملت ایران انجامید.

بازخوانی حماسه ۸ دی، سالروز حماسه مردم ولایتمدار گیلان علیه جریان فتنه

یک روز جلوتر از دیگران!

روح‌الله پوراسماعیلی فومنی/ به موازات اردوکشی‌های خیابانی در تهران پس از انتخابات ۸۸، شهر رشت نیز یکی از کانون‌های مهم و مورد توجه جریان فتنه بود. اهمیت و توجه فتنه‌گران به این شهر را شاید بتوان در دو عامل زیر جست‌وجو کرد:

اول اینکه: برخی از مهره‌ها و صاحب‌نظران اصلی جبهه اصلاحات و کارگزاران که در جریان فتنه نیز حضوری فعال داشتند، اهل شهر رشت و استان گیلان بودند و این جریان سعی می‌کرد از نفوذ آنان در میان علاقه‌مندان و هواداران‌شان در این شهر استفاده کند تا محمل قوی و دامنه‌داری را برای ادامه نافرمانی‌های مدنی به همراه داشته باشد.

دوم اینکه: اکثر مردم این استان علاقه خاصی نسبت به مسائل سیاسی داشته و این گرایش دارای پیشینه تاریخی نیز می‌باشد. دارا بودن جایگاه دوم پس از تهران در تولید و انتشار مطبوعات، اعم از فصلنامه، ماهنامه، هفته‌نامه، روزنامه و... (که به بیش از ۱۵۰ نشریه می‌رسد)، خود گویای این مهم است.

بر همین اساس جریان فتنه به زعم خود، شرایط را برای استفاده از چنین پتانسیلی، به ویژه در زمینه مطبوعات که بیش از ۶۰ درصد آنها گرایش اصلاح‌طلبی دارند، به منظور ایجاد فضایی ملتهب همزمان با اردوکشی‌های خیابانی و آشوب‌های پایتخت، مهیا می‌دید. به همین منظور با حمایت‌های مداوم جریان رسانه‌ای جبهه استکبار و نیز شبکه‌های اجتماعی، با ایجاد یک جو کاذب و به‌کارگیری برخی از عوامل خودفروخته، اقدام به راه‌اندازی آشوب‌های خیابانی در چند نقطه شهر رشت، به ویژه در سطح دانشگاه‌ها کرد.

اما اشتباه محاسباتی این جریان آنجا بود که تصور می‌کرد تمام ظرفیت‌های موجود در این استان و شهر رشت همین چند مورد مذکور می‌باشد!! استان گیلان در

جایگاه یکی از سیاسی‌ترین استان‌های کشور، با تقدیم ۸۰۰۰ شهید در دوران دفاع مقدس نسبت به جمعیت آن زمان خود، جزء پنج استان اول کشور بوده که فقط ۲۲۰۰ شهید آن، فقط متعلق به شهرستان رشت می‌باشد. در کمک‌رسانی و پشتیبانی از جبهه‌ها هشت سال دفاع مقدس نیز به ویژه با اهدای بیش از ۱۰۰۰ کامیون کمک‌های مردمی فقط در یک مرحله، جزء استان‌های نمونه کشور بوده و... این موارد نشان‌دهنده دلبستگی و پیوند عمیق مردم گیلان با آرمان‌های انقلاب و رهبری بوده که جلوه این پیوند، در خلق حماسه ۸ دی سال ۱۳۸۸، به منصه ظهور رسید.

پس از ۸ ماه خویشتن‌داری آحاد مردم ولایتمدار این خطه، نسبت به تحرکات رذیلانه جریان فتنه، در ابتدا

پس از جسارت فتنه‌گران به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و روز عاشورا مردم این دیار که اولین مأمن امامزادگان و خاستگاه تشیع در ایران بوده و عشق به اهل بیت(ع) در تاروپود وجودشان تنیده شده است، دیگر تاب نیاوردند، به صورت خودجوش، عظیم‌ترین راه‌پیمایی و تجمع مردمی این استان را در تاریخ انقلاب رقم زدند

وقتی به ساحت حضرت امام(ره) در ۱۶ آذر جسارت شد، با اجتماعی باشکوه در میدان شهدای ذهاب(شهرداری) رشت، انزجار خود را نسبت به این توطئه عوامل آمریکایی ـ صهیونیستی اعلام کردند؛ اما اوج حماسه آنجا بود که پس از جسارت فتنه‌گران به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و روز عاشورا مردم این دیار که اولین مأمن امامزادگان و خاستگاه تشیع در ایران بوده و عشق به اهل بیت(ع) در تاروپود وجودشان تنیده شده است، دیگر تاب نیاوردند، به صورت خودجوش، عظیم‌ترین راه‌پیمایی و تجمع مردمی این استان را در تاریخ انقلاب رقم زدند. کثرت جمعیت به حدی بود که میدان شهدای ذهاب و تمام خیابان‌های منتهی به آن، ظرفیت گنجایش چنان جمعیت عظیمی را در خود نداشت، به گونه‌ای که با وجود به کارگیری دستگاه‌های صوتی متعدد، جوابگوی آن جمعیت بی‌نظیر نبود.

در این راهپیمایی عظیم مرد و زن و پیر و جوان، از هر قشر و صنفی، آکنده از خشم نسبت به ۸ ماه حرمت‌شکنی فتنه‌گران، به ویژه در روز عاشورا، علیه سران فتنه شعار سر داده و شدت عصبانیت آنان به حدی بود که پس از اتمام مراسم، حاضر به ترک میدان و خیابان‌ها نشدند و همچنان شعار سر می‌دادند...

۸ دی ۸۸ را باید نماد بصیرت و آگاهی مردم گیلان و صحنه‌ای گویا از اشتباه بزرگ محاسباتی جریان فتنه در شناخت مردم قهرمان این دیار دانست. ۸ دی برگ زرین دیگری است که در دفتر افتخارات مردان و زنان بصیر سرزمین رنج و برنج در دفاع از حریم ولایت و آرمان‌های انقلاب، یک روز جلوتر از استان‌های دیگر کشور، به ثبت رسید. همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب در دیدار هزاران نفر از مردم گیلان به مناسبت سالروز این حماسه فرمودند:

«در قضیه نهم دی که ملت ایران یکپارچه، به صورت خودجوش به صحنه آمدند، مردم رشت جزء معدود مراکزی در کشور بودند که یک روز جلوتر وارد میدان شدند... مردم گیلان این آگاهی را، این عزم را، این احساس نیاز به حضور در صحنه را زودتر از دیگران نشان دادند.»

یادداشت

یک داستان دو پایان

محمد صرفی/ دونالد ترامپ از ماه‌ها پیش از انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ در آمریکا، موضوع امکان تقلب در انتخابات را مطرح کرد. چرایی طرح این موضوع از سوی ترامپ و نحوه برخورد دولتمردان و سیاستمداران آمریکایی با آن، در نوع خود قابل تأمل و بررسی است و مقایسه آن با آنچه در انتخابات سال ۱۳۸۸ ایران رخ داد، از جنبه‌های مختلف می‌تواند درس‌آموز و راه‌گشا باشد.

اصلی‌ترین عامل طرح ادعای تقلب در انتخابات از سوی ترامپ را باید در نحوه ورود وی به عرصه رقابت و راهبرد تبلیغاتی وی جست‌وجو کرد. به نظر می‌رسد، ماجرای احتمال تقلب در انتخابات بیش از آنکه یک نگرانی جدی برای نامزد حزب جمهوریخواه باشد، صرفاً یک حربه تبلیغاتی و نوعی عملیات روانی بود. ترامپ در مبارزات انتخاباتی، از خود چهره‌ای مخالف وضع موجود ترسیم کرد. به جنبه‌های اساسی و ملموس نظام سیاسی آمریکا تاخت و آنها را به شکلی صریح و با زبانی ساده و همه‌فهم زیر سؤال برد. او فساد و تبعیض و مخارج جنگ‌های بی‌حاصل آمریکا در گوشه و کنار جهان را به چالش کشید و خود را پرچمدار انقلاب علیه این شرایط معرفی کرد. طرح ادعای تقلب در انتخابات، قطعه‌ای هوشمندانه از این جورچین بود؛ چرا که از منظر مخاطبان و رأی‌دهندگان، ترامپ نامزدی بود که علیه نظام فاسد موجود به پا خاسته بود و طبیعی است که نظام تلاش کند چنین فردی بر مسند قدرت ننشیند.

البته این ادعا برای آمریکا عوارض کمی نداشت و مقامات مختلف این کشور از «باراک اوباما» رئیس‌جمهور گرفته تا وزیر خارجه و فرمانداران ایالتی کوشیدند یکصدا و یکپارچه به این ادعا پاسخ دهند. محور اصلی پاسخ آنان مطالبه سند و مدرک از ترامپ بود. ترامپ با آنکه سند خاصی در دست نداشت، از ادامه این مسیر دست نکشید. نکته تأمل‌برانگیز آنکه بسیاری از سیاستمداران جمهوریخواه نیز در این قضیه کنار ترامپ قرار نگرفتند و ادعای وی را زیر سؤال بردند. برای نمونه، «تری گریسون» از چهره‌های شاخص جمهوریخواه و فرماندار سابق کنتاکی با اشاره به ادعای ترامپ، گفت: «این خیلی غیر مسئولانه و شلیک به قلب دموکراسی آمریکاست. ما مسئولان سیاسی خود را با صندوق رأی عوض می‌کنیم، نه گلوله.» در این میان حتی نزدیک‌ترین جمهوریخواهان به ترامپ نیز در مقابل این ادعا سکوت را به حمایت ترجیح دادند.

نتیجه انتخابات البته برای بسیاری غیر منتظره بود. هیلاری کلینتون شکست خورد و نامزد مدعی تقلب پیروز شد؛ اما این بار طرفداران کلینتون بودند که علیه ترامپ به خیابان‌ها ریختند و پیروزی‌اش را به چالش کشیدند، اما کلینتون نه تنها با این موج همراهی نکرد؛ بلکه در همان ساعات اولیه طی تماسی پیروزی ترامپ را تبریک گفت و نتیجه انتخابات را پذیرفت. ترامپ هم که تا چند روز قبل مدعی تقلب بود، در بیانیه‌ای گفت: «مردم حرف می‌زنند و انتخابات به پایان رسیده است و همان‌طور که در جریان هستیم، هیلاری کلینتون خودش در شب انتخابات به شکست اذعان کرد و به من تبریک گفت. پس باید این نتایج را بپذیریم و به آینده چشم داشته باشیم!»

اما آنچه در سال ۸۸ در ایران رخ داد، روند دیگری را پیمود. نامزدی که از مدت‌ها قبل با همراهی اطرافیان خود مدعی احتمال تقلب در انتخابات شده بود، شکست خورد و واکنش‌های بعدی وی نشان داد، آن ادعا صرفاً حربه‌ای تبلیغاتی نبوده و پروژه‌ای عمیق و چند لایه بوده است. همراهی برخی از چهره‌های سیاسی کشور با این ادعا و سکوت تردیدآمیز عده‌ای دیگر، به این بلوا دامن زد و در طولانی کردن آن مؤثر بود. مقایسه علمی، تطبیقی و جزئی عملکرد رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی و مشهور آمریکا و ایران و همچنین واکنش سایر کشورها در این دو انتخابات می‌تواند از جنبه‌های مختلف جذاب و سودمند باشد. مروری گذرا بر این دو ماجرا و مقایسه آن با یکدیگر نشان می‌دهد، این مردم کشورمان بودند که بار عدم دوراندیشی و ضعف بینش برخی از سیاستمداران و شخصیت‌ها را بر دوش کشیدند و با خلق حماسه ۹ دی پس از هشت ماه بر فتنه مهر پایان زدند.

در فتنه ۸۸ بسیار آزار دیدم...

مرحوم مرضیه حدیدچی(دباغ) می‌گوید: روزی که تظاهرات بود من از بیمارستان مرخص شده و به سمت منزل حرکت می‌کردم و واقعاً وقتی زن‌هایی را می‌دیدم که با آن ظاهر نامناسب تکه‌ای نوار سبز به دست‌شان بسته بودند و داد می‌زدند: «موسوی، حمایتت می‌کنیم» گریه کردم که چرا زنی که باید حجابش را رعایت کند تا دل آقای موسوی گرم شود، با آن اوضاع و احوال آمده... در فتنه ۸۸ بسیار آزار دیدم.

یادداشت

اذکروا نعمه‌الله

فرهاد مهدوی/ فراموش نمی‌کنم در فتنه ۸۸ هنگامی که فتنه‌گران در میدان ولی‌عصر(عج) تجمع داشتند؛ چگونه چادر از سر چند زن چادری کشیدند و آنها را نقش بر زمین کردند یا افرادی را که ظاهری انقلابی داشتند، زیر مشت و لگد گرفتند و یا سرباز نیروی انتظامی و یک بسیجی را در مقابل دانشگاه تهران به طرز فجیعی برهنه کرده و چهره واقعی خود را به نمایش گذاشتند که بعدها داعش را با آن بیشتر شناختیم. در این میان برخی از همین فتنه‌گران برای ایجاد واهمه در دل مؤمنان، از بام برج‌ها، مجتمع‌ها، بلوک‌های سیمانی، سنگ، آجر و شیشه را بر سر مردم و عابران می‌ریختند تا وضعیت ناامنی جان مؤمنان به انقلاب را به لب برساند. آن روزهای غبارآلود به دلیل حمایت‌های بی‌شائبه آمریکا، رژیم صهیونیستی و بیانیه‌های اتحادیه اروپا در حمایت از اغتشاشگران روزهای بسیار سختی بود و شاید هیچ روزی از روزهای انقلاب به اندازه فتنه بر مؤمنین و انقلابیون سخت نگذشت؛ زیرا از یک سو دستاورد ۴۰ میلیونی رأی انقلاب در معرض سرقت ضد انقلاب و معارضان قرار گرفته بود و سابقه روشن دموکراسی و مردم‌سالاری در حال لگدمال شدن بود و از سوی دیگر فتنه‌گرانی که در انتخابات از تصاویر و عناوین امام و رهبری برای رأی‌آوری استفاده کرده بودند، به امام و آرمان‌های او اهانت می‌کردند.

در این شرایط رسانه‌ها و اتاق‌های فکر مدام در حال تازه کردن دستورهای خود برای براندازی مخملی بودند؛ مسئولان سیاسی و نظامی آمریکا، انگلیس و رژیم غاصب صهیونیستی در آماده‌باش کامل بودند و بسیاری از دیدارها و جلسات اضطراری را برای دمیدن در فتنه و حمایت از سران آن تدارک دیده بودند؛ به گونه‌ای که شیمون پرز، رئیس‌جمهور معدوم رژیم صهیونیستی هم در جریان این جلسات گفت: «اصلاح‌طلبان به نمایندگی از اسرائیل با رژیم اسلامی ایران می‌جنگند» و رسانه‌های مجازی که حتی برای پیام‌رسانی بهتر به دنبال رفع عیب‌های نرم‌افزاری بودند؛ بنا به دستور رئیس‌جمهور آمریکا و وزیر خارجه از بازسازی منع شدند. در همه این شرایط شاهد بودیم که برخی از خواص حق نیز موضع‌گیری آشکاری در برخورد با فتنه‌گران نداشتند و برخی از مردم نیز هنوز در شوک انتخاباتی و تحت تأثیر جوسازی‌های رسانه‌ای قرار گرفته بودند؛ اما با وجود همه دفاع‌ها و روشنگری‌هایی که صورت می‌گرفت، هنوز میدان تاخت و تاز فتنه‌گران فراهم بود و شرایط به گونه‌ای شده بود که آنها علنی به هیئت‌ها و دسته‌های عزاداری حمله می‌کردند و به آتش می‌کشیدند.

در این شرایط خداوند به قلب‌ها و دل‌های مؤمنان جرئت و جسارت بخشید و زنان و مردان مؤمن وارد عرصه عملی حمایت و حراست از انقلاب شدند؛ خداوند جنود رحمانی خود را در پیکره تمام ایرانی‌ها جاری کرد و یوم‌الله نهم دی‌ماه اتفاق افتاد. به راستی که چه روز پر شوری بود؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی هیچ روزی را با آن شور و حرارت ندیده بودم. در تهران، تمام خیابان‌های منتهی به میدان آزادی مملو از کسانی بود که با عشق به ولایت به عرصه آمده بودند، حتی در میان آنان بسیاری از کسانی که در تردید بودند نیز حضور داشتند.

اگر در آن روز از خیابان دماوند تا میدان انقلاب را پیاده نمی‌آمدم، باور چنین جمعیتی بسیار دشوار می‌نمود؛ اکنون آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه احزاب را یادآوری می‌کنم تا طعم شیرین عبور از آن روزهای سخت و پیروزی انقلاب برایم زنده شود. قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید در آن هنگام که لشکرهایی (عظیم) به سراغ شما آمدند؛ ولی ما باد و طوفان سختی بر آنان فرستادیم و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدید (و به این وسیله آنها را در هم شکستیم) و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است. (به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و ... .» «اذکروا نعمه‌الله»

ریشه‌ها و عوامل امدادهای غیبی در انقلاب اسلامی در گفت‌وگوی اختصاصی صبح صادق با آیت‌الله سید هاشم حمیدی

مردم همیشه بهتر از خواص عمل کرده‌اند

مهدی عامری و علیرضا جلالیان/ آیت‌الله سیدهاشم حمیدی متولد سال ۱۳۰۹ و اهل همدان است، او از سال ۱۳۴۶ به سفارش آیت‌الله گلپایگانی و سپس تأکید امام خمینی(ره) در منطقه نیروی هوایی تهران امامت جماعت مسجد انصارالحسین را به عهده گرفت و در میان ارتشی‌های دوران طاغوت به تعبیر خودش با لطایف‌الحیل اندیشه انقلاب اسلامی را نشر داد. او از یاران حضرت امام(ره) در نهضت مردمی ایشان بوده است و فرزند و داماد او در راه انقلاب به درجه رفیع شهادت رسیده‌اند. او با اینکه سال‌ها نماینده مجلس بوده است و از اعضای اصلی جامعه روحانیت مبارز تهران است، همچنان در منطقه نیروی هوایی زندگی ساده‌ای دارد و ارتباطش با مردم قطع نشده است. آیت‌الله حمیدی تألیفات متعددی دارد، از جمله رساله‌ای در بحث تقیه تقریرات درس امام خمینی(ره)، نهضت امام حسین(ع) و ریشه‌های آن. او به واسطه اینکه سال‌ها در نهاد رهبری در دانشگاه علم و صنعت مشغول به کار بوده، رابطه خوبی با جوانان دارد. آیت‌الله حمیدی همچنان در دفاع از انقلاب و رهبری محکم و استوار است. در گفت‌وگویی که با ایشان داشتیم، ریشه‌ها و عوامل امدادهای غیبی در انقلاب اسلامی را به بحث نشستیم که ایشان ضمن بیان خاطراتی به تشریح این موضوع پرداخت.

*** از حضرت امام و رهبر معظم انقلاب این را بارها شنیده‌ایم که یک دست غیبی پشت این انقلاب است، مثل این تعبیر که «خرمشهر را خدا آزاد کرد». نظر شما چیست؟**

بله. حضرت امام(ره) خیلی به نصرت الهی اتکا داشتند و تمام تکیه‌شان به خدا بود. من در دورانی که ایشان مجبور شدند به فرانسه بروند، بنا به دستور آیت‌الله گلپایگانی به حسینیه‌ای که ایشان در لندن تأسیس کرده بودند، رفتم تا در ایام محرم و صفر تبلیغ انجام دهم. بعد از اتمام کارم در لندن اول به پاریس و منطقه نوفل‌لوشاتو رفتم و خدمت ایشان رسیدم. البته اول به من وقت جلسه خصوصی با امام ندادند و گفتند مجالی برای جلسه خصوصی نیست؛ اما آقای اشراقی داماد حضرت امام(ره) (که با هم دوست بودیم) یک روز بعد از نماز مغرب و عشا زمانی که امام به اندرونی رفت، آمد پشت پرده من را صدا زد و برد خدمت امام(ره).

من بعد از سلام و عرض ارادت خدمت امام به ایشان گفتم آقا این جوان‌ها خیلی شور دارند؛ اما ساواکی‌ها و ارتشی خیلی سرکوبگرند، حتی به بچه دبستانی‌ها هم رحم نمی‌کنند. اگر فقط بخواهیم شعار بدهیم و اعلامیه پخش کنیم و اعتصاب کنیم فایده ندارد. آیا شما اجازه جنگ مسلحانه با رژیم را می‌دهید؟ ایشان فرمودند که جنگ مسلحانه جواب نمی‌دهد و اسباب اتهام به ما را فراهم می‌کند که اینها تروریست هستند. ایشان فرمودند که امید دارم به خدا و همین اعتصاب‌ها و تظاهرات‌ها کار رژیم طاغوت را تمام می‌کند. آن زمان فعالیت‌های مبارزاتی ما اعتصاب و تظاهرات و تعطیل کردن‌ها و شعار دادن و این چیزها بود و در نهایت هم همین‌ها جواب داد.

من به تهران آمدم و وقتی دوستان جویای مسائل شدند، عین جمله امام(ره) را گفتم و همه به نوع مبارزه‌ای که انجام می‌شد امیدوار شدند و الحمدلله به پیروزی هم رسیدیم.

نکته اینجا بود که این سخن امام(ره) که امیدش به خدا بود ناشی از همان وعده‌ای بود که خدا در آیه «ان تنصروالله ینصرکم» داده است.

*** ما در طول انقلاب حوادث زیادی داشتیم که دست غیبی پشت آنها بوده، از این حوادث بگویید.**

بله در حوادث بزرگ همه‌اش دست خدا بود و ما فقط اسباب این حوادث بودیم. یادم می‌آید که قرار بود امام از پاریس به ایران بیاید. بختیار هم آنجا می‌گفت من مرغ طوفانم و مانع ورود امام(ره) می‌شد. شورای انقلاب تازه شکل منسجمی گرفته بود و بزرگانی چون شهید بهشتی، شهید مطهری و رهبر معظم انقلاب در آن حضور داشتند، تصمیمی گرفته شد مبنی بر اینکه در اعتراض به این امر روحانیون بروند در مسجد دانشگاه تهران تحصن کنند.

این پیغام به من رسید و سریع با یکی دیگر از روحانیون به نام آقای مسجدجامعی ره‌سپار دانشگاه تهران شدیم؛ اما اطراف دانشگاه به شدت درگیری بود و مردم برای اینکه گلوله نخورند به جوی‌های کنار خیابان پناه می‌بردند، یا روی زمین می‌خزیدند و دود و گاز اشک‌آور همه جا را گرفته بود. با این اوصاف نتوانستیم وارد دانشگاه شویم. آقای مسجدجامعی گفت امشب برویم منزل برادرش که نزدیک آنجا بود. برادر ایشان هم روحانی بود، به خانه ایشان که رفتیم خیلی ما را تحویل گرفت و ما را در یکی از اتاق‌های اندرونی خانه پناه داد تا به دست ساواکی‌ها نیفتیم. از ما پذیرایی کرد و صبح زود روز بعد من و دو برادر مسجدجامعی توانستیم وارد مسجد دانشگاه بشویم. آنجا شهید بهشتی را دیدیم. مرحوم مصطفی مسجدجامعی به شهید بهشتی گفت بهتر نبود مثل دوران مشروطه می‌رفتیم در قم تحصن می‌کردیم و نمی‌آمدیم در وسط میدان خطر در قلب حکومت؟ همانجا شهید بهشتی بدون اینکه سخن او را رد کند، گفت: ما آمدیم اینجا تحصن کردیم و حالا عده‌ای هم می‌توانند بروند قم تحصن کنند، ولی ما تا حصول نتیجه اینجا خواهیم ماند. در کل علما هم آن موقع دو دسته بودند؛ یک عده همیشه در صحنه بودند، عده‌ای هم خیلی با احتیاط عمل می‌کردند.

در آنجا هر روز یکی برای سخنرانی می‌آمد، از خود شهید بهشتی تا شهید مطهری و شهید مفتح و... راجع به انقلاب و امام و... اینها بحث بود و مردم هم حضور داشتند و ما تنها نبودیم. دانشجو، بازاری و خیلی دیگر از مردم بودند. با این اوصاف زمانی که دیدند این اتفاق در دانشگاه افتاده و نمی‌توانند با حضور مردم و تحصن در دانشگاه برخورد کنند، اعلام شد فرودگاه باز شده و امام می‌آید و فردایش امام آمد و رفتیم خدمت ایشان مدرسه علوی.

عکس: حامد گودرزی

مردم همواره بهتر از خواص عمل کردند، در دوران ائمه هم همین‌طور بود، چون مردم دنبال ماديات نبودند؛ اما مسئولان دنبال جاه و مقام بودند. ریشه همه مشکلات دنیاگرایی است و اگر دنیاگرایی بیاید نصرت الهی از بین می‌رود. باید مواظب این مسئله به ویژه از سوی مسئولان بود. این نقطه‌ای است که به انقلاب ضربه سختی می‌زند

*** از فتنه‌هایی که بعد از انقلاب به وجود آمد بگویید.**

اول انقلاب همه با هم بودند، همه نیروهای ضد شاه دور هم بودند. شهید بهشتی می‌گفت باید جاذبه حداکثر و دافعه حداقل داشت. اما بعدش سهم‌خواهی‌ها شروع شد و منافقین برای سهم‌خواهی شروع کردند به ترور و شرارت. مشکل همین سهم‌خواهی‌ها بود. امروز هم خیلی از مشکلات به دلیل همین سهم‌خواهی‌ها از انقلاب است.

*** معتقدیم که نصرت الهی همه جا پشت انقلاب بوده، اما به هر جهت این نصرت الهی شرایطی هم دارد که ادامه پیدا کند، وظیفه مردم و مسئولان برای تداوم نصرت الهی چیست؟**

اگر غیر از خدا چیزی نخواهیم و دین خدا را نصرت کنیم، خدا هم ما را نصرت می‌کند این مشخص است. مردم ما ثابت کردند که در این مسیر کوتاهی نکرده و نمی‌کنند؛ اما وظیفه مسئولان این است که حتماً به مردم برسند. انقلاب، انقلاب پابرهنه‌ها است و مستضعفان انقلاب کردند، مسئولان وظیفه دارند مشکلات مردم را حل کنند.

من هنگامی که نماینده بودم به حوزه انتخابی سر می‌زدم و با مردم زیاد سروکار داشتم. مشکلات را می‌دیدم. تعداد زیادی نامه به من می‌دادند. آنهایی که می‌توانستم از جیب خودم یا از محل وجوهات حل کنم را حل می‌کردم، ولی آنجا که متوجه مسئولان اجرایی بود، سخت بود و من همواره با مسئولان اجرایی سر مشکلات مردم درگیر بودم. حتی یک مورد به درگیری با استاندار همدان ختم شد. در دوران بنی‌صدر او رفته بود از بودجه بازسازی مناطق سیل‌زده برای استانداری خودرو خریده بود، این موضوع را یک کارمند به من گزارش کرد. استاندار مدعی شد که چون آن کارمند اخراج شده رفته این خبر را ساخته، اما اسناد چیز دیگری می‌گفت، چون زمانی که خبر به من رسید این کارمند هنوز اخراج نشده بود و استاندار بعد از اینکه متوجه شده بود او خبر را داده اخراجش کرده بود. کار را به مجلس کشاندم و از آنجا که رئیس کمیسیون محاسبات بودم دقیق بررسی شد و برخورد لازم صورت گرفت.

حتی در این مسئله آقای هاشمی به من گفت چقدر سخت گرفتی، این قدر حساب و کتاب کردی خیلی مهم نبود یک برخورد می‌کردیم تمام می‌شد. من همانجا گفتم آقای هاشمی بگذار مرکب قانون اساسی خشک شود. هنوز خشک نشده اینها با قانون این طور برخورد کنند.

من الآن هم به مسئولان تذکر می‌دهم. به رئیس‌جمهور در دوره‌های مختلف چه آقای هاشمی، چه آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی نامه‌های تذکرآمیزی داده‌ام.

*** مشکل امروز مسئولان ما چیست؟**

رفاه، تجمل و دنیاطلبی مشکل اصلی افرادی بود که از انقلاب جدا شدند. وقایعی که ما در سال ۸۸ دیدیم هم ناشی از همین بود که هوی‌پرستی و دنیاطلبی عده‌ای کار دست‌شان داد و باعث وارد آمدن هزینه‌های زیادی به کشور شد. به تحقیق هر مسئولی دنبال هوی‌پرستی و رفاه‌طلبی رفته برای خود و کشور مشکل ایجاد کرده است.

*** نقش محرم را در تداوم انقلاب چگونه می‌بینید؟**

امام فرمودند این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. باید مطمئن باشیم همین محرم و صفر انقلاب را هم حفظ کرده. خیلی‌ها به واسطه تکلیف حسینی خود آمدند و با خون خود انقلاب را حفظ کردند. مردم حسینی عمل کردند وگرنه انقلاب حفظ نمی‌شد. جلوه این عشق حسینی را هم ما امروز در راهپیمایی اربعین و آن حماسه بزرگ می‌بینیم.

نکته بعدی هم این است که پیروی از رهبری پیروی از امام حسین(ع) زمان است. دوران دفاع مقدس خیلی از مردم به حکم امام در راه اسلام می‌رفتند و حماسه می‌آفریدند.

*** امروز حس می‌کنیم برخی از انقلابی‌های قدیم سست شده‌اند، دیگر این روحیه انقلابی را در آنها نمی‌بینیم، جوان‌ها هم تصورشان این است که اینها دیگر خسته شده‌اند، برخی هم می‌گویند نسل انقلاب پایان یافته، نظر شما چیست؟**

یکی از توصیه‌های امام(ره) خواندن وصیت‌نامه شهدا و عمل کردن به آنها بود. اگر ما به این وصیت‌نامه‌ها بعد از خواندن آنها عمل کنیم، دقیقاً توانسته‌ایم روحیه انقلابی پیدا کنیم. متأسفانه ما فراموش می‌کنیم که باید اینها را بخوانیم و عمل کنیم، اگر این کار بشود مشکل حل خواهد شد. با تنبل‌ها و خسته‌ها هم باید ابوذروار برخورد کرد.

*** اگر توصیه دیگری دارید بفرمایید؟**

تقویت بصیرت مردم خیلی مهم است. پس از رحلت امام خوشبختانه بهترین فرد این کشور جانشین او شد. او هم همواره توصیه به بصیرت کرده است. من یک نکته بگویم و آن اینکه مردم همواره بهتر از خواص عمل کردند، در دوران ائمه هم همین‌طور بود، چون مردم دنبال ماديات نبودند؛ اما مسئولان دنبال جاه و مقام بودند. ریشه همه مشکلات دنیاگرایی است و اگر دنیاگرایی بیاید نصرت الهی از بین می‌رود. باید مواظب این مسئله به ویژه از سوی مسئولان بود. این نقطه‌ای است که به انقلاب ضربه سختی می‌زند.

بازخوانی حماسه ۸ دی، سالروز حماسه مردم ولایتمدار تبریز علیه جریان فتنه

طلایه داران حماسه

احمد قهرمانی/ آذربایجان در طول تاریخ ایران هر چند آبستن حوادث بزرگ بوده است؛ ولی در خط مقدم حماسه‌های ملی، تاریخی و مردمی قرار داشته و توانسته است در دفاع از کیان ملی و ارزش‌های دینی و نظام و انقلاب اسلامی پیشتازی خود را به اثبات برساند. مردم آذربایجان دارای ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی ویژه، از جمله دینداری، شجاعت، در صحنه بودن، ولایتمدار بودن، سختکوشی و تلاشگری و صدها ویژگی منحصر به فردی هستند که آنها را در خلق «حماسه» و «یوم‌الله» در تاریخ ایران و انقلاب توانمند کرده است.

از جمله این یوم‌الله‌ها و حماسه‌ها روز ۸ دی ۱۳۸۸ است که با حضور به موقع و دشمن‌شکن مردم انقلابی و ولایتمدار آذربایجان در صحنه دفاع از ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی و دفع نقشه‌های فتنه‌گران و حضور مردم سایر شهرها به تبعیت از بصیرت مردم آذربایجان در صحنه دفاع از نظام و انقلاب در ۹ دی ۱۳۸۸، این روز را به «یوم‌اللهی» دیگر در تاریخ ایران تبدیل کرد؛ روز «بصیرت و بیعت امت با ولایت».

شرایط ویژه آذربایجان پس از انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

۱ـ قومیت و قوم‌گرایی: دشمن سعی کرده بود با هم‌افزایی شورش‌های اجتماعی و نارضایتی‌های انتخاباتی و تحریک قوم‌گرایی در مناطق آذری‌نشین از هنر پیشتازی آذربایجانی‌ها به نفع خود بهره‌برداری کند که به دلیل هوشیاری و بصیرت بالای مردم با وجود فراهم بودن زمینه‌ها، موفق نشدند.

۲ـ توطئه پسر آذربایجان: از جمله زمینه‌ها به منظور بهره‌برداری از مناطق آذری‌نشین برای تحریک احساسات مردم و کشاندن آنان در آشوب‌های اجتماعی پس از انتخابات در سال ۱۳۸۸ توهم «توطئه پسر آذربایجان» بود که خانم مهندس موسوی رونمایی کرد. آنها می‌خواستند با استفاده از انتساب وی به آذربایجان، از احساسات مردم سوءاستفاده کرده و در کشاندن مردم به خیابان‌ها و ایجاد شورش‌های خیابانی و بهره‌برداری از این قضیه، آن را به دیگر نقاط کشور تسری دهند.

۳ـ هم‌زمانی با ۳۱ دسامبر: دولت آذربایجان روز ۳۱ دسامبر (۱۱ دی) را روز همبستگی آذری‌های جهان نامگذاری کرده است. این روز تعطیل رسمی است و به مثابه عید مطرح می‌کنند (هر چند این روز تحریف شده و روزی است که مردم نخجوان در سال ۱۸۸۹ میلادی با شکستن حصارهای مرزی به داخل خاک ایران آمده و خواهان پیوستن به ایران بودند) و سعی می‌کنند در آن روز برنامه‌های مختلفی علیه ایران و مردم آذربایجان اجرا کنند که اهانت آشکار به مردم آذربایجان و در تضاد با سیاست‌های اعلامی دولت آذربایجان در مقابل ایران است؛ هر چند در طول هشت ماه پس از انتخابات از این‌گونه فرصت‌ها زیاد بود و نتوانسته بودند استفاده کنند. همراهی نکردن مردم آذربایجان با دشمنان در این برهه زمانی با وجود زمینه و شکاف اجتماعی دیگر و خلق یوم‌الله و حماسه‌ای دیگر در هشتم دی (سه روز زودتر از ۱۱دی) نشان از انقلابی و بصیر بودن مردم آذربایجان دارد که دشمنان را ناکام می‌گذارد.

مناطق آذری‌نشین از جمله آذربایجان شرقی، افزون بر مشکلات مختلف از نظر زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی یک شورش و آشوب اجتماعی با انواع شکاف‌های اجتماعی (قومی، زبانی و...) درگیر بود و همین موضوع دشمن را به طمع انداخته بود؛ ولی مردم بصیر آذربایجان افزون بر همراهی نکردن با برنامه‌های دشمنان و فتنه‌گران داخلی، خالق حماسه‌ای دیگر در تاریخ ایران به نام «یوم‌الله ۹ دی» شدند.

اقدامات حماسه‌ساز هشتم دی در تبریز

برخی از کارها و اقدامات در جای خود از نظر زمانی و مکانی می‌تواند تأثیرگذار باشد و پس از فوت فرصت می‌تواند نتایج منفی هم داشته باشد. در هشتم دی ۱۳۸۸ تبریز نیز اقدامات حماسه‌ساز مردم، و مسئولان و بزرگان شهر سبب خلق حماسه ۸ دی تبریز و ۹ دی در کشور شد:

۱ـ حضور به موقع و حماسی مردم در صحنه: در طول هشت ماه مردم متدین و انقلابی آذربایجان، خار در چشم و استخوان در گلو به تبعیت از ولایت صبر کرده بودند تا فتنه‌گران و بی‌بصیرت‌ها به راه راست و حقیقت برگشته و اعلام پشیمانی کنند؛ ولی حماقت عده‌ای در روز عاشورا سبب شد مردم آذربایجان به صورت خودجوش در خیابان‌ها حاضر شوند و با فتنه‌گران اتمام حجت کنند.

۲ـ حضور بالاترین شخصیت دینی و مذهبی استان در صحنه: افزون بر حضور اقشار مختلف مردم، اعم از پیر و جوان، زن و مرد، دانشجو و دانش‌آموز، بازاری و کارمند، شخصیت‌های سیاسی مختلف لشکری و کشوری، حضور نماینده محترم ولی‌فقیه در استان و امام جمعه محبوب تبریز که شخصیتی انقلابی و مذهبی و از اعضای مجلس خبرگان رهبری از استان آذربایجان شرقی است، برای مردم انقلابی استان و سایر استان‌ها محرک خوبی برای اتمام حجت با فتنه‌گران بود.

۳ـ مواضع انقلابی حضرت آیت‌الله شبستری: آیت‌الله شبستری نماینده رهبر معظم انقلاب و امام جمعه محبوب تبریز و از اعضای مجلس خبرگان رهبری مورد احترام مردم آذربایجان بوده و همیشه مواضع انقلابی ایشان زبانزد خاص و عام بوده و هست، در این روز افزون بر محکوم کردن کار فتنه‌گران در توهین به مقدسات، در حالی‌که دو دستی بر سر و عمامه خود می‌کوبید، از قوه قضائیه خواست که در برخورد با فتنه‌گران مماشات نکند و اتمام حجت کرد که در صورت ادامه این وضعیت، مردم آذربایجان تحمل نکرده و کفن‌پوش راهی تهران خواهند شد تا کار فتنه‌گران را یکسره کنند.

۴ـ شعارهای انقلابی: شعارهای مطرح در این راه‌پیمایی نشان از بصیرت مردم و اتمام‌حجت آنان و خواسته آنان از مسئولان در برخورد با فتنه‌گران دارد. شعارهایی که غیرت دینی و ولایتمداری و سرآمدن کاسه صبر حزب‌اللهی‌ها را نشان می‌داد.

یادداشت

ثمره بزرگداشت ۹ دی

فتح‌الله پریشان/ در حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بین‌المللی ملت‌ها، مقاطع زمانی خاصی ایجاد می‌شود که به دلیل ویژگی‌هایی که دارد به نقاط عطف حیات آن ملت تبدیل می‌شود. نقطه عطف، ممیز و مفصل دو چیز یا دو برهه تاریخی است؛ به تعبیر دیگر، نقاط عطف ملت‌ها، رخدادها و حوادث مؤثری هستند که تاریخ آنها را به دو مقطع پیش و پس از آن رخداد یا حادثه تبدیل می‌کنند و مبدأ جدیدی برای آغاز به شمار می‌آیند. مانند هجرت بزرگ پیامبر اعظم اسلام(ص) از مکه به مدینه که آغاز شکوفایی اسلام در ابعاد فکری، نظام‌سازی دینی، گسترش آیینی و ارتباط‌گیری با سایر ملل بود، یا وقوع انقلاب اسلامی در ایران که از ملتی مظلوم و توسری‌خور استبداد و استعمار، مردمانی انقلابی و کشوری دارای استقلال و عزت ایجاد کرد.

حماسه ۹ دی نیز از این جنس است؛ دوران پیش از ۹ دی که کشور هشت ماه درگیر آشوب و اغتشاشی مدیریت شده از بیرون مرزها با اسم رمز «تقلب» در انتخابات دهم ریاست‌جمهوری ۸۸ بود و لطمات و خسارات مالی، جانی، حیثیتی، اجتماعی و معنوی به کشور وارد شد و برهه پس از حماسه‌آفرینی مردم بصیر ایران در ۹دی ۸۸ در سراسر کشور که نجیبانه هشت ماه آشوب را تحمل کردند تا سره از ناسره جدا شد و فریب‌خوردگان فرصت توبه و بازگشت پیدا کردند، ولی آنانی که در کف خیابان‌ها ماندند و در اتاق‌های فکر و عملیات ستاد قیطریه برای آتش‌افروزی و زدن خسارت بیشتر به اموال مردم برای فتنه طرح و نقشه ریختند، دیگر وارد حوزه عناد و خصومت با نظام اسلامی و بنیان‌های دینی و معرفتی آیین مردم شده بودند و لذا تنها حرکتی ملی، فراگیر، منسجم و مردم‌پایه می‌توانست به عمر هشت ماهه فتنه‌گری و آشوب پایان دهد.

از ویژگی‌های مقاطع تاریخی ویژه و نقاط عطف، این است که برای سال‌ها و قرن‌ها می‌شود از آنها استفاده کرد؛ اما این بهره‌گیری باید هوشمندانه و زمان‌شناسانه باشد. به راستی از حماسه ۹ دی چه استفاده روزآمدی می‌توان داشت؟ زنده نگه داشتن آن به چه درد امروز ما می‌خورد؟

اولاً، زنده نگه داشتن ایام‌الله از شعائر دین ماست. خداوند در سوره ابراهیم به حضرت موسی(ع) می‌فرماید «... و ذَکِّرهُم بِاَیّامِ الله اِنَّ فی ذلِکَ لآیاتٍ لِکُلِّ صَبّارٍ شَکور».

ثانیاً، سبب عبرت‌آموزی و درس‌آموزی از گذشته برای بهره‌گیری از آنها در جهت مقابله با فتنه‌های احتمالی زمان حال و آینده می‌شود؛ از این‌رو، بازخوانی ابعاد و زوایای مختلف فتنه ۸۸ و حماسه ۹ دی برای ملت مسلمان و انقلابی ایران به مثابه خالق حماسه‌های بزرگی که در طول تاریخ کم‌نظیر و بی‌نظیر بوده است، از جهات متعدد به ویژه حفظ این روحیه و تقویت عوامل شکل‌دهنده به این حماسه، از جمله بصیرت دینی و سیاسی مهم و ضروری است.

نکته مهم دیگر اینکه با زنده نگه داشتن حماسه ۹ دی، می‌توان کارگاهی از روشنگری برای نسل فعلی و آینده کشور ایجاد کرد، تا آینده‌سازان جامعه فردا و حافظان انقلاب و میراث‌داران شهدا با زوایای مختلف انقلاب و کمّ و کیف بحران‌ها و چگونگی خنثی‌سازی فتنه‌های ریز و درشت، مادی و معنوی و سخت و نرمی که درصدد مانع‌سازی برای انقلاب و نظام اسلامی برآمده از آن بوده‌اند، با عمق بیشتری آشنا شوند. به یقین این امر سبب جلوگیری از غفلت نسبت به عناد و کینه دشمنان اسلام و انقلاب شده، اقتدار و قدرت نظام در مدیریت بحران‌های بزرگ را نشان خواهد داد.

روزی تازه در تقویم انقلاب اسلامی

غلامعلی حدادعادل با بیان اینکه با حماسه نهم دی‌ماه سال ۱۳۸۸ یک روز تازه به روزهای انقلاب افزوده شد، گفت: ما روزهایی داشته و داریم که ملت ما در آن وحدت پیدا می‌کنند و به شـــورآفرینی می‌پردازند. اختصاص ۹ دی ما را بر مباحث سیاســـی و آنچه از آن به بصیرت یاد می‌شـــود، متمرکز می‌کند.

یادداشت

بی‌بصیرتی زمینه بلا

احمد رحمانی‌شمس /

نهـــم دی روز تجلّـــی قدرت خداست، روزی برخاسته از بصیرت مـــردم و روز درس جدیـــد ملّت و رسوایی دشمنان قسم‌خورده انقلاب اسلامی است.

روزهای سال به طور طبیعی و به خودیِ خود همانند یکدیگرند و اراده‌هـــا و مجاهدت‌هاســـت که یـــک روز را از میان روزهای دیگر برمی‌کشـــد و آن را مشـــخص و متمایز می‌کند و همچون پرچمی برافراشته نگه می‌دارد تا راهنما و هادی دیگران باشد.

روز عاشورا فی‌نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ ولی این اباعبدالله الحسین(ع) اســـت که به این روز جـــان و معنا بخشـــیده و آن را تا عرش بالا برده است.

روز ۲۲ بهمـــن و روز نهـــم دی هـــم از همین قبیل اســـت. به راســـتی، به خـــودی خود نهم دی با دهـــم دی فرقی ندارد؛ ولی آنچـــه آن را متمایز می‌کند، مردم هســـتند که ناگهان با یک حرکت برخاسته از بصیرت، دشمن‌شناسی و وقت‌شناسی مجاهدانه در عرصه حضور پیـــدا کردند؛ مردمی که از ۲۲ خرداد ۸۸، یعنی روز انتخابات ریاســـت‌جمهوری تـــا دی ماه ۸۸ (به مدت هشـــت مـــاه) همه‌گونه اغتشاشات، ناملایمات و اعتراضات باطل نشـــئت گرفته از اســـتکبار را از ســـوی ایادی دست‌نشانده و منافقین و عـــده‌ای غافل و جاهل بی‌بصیرت و زمان‌نشـــناس تحمل کرده بودنـــد. فتنه‌گران که اهانت به امام(ره)، اهانت به مقام عظمای ولایت حضـــرت امـــام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، اهانت به مسئولان نظام و انحراف شعار مرگ بر آمریکا و حمایت از مظلومان فلســـطین، هـــدف قـــرار دادن اســـلامیّت و جمهوریت انقلاب اسلامی ایران و بر هم زدن آرامش جامعه برای‌شان کافی نبود، سعی کردند تا با انجام اعمال زشت و قبیح در روز عاشورای حســـینی به پرچم سرور آزادگان جهان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که نبض حیات مردم مسلمان ایران است، توهین کنند و ایمان مردم را نشانه روند.

حوادثی که فتنـــه بود؛ فتنه یعنی کسانی شـــعارهای حق را با محتوای صـــد درصد باطل مطرح کنند. دو روز بعد در روز نهم دی ماه ۸۸ در سراسر کشور مردم به صورت خودجوش و در راســـتای فرامین قائد و مقتدای خود برخاســـتند و مشت محکمی به دهان فتنه‌گران زدند. اعتبار نظام ما این اســـت که متعلق به مردم است و این حضور در روز نهم دی ســـال ۸۸ چشـــم جهانیان را خیره کرد و به دشمنان قســـم‌خورده نظـــام و معاندین از خدا بی‌خبر و ایادی آنها نشان داد که هیچ‌گاه رهبـــری نظام را تنها نخواهند گذاشـــت و جـــزءِ مردان کوفی‌صفت نیســـتند.که در تاریخ اشباح الرجال نام گرفتند و به نفاق و فتنه انگیزی شهره‌اند.

حال پس از گذشت هفت سال از آن روز در ســـالروز این حماسه بزرگ، ضمن گرامیداشـــت یاد و خاطره ۲۳ شهید والامقام مقابله با فتنه و تداوم راه این شهیدان، این کلام رهبـــر معظم انقلاب را انگاره چشم و گوش خود قرار دهیم که:

«یک ملت وقتی در راه درست و با هدایت و با بصیرت، ایستادگی و استقامت کند، هیچ قدرتی در مقابل او تاب مقاومت ندارد و بلاهایی که بر ملتی وارد می‌شود در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی است.»

بر اســـاس این، همواره باید رخدادهـــا و تحولات سیاســـی را با روشـــن‌بینی و بصیرت ارزیابی کنیم تا در «شـــرایط فتنه‌گون» بتوانیم جبهه حق را از جبهه باطل تشخیص دهیم و استوار و ثابت‌قدم در مسیر انقلاب و امام(ره) و علمدار انقلاب اســـلامی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای گام برداریم.

ابعاد ظلم به نظام در فتنه ۸۸

احمد امامی / نظام جمهوری اســـلامی و ملت بزرگ ایران در آغاز دهه چهارم، فتنه‌ای را در ســـال ۸۸ تجربه کرد که از حیث ماهیت، بستر و شیوه‌های اجرا، گستره و عمق فتنه، کمیت و کیفیـــت صف‌آرایی عوامل و بازیگران داخلـــی و خارجی، روند و شـــرایط حاکم بر محیط داخلی و خارجی و همچنیـــن آثار و پیامدها، منحصربه‌فرد بود. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۸۸/۶/۴ در دیدار دانشـــجویان و نخبگان علمی کشور از ایـــن فتنه که در بســـتر انتخابات برنامه‌ریزی و اجرا شد، «ظلم به نظام اسلامی» یاد کردند.

واقعیـــت این اســـت که پیش از ایـــن و در طول ســـه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در حوادثی مانـــند؛ تحـــرکات تجزیه‌طلبانه در برخی از استان‌ها و اقدامات تروریستی گروهک‌های ضدانقلاب و التقاطی در سال‌های اول پس از پیروزی، جنگ تحمیلی هشت ساله، غائله لیبرال‌ها و بنی‌صدر، ماجرای شیخ ساده‌لوح در ســـال ۶۷ و حوادث ۱۸ تیر سال ۷۸، از سوی دشمنان خارجی و مخالفان و فریب‌خوردگان داخلی به نظام ظلم شـــد؛ اما ظلمی کـــه در فتنه ۸۸ به ملت و نظام شـــد، با گذشته متفاوت بـــود. واکاوی ابعـــاد «ظلـــم به نظام در فتنـــه ۸۸»، که بـــه برخی از آنها اشاره می‌شـــود، می‌تواند این تفاوت را آشکار کند.

۱ـ ضربـــه زدن به حیثیت و آبروی نظـــام در مقابل ملت‌ها؛ نظام «مردم‌ســـالاری دینی» ایران بر پایـــه مجاهدت ملت انقلابی ایران به رهبری امام خمینی(ره) بنیانگذاری شـــد و توانســـت رژیم‌های سیاسی مادی‌گرای رایج در غرب و شـــرق را به چالش بکشـــد. همه ساختارهای نظـــام از همـــان آغاز با مشـــارکت گســـترده مردم و در بستر انتخابات آزاد شـــکل گرفت و مسئولان ارکان آن با سازوکارهای انتخاباتی و با رأی ملت سر کار آمدند. این نظام با تدابیر هوشمندانه رهبر و پشتیبانی عالمانه ملت، بر چالش‌ها فائق آمد، توطئه‌ها، تحریم‌ها و تهدیدات ســـخت و نرم را عزتمندانه پشت سر گذاشت و مسیر پیشرفت و اقتدار را پیمود و به منزله «راه ســـوم»، الگویی برای ملت‌های مسلمان و مستضعفان جهان در اداره کشور شـــد. فتنه‌گران در سال ۸۸ با پیاده‌ســـازی آموزه‌های تجربه شده کودتاهای مخملیـــن، با آبروی نظام بازی کردنـــد و دیکتاتورمآبانه، علیه جمهوریت نظام شوریدند و مشارکت هشتادوپنج درصدی و کم‌نظیر را به کام ملت تلخ کردند.

۲ـ تلاش بـــرای مخدوش کردن سازوکارهای قانونی؛ یکی از مقوّم‌های نظام مردم‌سالار دینی در ایران، ســـازوکارهای قانونی آن است. برابـــر اصل ۹۹ قانون اساســـی، ماده ۳ قانـــون انتخابات مجلس شـــورای اســـلامی و ماده ۸ قانـــون انتخابات ریاست‌جمهوری، نظارت بر انتخابات

> **عده‌ای از خـــواص در فتنه پیشگام شـــدند و آن را رهبری کردند، برخی هم از فتنه و سران آن حمایت کردند، سکوت برخی نیز بر دامنه تردیدها افزود و این گروه اخیر نیز عملاً به مردم، نظام و خواص طرفدار حق برای رویارویی با فتنه‌گران و خنثی کردن فتنه کمکی نکردند**

بر عهده شـــورای نگهبان است و این نظارت، اســـتصوابی و عام و در تمام مراحل در کلیهٔ امور مربوط به انتخابات جاری است و وزارت کشور نیز مجری انتخابات اســـت. سران داخلی فتنه و حامیان آنها بارها با توســـل به همین سازوکارهای قانونی به قدرت رسیدند، یا در برخی دوره‌ها، خود آنها متولی همین ســـازوکارها بودند و انتخابات را اجرا کردند؛ اما در ســـال ۸۸ برای پیشـــبرد برنامـــه‌ای از پیش طراحی شده، این سازوکارها را هدف گرفتند. در واقع، هجمه به سازوکارهای قانونی، با اجرای ســـناریوی «تشـــکیک در سلامت انتخابات» از چند ماه پیش از انتخابات شروع شده بود و فتنه‌گران در آســـتانه انتخابـــات نیـــز کمیته غیرقانونی «صیانت از آرا» تشـــکیل و با ادعای تقلب در انتخابات، زمینه اجرای سناریوهای پس از انتخابات و اردوکشی‌های خیابانی را مهیا کردند. براین اساس، رهنمودهای رهبری در دیدار موسوی(یک‌شنبه ۸۸/۳/۲۴)، تدابیر معظم‌له در نماز جمعه تاریخی ۲۹ خرداد یا در نشست با نمایندگان نامزدهای معترض نادیده گرفته شد و فتنه‌گران بی‌اعتنا به مدارای نظام و مهلت پنج روزه برای پیگیری مطالبات از طریق سازوکارهای قانونی، بر ابطال انتخابات اصرار کردند و با فراخواندن هواداران به کف خیابان‌ها، کشور را به آشوب کشیدند.

۳ـ شـــکاف در جامعه؛ رمز پیروزی انقلاب اســـلامی و ماندگاری آن، وحـــدت کلمه آحاد ملت بود؛ اما فتنه‌گران در میان صفوف اقشار ملت شکاف ایجاد کردند و به وحدت ملی و اعتماد عمومی که از مقوّم‌های نظام است، آسیب زدند. در جریان فتنه ۸۸، دودســـتگی و اختلاف تا آنجا پیش رفت که حریم بســـیاری از خانه‌ها و خانواده‌ها، محل بروز اختلاف‌نظرها و انعکاس کشمکش‌های کف خیابان‌ها شـــد. فتنه ۸۸ ســـبب بروز شکاف و اختلاف بین خـــواص و نخبگان نیز شد. عده‌ای از خواص در فتنه پیشگام شـــدند و آن را رهبری کردند، برخی هم از فتنه و سران آن حمایت کردند، ســـکوت برخی نیز بر دامنه تردیدها افزود و این گـــروه اخیر نیز عملاً به مردم، نظام و خواص طرفدار حق برای رویارویی با فتنه‌گران و خنثی کردن فتنه کمکی نکردند. اگرچه با آشکار شدن اهداف فتنه‌گران، معترضان به نتایـــج انتخابات مرز خـــود را با فتنه مشخص کردند و از صف اغتشاشگران جدا شدند و نظام را همراهی کردند؛ اما واقعیت این است که تردیدآفرینی و ایجاد دودســـتگی، در بخشـــی از جامعه رسوب کرد و دست‌کم بخشی از جامعـــه را درگیر نمود و نمی‌توان انتظار داشت که آثار آن به راحتی و در زمانی کوتاه از بین برود.

۴ـ امیدوار کردن دشمنان به ضربه زدن به نظام و بازگرداندن آنها به راهبـــرد براندازی؛ روند پیشرفت کشـــور و افزایش روزافزون اقتدار نظام سبب شده بود که دشمنان از ضربـــه زدن بـــه نظـــام و راهبرد براندازی مأیوس شـــوند؛ اما فتنه ۸۸ بـــار دیگر امیـــد به نابـــودی نظام را به جبهه دشـــمنان نظام بازگرداند، به نحوی کـــه برابر اســـناد موجود، هویت افراد دستگیر شده و اعترافات متهمان در دادگاه، همراه با سفارتخانه برخی کشورها و گروه‌های اپوزیسیون خارج‌نشین که در این فتنه فعال بودند، گروهک‌های ضدانقـــلاب منافقین، کمونیســـت‌ها، حزب تـــوده، انجمن پادشـــاهی، بهائیان، سلطنت‌طلبان،

> **ظلم به نظام از سوی نظام سلطه به رهبری آمریکا و هم‌پیمانان آن که تعارض ماهوی با گفتمان انقلاب اســـلامی و مکتب امام دارد، قابل فهم است، اما فهم و درک ظلم به نظام از سوی کسانی‌که سهمی در انقلاب اسلامی ملت ایران داشتند و خود را شـــاگرد مکتب امام(ره) می‌دانستند مشکل است**

گروهک‌های غیرقانونی ملی ـ مذهبی و... بـــا اعلام حمایت از ســـران فتنه، تلاش کردند انتقام چندین ساله خود از ملت و نظام را در کف خیابان‌های تهران بگیرند. اظهارات مداخله‌جویانه مقامـــات غربی، اقدامات سیاســـی و فعالیت‌های رسانه‌ای آنها در حمایت از فتنـــه‌گـــران، تصویب قطعنامه‌های جدید علیه ایران و تشدید تحریم‌ها و کمک‌های مالی برخی کشـــورهای عرب منطقه خلیج‌فارس به فتنه‌گران در همین راستا صورت گرفت.

۵ـ ضربـــه بـــه آرمان‌های انقـــلاب، اصول نظـــام و مکتب سیاسی امام؛ نظام اسلامی و قانون اساســـی با الهام از آرمان‌های انقلاب اســـلامی و مکتب سیاسی امام شکل گرفت و اصـــل مترقی ولایت مطلقه فقیه، میراث ماندگار آن حضرت است. این مکتب و اصول آن با اســـتکبار و شـــیطان بزرگ، صهیونیسم و رژیم غاصـــب، منافقیـــن و گروهک‌های ضدانقلاب و التقاطی و ملی‌گراها مرز مشخصی دارد، حتی گروهک ملی ـ مذهبی نهضـــت آزادی جایی در این مکتب نـــدارد؛ اما فتنه‌گران که خود مدعی خط امـــام بودند، مرز خود را با این دشـــمنان برداشتند و بستری را مهیـــا کردند که همه دشـــمنان و مخالفان در یک صف گرد هم آیند و آرمان‌های انقلاب و میراث امام را مورد هجوم قرار دهند. آنها حرمت امام را هتک کردند و علیه اصل ولایت فقیه و بدیهی‌ترین شاخصه‌های مکتب امام شعار دادند.

۶ـ حرمت‌شکنی و هجمه به ارزش‌های نظام؛ انقلاب اســـلامی و نظام جمهوری اســـلامی ایران ملهم از آموزه‌هـــای دینـــی و ارزش‌هـــای اسلامی، به ویژه فرهنگ عاشورا است و عاشورا در نزد ملت ایران و حتی در میان اقلیت‌های دینی کشور جایگاه خاصی دارد؛ اما فتنه‌گران در عاشورای ۸۸ حرمـــت شکســـتند و بی‌رحمانه به ارزش‌هـــا و باورهای دینی مردم و عـــزاداران در عاشـــورا یورش ببرند و نشان دادند که با هویت نظام، مبانی و ارزش‌های آن در ستیز هستند.

سخن آخر اینکه؛ ظلم به نظام از سوی نظام سلطه به رهبری آمریکا و هم‌پیمانان آن که تعارض ماهوی با گفتمان انقلاب اسلامی و مکتب امام دارد، قابل فهم است، اما فهم و درک ظلم به نظام از سوی کسانی‌که سهمی در انقلاب اسلامی ملت ایران داشتند و خود را شـــاگرد مکتـــب امام(ره) می‌دانســـتند، همواره از وفاداری به انقلاب اســـلامی، امام، نظام و ولایت دم می‌زدند، مشکل است، ولی به نسل حاضر و نسل‌های آینده می‌آموزد که هوشیار باشـــند و از حوادث گذشته، رفتار خواص و افت‌وخیزهای آن برای مصونیت‌سازی نظام نسبت به آفت‌ها و فتنه‌های آینده عبرت بگیرند.

قاب حماسه

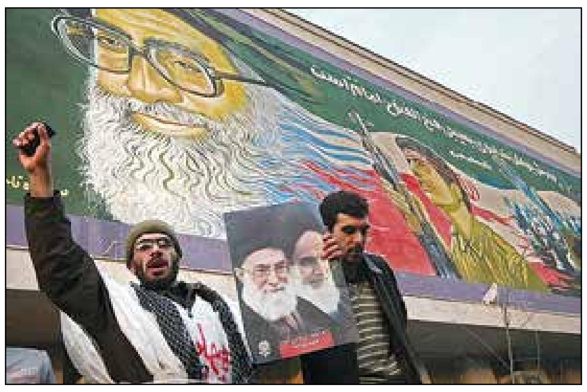

یادداشت

مسئولیت دادن به فتنه‌گران ممنوع!

جواد اسفندارانی / در روایات متعدد از معصومین داریم که در سیره این بزرگواران بخشـــش و عفو بروز و ظهور شایانی داشـــته است و بارها به کسانی که ایشان را با بی‌ادبی و هتاکی مورد خطـــاب قرار دادند یا حتی زبان به ناسزاگویی گشودند، با روی خوش و رفتار حسنه و کریمانه پاسخ دادند. اما همین اهل‌بیت(ع) گاه در مواردی به شـــدت با هر نرمشی مخالفت کرده و افراد را به رفتارهای ســـلبی دعوت می‌کردند؛ برای نمونه درباره تعاون و همکاری با حـــکام جور و طواغیت به هیچ‌وجه کوتاه نمی‌آمدند. در این راستا، داستان صفوان جمال مشهور است که حضرت به او هشدار دادند به اندازه چند روز برای بازگشت اموالش که به دست دستگاه حاکمه امانت داده بود، نباید آرزوی طول عمر برای طاغوت داشت!

نمونه دیگـــر برخورد اهل‌بیت با جریان انحرافی واقفیه اســـت. واقفیه کســـانی بودند کـــه در زمان حضرت موســـی‌بن‌جعفر(ع) از ایشـــان حکم داشتند و کارهای شرعی و دینی مردم را رتـــق و فتق می‌کردنـــد؛ اما پس از شهادت امام هفتم برای آنکه اموالی که نزدشان بود به امام بعد تحویل ندهند؛ امامت امام رضا(ع) را منکر شـــدند و در امام کاظم(ع) توقف کردند و اعلام کردند ایشان همان قائم‌آل‌محمد(عج) اســـت که بـــه غیبت رفته اســـت. از آنجایی که اینان بـــزرگان و نزدیکان امام موســـی(ع) بودند، سخنان‌شـــان در عده‌ای، بـــه ویژه جوانان اثر کرد و فتنه‌ای در میان شیعیان راه انداختند که تا سال‌ها ادامه پیدا کرد.

علت برخورد تند اهل بیت(ع) با این افراد مشخص است؛ جرم کسانی کـــه در مکتب و مذهب ایجاد انحراف و فتنه‌گـــری می‌کنند؛ بـــه هیچ‌وجه قابل چشم‌پوشـــی نیســـت. حضرت آیـــت‌الله مجتبی تهرانـــی در این‌باره می‌فرمایند: «اگر ما به این مسائل ورود نداشته باشیم، مطلب را نمی‌فهمیم و می‌گوییم این رفتارها دوگانه است؛ اما این حرف‌ها به خاطر این اســـت که ما در این موضوعات از مســـائل اساسی و مبنایی بی‌خبریم و از آنها اطلاع نداریم. در جایی که حضـــرات کوتاه آمده‌اند بخشش و عفوشـــان نقش سازندگی داشـــته اســـت؛ اما آنجا که دست از حق‌شان برنداشته و خیلی محکم در مقابل ظلم ایستاده‌اند، موردی بوده که اگر کوتاه می‌آمدند عفو و بخشش آنها نقش تخریبی داشته است. آنجا که پای دین پیش می‌آمد و بحث اسلام مطرح بود، حساس بودند حتی برای گرفتن حق‌شان از دیگران کمک گرفته‌اند.»

بر فرض اینکه اینان مورد عفو قرار گیرند، یقیناً عقلایی نیست که آنها را به امور حســـاس گماشت و از آنان در مناصب مهم استفاده کرد. انسانی که سابقه درخشان داشـــته و در کارنامه خود تأیید امام معصوم را دارد و با حکم امام، به امور مسلمین می‌پرداخته؛ اما در بزنگاه حساس عنان از کف داده است و اسیر هوای نفس شده و اساس امامت و اســـلام را منکر شده است و به نوعی سابقه انحراف و فتنه‌گری دارد، چگونه باید مورد اعتماد باشد؟! از این‌رو احتیاط حکم می‌کند این فرد مانند سایر افرد امت اســـلامی از حقوق اولیه برخوردار باشـــد؛ منتهی نباید انتظار داشت او را در حکومت و مناصب حساس جای داد، چه آنکه هر لحظه ممکن است بار دیگر در ورطـــه فتنه و لغزش افتاده و این‌بار ضربات مهلک‌تری به پیکره اجتماع وارد کند؛ بنابراین برای حفظ جامعه و دوری از خطرات این دست افراد باید آنها را از قدرت دور کرد.کسانی که به ظاهر برای چنین افرادی دل می‌ســـوزانند و مدام ادعای رأفت و رحمانیت می‌کنند، اگر همچون خود آن افراد فتنه‌گر و خائن نباشـــند، غافلانی هســـتند که توجه ندارند چه درخواســـت دور از عقلانیت و منطقی دارند.

از سوی دیگر، باید توجه داشت همان‌گونـــه که در علم رجال شـــیعه واقفیه مذمت و اقوال‌شان مورد قبول نیست، فتنه‌گران توبه کرده نیز اگر چه نباید به کذب متهم‌شان کرد، ولی نباید به ســـخنان و خاطرات‌شان هم وقعی نهـــاد و آنها را توثیـــق کرد. در نتیجه کسانی که سابقه فتنه دارند، اگر توبه نکنند و همچنان به فتنه‌گری و ایجاد جریان‌های معاند و انحرافی مشـــغول باشند، باید منزوی باشند و افراد را از مجالســـت با آنها بر حذر داشت و اگر هم توبه کردند، نباید بار دیگر آنها را به مناصب حاکمیتی مهم گمارد.

تاریخ بخوانید!

من همه دغدغه‌ام این است که جوان انقلابی امروز نداند ما بعد از چه دورانی، امروز در ایران مشغول چنین حرکت عظیمی هستیم. تاریخچه این صدوپنجاه، دویست سال اخیر از دوران اواسط قاجار به این طرف (از دوران جنگ‌های ایران و روس به این طرف) را بخوانید و ببینید چه حوادثی بر این کشور گذشته است.
بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از کارگزاران فرهنگی، ۱۳۷۱/۵/۲۱

روایت یار

امام خامنه‌ای در گذر زمان-۱۲۲
خطیب شجاع جمعه در برابر انفجار

□ سیدمهدی حسینی/ در مطلب گذشته این ستون به نقش محوری امام خامنه‌ای(مدظله‌العالی) در دوران جنگ تحمیلی اشاره شد. در همان ایام نیز نمازهای جمعه به امامت ایشان برپا می‌شد و ایشان خطبه‌های نماز جمعه را می‌خواندند و مردم ایران و جهان را از وضعیت عمومی مسلمانان مطلع می‌کردند، به ویژه در نماز جمعه‌های تهران و خطبه‌های ایشان در دوران هشت سال دفاع مقدس خاطرات و نکات مهم فراوانی نهفته است. تریبون نماز جمعه همواره مورد کینه و دشمنی منافقین بوده و بعضاً دشمنان خارجی هم با منافقین داخلی هماهنگی و هم‌صدایی می‌کنند.

در سال ۶۳ روزهایی که تهران مورد هجوم موشک‌باران عوامل استکبار بود، نماز جمعه تهران را هدف قرار داده بودند. از یک سو جنگنده‌های رژیم متجاوز بعث عراق حریم هوایی ایران را می‌شکستند تا با حملات هوایی مانع حضور مردم در نماز جمعه و اجتماعات شوند و از سوی دیگر منافقین در بین نمازگزاران تهدید به بمب‌گذاری می‌کردند، تا اینکه در نماز جمعه‌ها شرکت نکنند. این جزو روال بود. در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۴ در نماز جمعه تهران حادثه‌ای رخ داد. در این روز منافقین و رژیم متجاوز عراق با انفجار بمب در صف نمازگزاران چندین شهید و ده‌ها مجروح برجای گذاشتند. موج انفجار به قدری شدید بود که اجساد نمازگزاران را قطعه قطعه کرده بود؛ به طوری که قطعات اجساد شهیدان بر روی داربست‌ها و برخی نمازگزاران پاشیده شده بود. در همین هنگام هواپیماهای متجاوزین در آسمان ایران تهدید به بمباران می‌کردند و با ضد هوایی‌ها و شلیک‌های مداوم غوغایی به پا کرده بودند؛ اما در سایه قدرت روحی امام جمعه و آرامش قلبی او و تأییدات الهی همه استوار و محکم بر جای ماندند و صف‌ها همچنان مرتب بود و آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به قرائت خطبه‌های خود با نهایت قدرت ادامه می‌داد، بدون اینکه لرزشی در طنین صدای او پدید آید و سپس نماز را در نهایت طمأنینه و با توجه خاصی قرائت کردند. این اقدام شجاعانه موجب شگفتی دوست و دشمن شده بود.

این حادثه مورد توجه امام خمینی(ره) قرار گرفت، به طوری که در بیانات نوروزی‌شان آن را یادآور شدند و فرمودند: «من فراموش نمی‌کنم قصه روز جمعه را که آن‌طور باشکوه، با نورانیت و با استقامت گذشت، آن‌طور با طمأنینه با آن صداهایی که می‌آمد. با آن رگبارهایی که می‌آمد. من ملاحظه می‌کردم، نگاه می‌کردم، مخصوصاً نگاه می‌کردم که ببینم در بین مردم چه وضعی هست. ندیدم حتی یک نفر را که تزلزلی در او پیدا شود و آن وقت امام جمعه آن‌طور با آن طنین قوی صحبت کرد، مردم آن‌طور گوش کردند و فریاد زدند که ما برای شهادت آماده‌ایم.»

درنگ

تدفین مخفیانه

آیت‌الله غفاری از جمله مجاهدین فی‌سبیل‌اللهی بود که مبارزات خود را همزمان با نهضت امام خمینی(ره) آغاز کرد و بارها زندانی شد. برای آخرین بار در تیر ماه ۱۳۵۳، در تهران دستگیر شد و سرانجام در تاریخ ششم دی‌ماه ۱۳۵۳ بر اثر شکنجه و فشارهای وارده در زندان به شهادت رسید. اداره ساواک از خانواده او خواست بی‌سروصدا برای تحویل پیکر وی به دادستانی ارتش مراجعه کنند. اما خانواده غفاری از امضای برگه فوت خودداری کردند و لذا اداره امنیت مجبور شد به منظور تدفین مخفیانه، پیکر او را شبانه به قم بفرستد.

به این ترتیب، طلاب و مردم قم از موضوع باخبر شده و به‌طرز باشکوهی در تشییع پیکر او در صبح روز هفتم دی‌ماه شرکت کردند. در مسیر تشییع به سمت حرم حضرت معصومه(ع)، عده‌ای از مراجع تقلید نیز به مردم پیوستند. حاضران در این مراسم شعارهایی نیز علیه حکومت سر دادند که به دستگیری عده‌ای از طلاب منجر شد. چند روز بعد، آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی مراسم ختم باشکوهی را برای مرحوم آیت‌الله شیخ‌حسین غفاری در مسجد اعظم قم برگزار کرد.

ثقه‌الاسلام بر چوبه‌دار

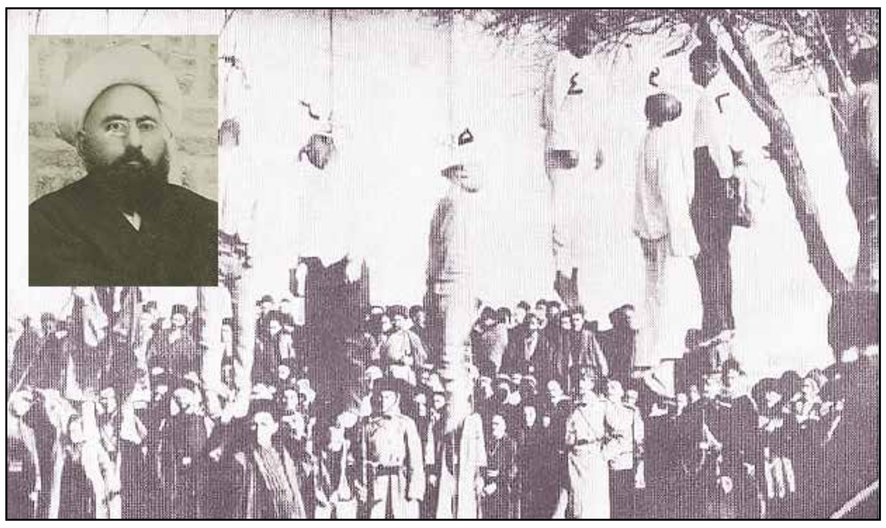

میرزا علی‌آقا ثقه‌الاسلام، فرزند حاج میرزاموسی ثقه‌الاسلام در سال ۱۲۷۷ ق در تبریز دیده به جهان گشود، تحت نظر پدر به فراگیری علوم دینی پرداخت و برای ادامه تحصیلات دینی به عتبات عالیات عزیمت کرد. با کسب درجه اجتهاد پس از هشت سال در ۱۳۰۸ ق به موطن خود بازگشت و پنج سال نزد پدرش به دستیاری وی مشغول بود. با فوت میرزاموسی در رمضان ۱۳۱۹ ق لقب و مستمری‌اش از سوی مظفرالدین شاه به میرزا علی‌آقا رسید و ریاست فرقه شیخیه را که تا پیش از این برعهده پدر بود، عهده‌دار شد.

ثقه‌الاسلام در تبریز با آثار طالبوف، مستشارالدوله و نشریات فارسی‌زبان که در استامبول و کلکته منتشر می‌شدند، آشنا شد و به هواداران مشروطه‌خواهی پیوست؛ در زمانی هم که مشروطه‌خواهان تبریزی به تشویق کنسول انگلیس و در اعتراض به محمدعلی میرزای ولی‌عهد در کنسولگری انگلستان تحصن کردند، ثقه‌الاسلام از مخالفان این تحصن بود و امور مربوط به متحصنان را در مسجد حل می‌کرد. پس از تشکیل انجمن ایالتی تبریز با انجمن در ارتباط تنگاتنگ بود و در عین حال بر آن انتقاد نیز داشت. در یکی از دیدارهای خود به اعضای انجمن گفت: «به عقیده من گرویدن شما به امورات جزئیه اسباب تعطیلی امور شماست و این مردم وقتی انجمن را شناختند، متصل دسته دسته رو به انجمن خواهند گذاشت و شما را از کار باز خواهند داشت، به عقیده من نباید رسیدگی بر امورات جزئیه کنید.»

انجمن تبریز به اندرزهای ثقه‌الاسلام گوش فراناداد و به منظور کسب قدرت در امور بسیاری مداخله می‌کرد. اقتدار این انجمن روز به روز در حال افزایش بود و در بسیاری از موارد ثقه‌الاسلام با سیاست‌های آن همراه نبود و با آنان درگیر می‌شد. در نامه‌ای از وی به این موضوع می‌توان پی برد: «در تبریز هنگامه غریبی است، حد می‌زنند و تعزیر می‌کنند، قیامت است و آشوب در تمام ذرات عالم است... اعضای انجمن از انجمن کناره گرفته‌اند، عجالتاً مردم چند فرقه شده‌اند تا عاقبت چه شود. تمام کارها معوق و حواس من پریشان... .»

ثقه‌الاسلام در عین حال از مخالفان برهم خوردن انجمن بود و به اصلاح آن نظر داشت. در دوره حکومت مخبرالسلطنه بر آذربایجان بین حاکم و انجمن نقش میانجی داشت و زمانی که برخلاف میل انجمن، عین‌الدوله به حکومت آذربایجان منصوب شد، با وی ملاقات کرد و کوشید بین انجمن و حاکم جدید باب گفت‌وگو را باز کند که موفق نشد. بنابراین عین‌الدوله تبریز را ترک کرد و اختیار شهر به دست انجمن افتاد؛ شهر نیز در محاصره قوای دولتی بود و حتی راهی برای رساندن آذوقه به شهر باز نبود. حضور قوای اجنبی روس در نزدیکی تبریز بر هراس ثقه‌الاسلام می‌افزود و برای حل مسئله به باسمنج رفت تا با عین‌الدوله گفت‌وگو کند و برای شاه نیز تلگراف زد.

قرار بر آن شد تا عین‌الدوله به تبریز بازگردد و محاصره شهر برچیده شود؛ اما نه انجمن به خواسته شاه تن می‌داد که حکومت عین‌الدوله بود و نه شاه حاضر بود حکومت را به دیگری واگذار کند. این اختلاف پای قوای روس را به منظور حفظ جان اتباع‌شان در این هنگامه در ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ به تبریز باز کرد. با خلع محمدعلی شاه، بار دیگر مخبرالسلطنه به حکومت آذربایجان منصوب شد و او که به دنبال حمایت ثقه‌الاسلام بود، از وی خواست تا با دموکرات‌ها که سیاستی تند در پیش داشتند همراه شوند؛ اما ثقه‌الاسلام از همکاری با دموکرات‌ها سر باز زد و در نتیجه آنان نیز رجب سرابی را مأمور ترور وی کردند که به نتیجه نرسید.

ثقه‌الاسلام با مکتوبات خود مراجع بزرگ را در جریان تمام تحولات آذربایجان قرار می‌داد و برای خروج قوای بیگانه روس از خاک آذربایجان تلاش بسیار می‌کرد.

روس‌ها نیز با وی سر سازگاری نداشتند. در گیرودار حضور قوای روس، در جمادی‌الاخر ۱۳۲۸ به بهانه پناهندگی یکی از سالدات‌های (سربازان) روس، منزل ثقه‌الاسلام به محاصره قوای قزاق درآمد و خواهان تفتیش خانه‌اش شدند؛ اما ثقه‌الاسلام این اجازه را نداد و در نهایت با دست خالی از خانه وی بازگشتند. ثقه‌الاسلام به «نیکلا» امپراتور روس شکایت برد و کنسولگری روس مجبور شد از وی عذرخواهی کند؛ اما قشون روس قصد خروج از آذربایجان را نداشت و ثقه‌الاسلام به هر شکلی که می‌توانست انزجار خود را از حضور قوای بیگانه اعلام می‌کرد. او به همین منظور، در روزنامه محلی تبریز به مناسبت آغاز سال نو باستانی مقاله‌ای منتشر کرد و در آن به صراحت نوشت: «چون قشون بیگانه در خانه داریم، لذا عیدی برای ما نخواهد بود و از مردم خواستار می‌شود که به دید و بازدید نروند، شیرینی نخورند... زیرا که ملت عزادار است.»

در سال ۱۳۲۹ ماجرای داستان اولتیماتوم روسیه به ایران درباره مورگان شوستر آمریکایی، مستشار مالی پیش آمد که خواهان اخراج او و از ایران بودند. این اولتیماتوم به تعطیلی مجلس دوم و اخراج شوستر منجر شد. در این اوقات کفالت حکومت برعهده ضیاءالدوله بود و تبریز در محاصره شجاع‌الدوله قرار داشت و در شهر آذوقه نبود. مجاهدان مسلح و سالدات‌های روس در شهر فراوان و به دنبال بهانه برای درگیری بودند. روس‌ها خواهان خلع سلاح مجاهدان بودند و به همین منظور به ضیاءالدوله فشار می‌آوردند تا این دستور را صادر کند؛ اما ضیاءالدوله برای این امر چندان تمایلی نداشت. درگیری بین این قوا در شهر آغاز شد. امیرحشمت نیساری که ریاست نظمیه را برعهده داشت، از ثقه‌الاسلام چاره‌جویی کرد و ثقه‌الاسلام که همیشه به دنبال راهی برای گفت‌وگو بود، این دخالت مستقیم قوای اجنبی را تاب نیاورد و خطاب به امیرحشمت گفت: «علیکن بالدفاع یعنی بر شما باد دفاع کردن.»

حال دیگر میدان جنگ بود و مجاهدان در برابر قوای متخاصم روس هیچ حمایتی از تهران نداشتند. در آغاز نیروهای امیرحشمت بر روس‌ها غلبه یافتند و جنگ به سختی در محلات تبریز جاری بود تا آنکه در نشستی کنسول روس و کنسول انگلیس و فرانسه در مقابل ضیاءالدوله و ثقه‌الاسلام به مذاکره نشستند. در این مذاکره قرار بر این شد که مجاهدان و افراد امیرحشمت خلع سلاح و از شهر خارج شوند تا جنگ پایان یابد؛ اما روس‌ها خدعه کردند و نیروهای تازه‌نفس خود را به شهر بی‌دفاع فرستادند. ثقه‌الاسلام برای مذاکره با کنسول روس به کنسولگری رفت؛ اما مذاکره با کنسول روس نتیجه‌ای نداشت و ثقه‌الاسلام از همه یاران و نیروهای مجاهد خواست تا شهر را ترک کنند و چون از او پرسیدند «پس شما چه می‌کنید؟ پاسخ داد من کار خود را به خدا می‌سپارم؛ افوض امری الی‌الله.» او تنها در میان دشمنان بیگانه به انتظار بود، شهر را قوای روس در اختیار داشتند تا اینکه در روز تاسوعا، ثقه‌الاسلام از خانه خود خارج شده بود که در میان راه به دست صاحب‌منصبان روس دستگیر شد و او را به بهانه آنکه در کنسولگری جلسه‌ای برپاست، به کنسولگری بردند. کنسول روس در این دیدار از او خواست تا استشهاد دهد که قوای روس در این بلوا سهمی نداشته و گناه بر گردن مجاهدان بوده است، اما ثقه‌الاسلام از پذیرش این تقاضا سر باز زد و برای آنکه مبادا از مُهرش استفاده شود، مهر عقیق خود را زیرپا گذشت و شکست. در این میان «میلر» کنسول انگلیس نیز حضور داشت و او نیز به این کار اصرار داشت و می‌خواست تا ثقه‌الاسلام حقانیت روس‌ها را در این نبرد تأیید کند؛ اما باز هم پاسخ منفی شنید. او برای راضی کردن ثقه‌الاسلام منشی ایرانی کنسولگری را به مذاکره با ثقه‌الاسلام دعوت کرد و منشی سفارت به ثقه‌الاسلام هشدار داد که در صورت امضا نکردن این گواهی اعدام خواهد شد. پاسخی که شنید، این بود: «میرزا علی‌اکبرخان تو که مسلمان و ایرانی هستی، چگونه می‌خواهی من سندی امضا کنم که دشمنان اسلام را برای کشور خود مسلط سازم.»

هیچ راهی برای به راه آوردن ثقه‌الاسلام وجود نداشت. به او بسیار بی‌احترامی کردند و با اهانت بسیار او را به دادگاه باغ شمال بردند. در صبح عاشورای ۱۳۳۰ ق در دادگاهی که قاضی آن روس بود، محاکمه و به اعدام محکوم شد. ثقه‌الاسلام خطاب به یاران محکوم دیگرش گفت: «... برای حیات دنیا خود را در مقابل دشمن حقیر و مخوف نشان ندهید و هیچ وقت واقعه کربلا را فراموش نکنید که خانواده رسالت آن مصائب فوق طاقت را با چه متانت و بردباری استقبال نموده و به تمام شداید متحمل شدند... اگر سرگذشت آل‌علی را در شب عاشورا در نظر گرفته باشید، آن وقت به این اندازه مضطرب و متوحش نخواهید شد. امشب شب عاشورا است، ما هم باید در چنین شب به تمام شداید و مضایق صبر و افتخار بکنیم که این همه شکنجه و آزار که به ما می‌رسد در راه حب وطن و در راه ملت اسلام است.»

سرانجام ثقه‌الاسلام به همراه هفت نفر دیگر در عصر عاشورا در میدان مشق به دست جلادان روس اعدام شد. او پیش از شهادت دو رکعت نماز به جا آورد و خطاب به شیخ سلیم گفت: «چه سعادتی بالاتر از اینکه در این ایام به فیض شهادت نایل می‌شویم و همه با شهیدان کربلا محشور خواهیم شد.»

تاریخ جهان

افغانستان ویتنام شوروی

در ۶ دی ۱۳۵۸(۲۴ دسامبر ۱۹۷۹) به فرمان «لئونید برژنف» رهبر شوروی، سپاه چهلم این کشور وارد افغانستان شد و تا اینکه در دوران «میخائیل گورباچف» آخرین رهبر این کشور، عقب‌نشینی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷(۱۵ می ۱۹۸۸) آغاز و آخرین گروه در ۲۶ بهمن ۱۳۶۷(۱۵ فوریه ۱۹۸۹) از افغانستان خارج شد.

در پی کشته شدن نورمحمد تره‌کی، عامل کودتای کمونیستی در افغانستان به دست حفیظ‌الله امین، شوروی دریافت که امین فرد مناسبی برای حفظ منافع این کشور در افغانستان نیست.

بنابراین، ارتش شوروی به دستور لئونید برژنف، رهبر و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با این بهانه که دولت قانونی افغانستان از آنها کمک خواسته است، به خاک این کشور حمله کرد. به این ترتیب، در شب ششم دی سال ۱۳۵۸ نیروهای شوروی تهاجم همه‌جانبه‌ای را از زمین و هوا به خاک افغانستان آغاز کردند و از مسیرهای بندر «شیرخان»، بندر «حیرتان»، بندر «تورغندی» و مسیر «اشکاشم» به این کشور هجوم آوردند.

ارتش سرخ شوروی که شامل صدها تانک، نفربر زرهی و کامیون‌های مملو از سرباز این ارتش بود، با پشتیبانی هواپیماها و بالگردهای جنگی در نقاط از پیش تعیین‌شده در خاک افغانستان مستقر شدند.

فرماندهی ارتش شوروی در ترمذ، واقع در مرز ازبکستان با افغانستان، از طریق رادیو کابل اعلام کرد، افغانستان از سیطره حکومت امین رها شده است. بنا بر اظهارات پولیت برو(کمیته اجرایی حزب کمونیست) اتحاد شوروی به تبع معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری اقدام به گسیل نیرو به افغانستان کرده است و حفیظ‌الله امین از طریق دادرسی که شورای مرکزی انقلابی افغانستان صورت داد، اعدام شده است.

شورای انقلابی در آن موقع «ببرک کارمل» معاون سابق نخست‌وزیر و رهبر جناح پرچم را که به دنبال تصاحب قدرت به وسیله جناح خلق، به سمت کم‌اهمیت سفارت چکسلواکی تنزل مقام یافته و سپس عزل شده بود، برای رهبری دولت جدید انتخاب کردند که در حقیقت دست‌نشانده مستقیم شوروی بود.

با دخالت مستقیم نیروهای نظامی شوروی در افغانستان، مبارزه مجاهدین افغانی با رژیم کمونیستی این کشور که از زمان کودتای نورمحمد تره‌کی علیه دولت داود خان آغاز شده بود، ابعاد گسترده‌ای می‌گیرد و به یک جنگ تمام‌عیار مبدل می‌شود. در اواسط سال‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی نیروهای رژیم کمونیستی افغانستان و حدود ۲۰۰ هزار نظامی شوروی کنترل شهرها و راه‌های ارتباطی اصلی را در دست داشتند؛ اما قادر نبودند مجاهدین افغانی را شکست دهند.

احمدشاه مسعود، برجسته‌ترین فرمانده مجاهدین بود که لقب «شیر پنجشیر» را داشت و با وجود بمباران‌های سنگین هوایی و تجهیزات مدرن ارتش شوروی هرگز اجازه نداد آنها بر دره پنجشیر مسلط شوند. «عبدالحفیظ منصور» یکی از شخصیت‌های جهادی در دره پنجشیر و نویسنده کتاب «پنجشیر در دوران جهاد» تلفات و خسارات نیروهای ارتش سرخ در یکی از جنگ‌های دره پنجشیر را این‌گونه ذکر کرده است: «در این حمله، شش هزار نظامی(سرباز) روسی و داخلی به هلاکت رسیده و ۱۵۰۰ تن از سربازان داخلی به اسارت درآمد و هواپیماهای ساقط شده جت و هلی‌کوپتر ۴۵ فروند و تعداد تانک‌ها و سایر وسایل نقلیه منهدم شده شوروی ۷۰۰ دستگاه ذکر شده است.»

سرانجام در دوران میخائیل گورباچف، دولت شوروی به این نتیجه رسید که در یک باتلاق گرفتار شده است، لذا در سال ۱۳۶۴ خورشیدی «گورباچف» رهبر اتحاد جماهیر شوروی به دیگر سران حزب کمونیست پیشنهاد داد راهی برای خروج از افغانستان پیدا کنند. وی همچنین در تاریخ ۲۴ آبان سال ۱۳۶۴ در یک سخنرانی علنی در کنگره حزب کمونیست اعلام کرد، باید وضعیت نظامی خود را در افغانستان تغییر دهیم، وگرنه باید بیست یا سی سال دیگر به همین شکل بی‌سرنوشت در افغانستان بمانیم.

سرانجام ببرک کارمل استعفا داد و نجیب‌الله جانشین او شد. در روز ۱۵ آوریل سال ۱۹۸۸ بر اساس توافق‌های ژنو که میان شوروی، آمریکا، افغانستان و پاکستان امضا شد، اشغال افغانستان به دست شوروی خاتمه یافت و نیروهای شوروی در روز ۱۵ فوریه سال ۱۹۸۹ میلادی از خاک افغانستان عقب‌نشینی کردند. آخرین مرحله از خروج نیروهای شوروی از افغانستان در ۲۶ بهمن ماه سال ۱۳۶۷ خورشیدی با عبور از پل رودخانه «آمو»(دوستی) در منطقه حیرتان در شمال افغانستان از این کشور به پایان رسید. «بوریس گروموف» فرمانده ارتش سرخ شوروی در افغانستان، یک روز پس از اینکه نیروهایش را از رودخانه آمو به سمت خاک شوروی عقب کشید، گفت: «در گرداب خطرناکی گرفتار شده بودیم، نجات ما شبیه یک معجزه بود.»

این جنگ بیش از یک میلیون کشته و نزدیک به پنج میلیون مهاجر و آواره بر جای گذاشت. گروه‌های مجاهدین که علیه دولت افغانستان و اشغال کشور فعالیت داشتند، مورد پشتیبانی‌های مالی و نظامی از منابع مختلف، از جمله ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، بریتانیا، پاکستان، ایران، مصر، اندونزی، کانادا، جمهوری خلق چین و دیگر کشورها قرار داشتند و در مقابل دولت افغانستان تحت پشتیبانی هند نیز قرار گرفته بود.

جنگ افغانستان نقطه عطف مهمی در دوران جنگ سرد به شمار می‌آید و همچنین سهم بزرگی در پایان جنگ سرد دارد. گفتنی است، به واسطه روند طولانی درگیری‌های خونبار، جنگ افغانستان به «جنگ ویتنام شوروی» تشبیه شده و از دیگر نام‌های مشهور آن «تله خرس» است.

تاریخ ایران

انگلیسی‌ها و قحطی نان در ایران

□ عبدالله شهبازی/ مهم‌ترین مسئله‌ای که در دوره اشغال ایران به دست قوای متفقین، سبب رنج توده‌های مردم شده بود، قحطی نان و غله بود. این موضوع به مرور خود را نشان داد تا آنجا که دولت در آغاز سال ۱۳۲۱ مجبور شد کوپن قند و شکر و ارزاق عمومی توزیع کند. این کمبود حتی شامل حال دولتمردان و رجال سیاسی نیز شد، به گونه‌ای که حسن اسفندیاری، رئیس‌مجلس شورای ملی برای رفع این کمبود دستور داد در باغ بهارستان سیب‌زمینی و حبوبات بکارند. همچنین، دولت در اردیبهشت سال ۱۳۲۱ ممنوعیت صدور حبوبات، غلات و گوشت را تصویب کرد. در مناطق دور از مرکز اوضاع نابه‌سامان‌تر بود؛ چنان‌که در خراسان به مرز قحطی رسید؛ از همین رو کارگزاران حکومت به خرید غله و آرد از متفقین مجبور شدند.

تمهیدات دولت ایران نتیجه‌ای در بر نداشت؛ چراکه مداخلات و زیاده‌خواهی‌های اشغالگران در این حوزه نیز بر نابه‌سامانی‌ها افزود، از آن جمله «فلیچر» مأمور سیاسی انگلستان در کرمانشاه با دخالت‌هایی که در امور خبازخانه‌ها می‌کرد، امر تولید نان را مختل کرد. وی مداخله را به حدی رسانده بود که حاکمیت ملی را خدشه‌دار می‌کرد و با تحقیری که در حق نانوایان اعمال می‌کرد، نارضایتی‌ها را دامن می‌زد. همچنین متفقین به ویژه انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها در امر واردات کالاهای اساسی به ایران نظارت داشتند و آن را سهمیه‌بندی کرده بودند. اقدامی که اگرچه به بهانه جلوگیری از احتکار صورت گرفت؛ اما ایران را با کمبود و قحطی روبه‌رو کرد. در مقابل، اشغالگران به ویژه انگلیسی‌ها خود در خروج غله از ایران به طور غیر قانونی مشارکت فعال داشتند.

افزون بر دخالت متفقین در خروج غیر قانونی ارزاق از کشور، بخش زیادی از ارزاق کشور به مصرف قوای متفقین و مهاجرین لهستانی می‌رسید. در این میان اشغالگران حاضر نبودند نقش و مسئولیت خود را در کمبود و قحطی بپذیرند. این در حالی بود که آنان به جز اقدام برای خروج غله و ارزاق از چرخه مصرف داخلی، تقاضاهایی نیز به طور رسمی داشتند. تقاضاهایی که در صورت برآورده نشدن با تهدید ممانعت از صدور محصولات آذربایجان و خراسان(مناطق تحت اشغال روس‌ها) به دیگر مناطق کشور روبه‌رو می‌شد. این در حالی بود که متفقین تعهد کرده بودند از خواربار ایران برای مصرف نیروهای داخلی‌شان استفاده نکنند. تأسف‌آور آنکه متفقین با تمامی مشکلاتی که در امر غله و نان برای ایرانیان به وجود آورده بودند، از تلاش‌های دولت ایران برای خرید و وارد کردن مایحتاج ضروری مردم جلوگیری می‌کردند؛ برای نمونه انگلیسی‌ها با اجاره کشتی از سوئد برای حمل آذوقه، به بهانه حضور این کشور در بین دول متحد مخالفت کردند. زمانی هم که ایران برای حمل آذوقه دست به دامان آمریکایی‌ها شد، آنها اختیار بارگیری کشتی‌ها به مقصد ایران را با روس‌ها دانستند و با این بهانه از مسئولیت شانه خالی کردند.

در نهایت، قحطی و کمبود نان در کشور به حدی رسید که افراد زیادی جان خود را از دست دادند. حتی در عرصه سیاسی مسئله نان موجب شورش عمومی در هفدهم آذر ۱۳۲۱ در تهران شد. مردم معترض به همراه دانشجویان و دانش‌آموزان به سمت میدان بهارستان حرکت کرده و در اعتراض به وضعیت نان به مشاجره با نمایندگان پرداختند. بسیاری از مغازه‌ها در سطح شهر غارت و حتی خانه نخست‌وزیر، احمد قوام به آتش کشیده شد. شورش نان، کشور را در وضعیت بحرانی قرار داد و نتیجه شوم دیگری از اشغال کشور و مداخلات اشغالگران در تاریخ حیات مردم ایران ثبت کرد.

تاریخ حماسه

استفاده از فرصت تغییر در موازنه قوا

□ محمد درودیان/ پیش از آغاز تهاجم نظامی و در دوران جنگ عراق با ایران، نظام دوقطبی بر جهان حاکمیت داشت و معمولاً کشورهای مختلف یا به یکی از این دو قطب وابسته بودند یا از نظر سیاسی، همسو با یکی از آنها تلقی می‌شدند. رقابت بین کشورها نیز بر اساس نوع گرایش سیاسی آنها به یکی از دو ابرقدرت شکل می‌گرفت. بسیاری از جنگ‌ها به صورت نیابتی، به دست یکی از دو قدرت جهانی برنامه‌ریزی و از جانب کشورهای وابسته اجرا می‌شد. حتی گاهی اوقات، وقتی یک ابرقدرت با کشوری می‌جنگید، ابرقدرت رقیب، کشور جنگ‌دیده را از نظر تسلیحاتی، مالی، تبلیغاتی و سیاسی حمایت می‌کرد. جنگ ویتنام و جنگ کره نمونه‌های خوبی از جنگ‌های نیابتی هستند. در دورانی که حاکمیت عراق تحت سیطره حزب بعث قرار داشت، کشور عراق جزء بلوک‌بندی ابرقدرت شرق، یعنی شوروی سابق تلقی می‌شد. که یکی از قدرت‌های حاکم بر جهان به شمار می‌رفت. در این وضعیت با پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین اتفاقی که در ساختار سیاسی منطقه رخ داد، این بود که ایران از مدار سیاست‌های آمریکا خارج شد. این تغییر وضعیت در ایران موجب شد تا منافع آمریکا در منطقه خلیج‌فارس و تا حدودی در خاورمیانه تهدید شود. آنچه در جریان نهضت اسلامی در ایران اتفاق افتاد، کودتای نظامی نبود؛ بلکه یک حرکت همگانی مردمی بود که به ظهور انقلاب و تحول اساسی در کشور انجامید. نهضت مردم ایران که از ماهیت انقلابی برخوردار بود، استعداد عظیمی در صدور اندیشه انقلاب و به تبع آن معادلات منطقه‌ای داشت.

بر همین اساس، حزب بعث عراق می‌کوشید تا سایر حکومت‌های عربی را از برپایی جمهوری اسلامی ایران نگران کند و حکومت عراق را در مقابل موج آزادی‌خواهی بلند شده از ایران، حامی کشورهای عربی نشان دهد. از سوی دیگر، تغییر نظام قدرت و ساختار حاکمیتی در ایران، موجب فروپاشی یکی از دو ستون اساسی قدرت آمریکا در منطقه خلیج‌فارس شد. در آن زمان، راهبرد آمریکا برای حفظ امنیت مخازن نفتی و خطوط انتقال انرژی در آب‌های خلیج‌فارس، تکیه بر دو ستون ایران و عربستان سعودی بود؛ البته نقش ایران در حفظ امنیت خلیج فارس به مراتب برتر از عربستان بود و برای آمریکا اهمیت بیشتری داشت. این ستون در حالی فرو ریخت که هیچ جایگزینی در آن مقطع زمانی برای اجرای راهبرد آمریکا در خلیج‌فارس وجود نداشت. بنابراین، با ظهور پدیده انقلاب اسلامی، موازنه قوا در منطقه خاورمیانه به کلی تغییر کرد. از آنجا که آمریکا برای حفاظت از امنیت خلیج فارس همه منافع و سیاست‌های خود را در چارچوب «راهبرد دو ستونه»، یعنی دو ستون ایران و عربستان، تعریف کرده بود، با ظهور جمهوری اسلامی در ایران یک «خلأ راهبردی قدرت» در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به وجود آمد؛ به همین دلیل عراق تلاش کرد تا از این فرصت بهره ببرد و همزمان با حل مشکل ژئوپلیتیکی خود، اهدافی را به منظور برتری‌جویی در جهان عرب و جنبش غیر متعهدها دنبال کند.

شوخی کوزموپولیتیسم در دنیای جنگ‌وستیز

رضا داوری‌اردکانی گفت: کوزموپولیتیسم هر چند که از ابتدا یک وهم خوش‌بینانه و ساده‌لوحانه درباره تحقق فرد آزاد در جهان صلح و آزادی بود، از آن حیث که با اندیشه منورالفکری تناسب داشت و به کلی بی‌وجه نبود، اما اکنون که رؤیای صلح دائم بر باد رفته و سیاست رسمی در کانون‌های دموکراسی اروپا و آمریکا از رسم بیگانه‌ستیزی استقبال می‌کند، شاید کوزموپولیتیسم یک شوخی باشد.

سیاست‌نامه

اندیشه سیاسی مسلمانان ـ ۳۷۴

امر به معروف و نهی از منکر از منظر علامه بهبهانی

□ فتح‌الله پریشان/ تقویت مکتب اصولی از سوی علامه وحید بهبهانی و استمرار آن طی دو قرن اخیر، فصل جدیدی از حیات سیاسی شیعیان در عصر غیبت را گشود و موجب رشد تفکر سیاسی در فقه شیعه، گسترش حوزه اختیارات فقیه و اقتدار عالم دینی در عرصه سیاست و سرانجام برپایی حکومت دینی به دست امام خمینی(ره) در ایران شد. ضرورت شناخت پیشینه تفکر سیاسی شیعه مستلزم بازکاوی اندیشه‌های وحید بهبهانی بود که در سلسله مقالات گذشته سعی کردیم زندگی و اندیشه‌های سیاسی وی را درباره دین و سیاست، حکومت و انواع آن، تقیه و تعامل با حکام جور، مسئله ولایت فقیه، شرایط و اوصاف حاکم اسلامی تبیین کنیم. این شماره به عنوان آخرین مقاله از منظومه فکری علامه وحید بهبهانی، با تبیین اندیشه و نگاه خاص وی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر تتمه این بررسی‌ها و مقالات خواهد بود.

از مسائل اساسی دین مبین اسلام که در فقه سیاسی به آن توجه زیادی شده و در فقه از آن با عنوان «احکام حسبه» یاد می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر است. اهمیت این مسئله در عرف و فرهنگ سیاسی اسلام و نیز گستره قلمرو آن موجب شد تا روابط سیاسی، اجتماعی و دینی مردم با مردم، مردم با دولت و دولت با مردم بر اساس آن تبیین و تنظیم شود. در منابع روایی بالاترین مرحله و برترین مصداق جهاد، امر به معروف و نهی از منکر در برابر سلطان ستمگر معرفی شده است.

آنچه در بحث امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه وحید بهبهانی جلب توجه می‌کند، استفاده وی از قاعده حسن و قبح عقلی برای صدور حکم جواز برخی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. به اعتقاد بهبهانی، بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری انسان‌ها در حوزه زندگی فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و دینی مسلمانان از آثار و پیامدهای حکومت‌های جائر در تاریخ اسلام است. بهبهانی با تمسک به قاعده حسن و قبح عقلی در اثبات مشروعیت اصل امر به معروف و نهی از منکر و با ارائه تحلیل عقل‌گرایانه که از ویژگی‌های مکتب فقهی اوست، جلوگیری از ارتکاب منکرات و فحشا را حسن محض تلقی می‌کند، هر چند در رسیدن به این هدف در مواردی که به کشتن و از بین بردن فاعل منکر بینجامد و در موارد ویژه که تحقق امر به معروف و نهی از منکر به ارتکاب امور حرام موقوف شود، با حفظ حرمت و قبح ذاتی این امور محرم، فتوا به جواز ارتکاب آنها از باب مقدمه واجب می‌دهد.

در این راستا، بهبهانی کشتن کافران فاجر ظالم و مفسد فی‌الارض که مؤمنان را می‌کشند، اموال آنها را به غارت می‌برند، زنان و فرزندان آنها را به اسارت می‌گیرند، به محدوده جغرافیایی اسلام تجاوز می‌کنند، قرآن را به آتش می‌کشند، مساجد را تخریب می‌کنند و... را قبیح تلقی نمی‌کند و جهاد با آنها را از نظر عقلی از افعال حسن محض می‌داند.

بر اساس این تحلیل هر امری که از نظر عقلی حسن فعلی داشته باشد، معروف تلقی می‌شود و هر آنچه قبح فعلی داشته باشد، منکر به شمار می‌آید. همچنین، گستره امر به معروف و نهی از منکر بسیار توسعه می‌یابد و اجرای این اصل مهم را برای آمران به معروف و ناهیان از منکر از لحاظ نظری و شرعی تسهیل می‌کند.

وحید بهبهانی در فتاوای فقهی خود به اموری که می‌تواند اصل کلی تلقی شود، امر کرده و در صورت تمکن، آنها را بر مکلفان واجب دانسته است. این امور عبارتند از:

۱ـ هدایت کافران و گمراهان و اخراج آنها از کفر و گمراهی(اصل دعوت)؛
۲ـ اعانت بر بّر و نیکی در جامعه؛
۳ـ استنقاذ و نجات از هلاکت و مانند آن؛
۴ـ سعی در تشیید دین و ترویج حق و صواب؛
۵ـ تألیف قلوب به سوی حق.

البته روشن است بسیاری از مواردی که به منزله مصادیق امر به معروف و نهی از منکر ذکر شد، خارج از حوزه اختیارات افراد و قدرت آنان است و تنها از عهده حاکمان اسلامی برمی‌آید و از کار ویژه‌های حکومت اسلامی محسوب می‌شود.

مسئله «وجوب مقدمه واجب» از نکات قابل توجه در دیدگاه وحید بهبهانی درباره امر به معروف و نهی از منکر است. وی معتقد است، اگر امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر انجام امور محرمی شود و ذی‌المقدمه اهم باشد، در این صورت محذورات شرعی مباح و چه بسا واجب می‌شود، مانند وجوب کشتن مؤمنان زاهد، عابد، زنان و اطفال ایشان در هنگامی که کفار از آنها به منزله سپر دفاعی استفاده کنند.

از نظر تحلیل عقلی، هر چند قبح ذاتی امور محرمه که به واسطه مقدمه واجب اهم مباح شده‌اند، به حسن ذاتی تبدیل نمی‌شود؛ ولی با حفظ قبح ذاتی آنها، این امور محرم می‌تواند به عنوان واجب توصلی و مقدمی برای امتثال واجب مهم‌تر مورد امر شارع قرار گیرد، مانند دروغ گفتن برای نجات نفس نبی یا مؤمن دیگر.

***منابع در دفتر هفته‌نامه موجود است.**

کتابخوان

وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی

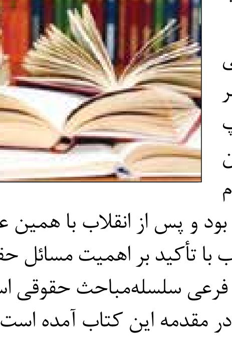

استاد مرحوم آیت‌الله عمیدزنجانی از چهره‌های ماندگار فضل و فرهنگ این کشور است که بیش از چهل کتاب مفید و ارزشمند و بالغ بر ۷۰ مقاله علمی ـ تحقیقی از خود به یادگار گذاشته است. در این نوشته دو کتاب از وی را معرفی می‌کنیم.

کتاب «وطن و سرزمین و آثار حقوقی آن از دیدگاه فقه اسلامی» که دفتر نشر فرهنگ اسلامی چهار بار آن را به چاپ رسانده است. چاپ اول این کتاب با عنوان «اقامتگاه و آثار حقوقی آن» را نشر الهام پیش از انقلاب به بازار نشر عرضه کرده بود و پس از انقلاب با همین عنوان سه بار به زیور طبع آراسته شد. این کتاب با تأکید بر اهمیت مسائل حقوقی اسلامی، بحثی درباره یکی از موضوعات فرعی سلسله‌مباحث حقوقی اسلام، یعنی «وطن و سرزمین» ارائه داده است. در مقدمه این کتاب آمده است: «نه ایدئولوژی اسلامی ارتباطی به حدود ارضی و مرز جغرافیایی دارد و نه قلمرو دولت اسلام به وسیله حدود زمینی قابل تحدید می‌باشد؛ ولی در شرایطی که ایده نهایی اسلام جامه عمل نپوشیده و آثار حقوقی و سیاسی اقامتگاه و وطن از مسائل زندگی بشری محسوب می‌گردد، اسلام نیز ناگزیر نمی‌تواند از این واقعیت ولو به صورت موقت چشم‌پوشی کند و برای حل آن طرحی ارائه ندهد»؛ از این رو مسئله اقامتگاه و وطن به منزله اصلی قابل توجه در زندگی بشر از نظر حقوقی اجتماعی و بین‌المللی مورد توجه واقع شده و از نظر حقوقی و سیاسی منشأ اثر فراوان است. گفتنی است، این کتاب در هفت فصل تدوین شده است.

دیگری کتاب ده جلدی «فقه سیاسی» که در واقع از مهم‌ترین آثار مرحوم استاد عمیدزنجانی است و شاید نخستین اثر در این زمینه به زبان فارسی است که پس از انقلاب اسلامی تألیف و منتشر شده و در بعضی از دانشگاه‌ها، بخش‌هایی از آن تدریس می‌شود. این مجموعه نفیس و علمی که انتشارات امیرکبیر از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۸۴ به تدریج چاپ و وارد بازار کرده است، در سال ۱۳۸۴ از سوی جامعه علمی حوزه به عنوان کتاب نمونه و اثر نفیس اسلامی معرفی شد.

جریان‌شناسی فکری ـ فرهنگی ایران معاصر ـ ۴۹

زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی پیدایش بهائیت

□ جعفر ساسان ـ داوود عسگری/ پیدایش فتنه‌ها و فرقه‌ها، معلول شرایط خاص سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است که بدون شناخت این شرایط نمی‌توان به درک جامعی از یک فرقه یا گروه دست یافت. در واقع، با توجه به اینکه فرقه‌ها در خلأ به وجود نمی‌آیند و پیدایش آنها در جامعه‌ای با مختصات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اتفاق می‌افتد، برای شناخت یک فرقه باید زمینه‌های پیدایش آن را نیز بررسی کرد.

در ایران معاصر، وجود زمینه‌هایی همچون حاکمیت استبداد، عقب‌ماندگی، انحرافات فکری و عقیدتی، قدرت‌طلبی و دخالت بیگانگان به پیدایش فرقه‌های متعددی انجامیده است. فرقهٔ بهائیت نیز که یکی از مهم‌ترین آنهاست و در بابیه و شیخیه ریشه داشته است و به فاصلهٔ کوتاهی پس از ظهور آنها در ایران ظاهر شد، از این امر مستثنا نیست.

شرایط سیاسی و اجتماعی

فرقه ضاله بهائیت متأثر از شرایط خاص جامعهٔ ایران در عصر قاجار ایجاد شد. بدون بررسی این شرایط، تحلیل این فرقه نیز چندان با واقعیت تطابق نخواهد داشت. ناگفته نماند که ذکر شرایط و زمینه‌ها، به معنای اثرپذیری مستقیم فرقه و انتساب فرقه به زمینه‌ای خاص نیست؛ بلکه هدف، ارایه تصویری از جامعهٔ ایران در زمان پیدایش این فرقه و اثرپذیری مستقیم یا غیر مستقیم آن از شرایط است.

عصر قاجار یکی از تاریک‌ترین دوران‌های سیاسی در تاریخ ایران است. این سلسله که به مدد قدرت نظامی و جنگاوری ایل قاجار و به دست آغامحمدخان تأسیس شد، رویه‌ای استبدادی در پیش گرفت و برای مردم، نقش چندانی در حکومت و سیاست قائل نبود. در واقع، پادشاه ظل‌الله بود و فرمان او مُطاع و مردم رعیت و مطیع بودند. همین جدایی حکومت از مردم، سبب وابستگی به بیگانگان و در رأس آن، روسیه و انگلیس شد و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر مردم ایران تحمیل کرد.

«در دورهٔ قاجاریه و به‌ویژه عصر فتحعلی‌شاه، ایران نتوانست از بحران‌های بین‌المللی سود ببرد. قسمت‌های زرخیز از این کشور جدا و قراردادهای ترکمانچای و گلستان بسته شد.»[1]

البته در دورهٔ قاجار، حاکمیت ایران یکپارچه شد؛ اما در ادامه به دلیل ضعف و بی‌لیاقتی شاهان قاجار، ایران به کشوری وابسته و منفعل تبدیل شد. نخستین اثر این بی‌لیاقتی، شکست ایران در دو جنگ خانمان‌سوز با روسیه و تحمیل دو قرارداد ننگین گلستان و ترکمانچای بود که بر اساس آنها بخش عظیمی از سرزمین ایران جدا شد و مردم ایران را دچار سرخوردگی کرد. «اولین نتیجهٔ قرارداد ترکمانچای، تحقیر روحیهٔ ایرانی و شکست ابهت ایران بود.»[2]

با این قرارداد، دخالت بیگانگان در ایران رسمیت یافت و روسیه به حمایت از فرزندان عباس‌میرزا برای رسیدن به حکومت متعهد شد. در واقع، جدایی حکومت از مردم، سبب ضعف حکومت و باز شدن پای بیگانگان به کشور شد تا هر چه بیشتر به تحکیم منافع خود بپردازند. یکی از ترفندهای آنان برای رسیدن به اهداف خود، فرقه‌سازی و ایجاد اختلاف در جامعه بود.

از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز جامعهٔ ایران در عهد قاجار در وضعیت نابسامانی قرار داشت؛ فقر و بیماری و فساد تشدید شد، امنیت کاهش یافت و عدالت کمرنگ شد. اقتصاد ایران نیز معیشتی بود؛ ثروتی تولید نمی‌شد و قدرتی برای دولت ایجاد نمی‌کرد.

دورهٔ قاجاریه مصادف با دورهٔ شکوفایی رنسانس و انقلاب صنعتی اروپا، وقوع انقلاب فرانسه و دورهٔ انحطاط ایران بود. در دورهٔ صفویه، ایرانیانی که به اروپا می‌رفتند، احساس شکوه و قدرت می‌کردند؛ اما در دورهٔ قاجاریه از این احساس خبری نیست؛ بلکه حتی عکس آن دیده می‌شود. رابطهٔ مردم با قاجاریه، رابطهٔ مظلوم با ظالم بود و البته قاجارها برای اینکه بتوانند خود را در برابر نارضایتی مردم و سستی کشور حفظ کنند، گاه به اروپا متوسل می‌شدند.[3]

بنابراین، از نظر سیاسی و اجتماعی، شیخیه، بابیه و بهائیت در حالی در ایران شکل گرفتند که دولت ضعیف، وابسته و شکست‌خورده بود، مردم در فقر و مشقت به سر می‌بردند و به آنان توجهی نمی‌شد؛ همچنین عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی فرهنگی، مورد تاخت‌وتاز بیگانگان بود.

شرایط فکری و فرهنگی

از نظر فکری و فرهنگی نیز ایران عصر قاجار شرایط ویژه‌ای داشت. این شرایط ویژه، از سویی به دلیل نقش ویژهٔ علما در حوادث سیاسی و اجتماعی بود. و از سوی دیگر به دلیل حضور بیگانگان و آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب بود که به نزاع سنت و مدرنیته دامن زد.

نقش علما در سیاست و اجتماع، در دوره‌های خاص با توجه به شرایط مکانی و زمانی، متفاوت بوده است؛ اما وظیفهٔ دفاع از کیان مذهب تشیع و اعتقادات مردم، در همهٔ دوره‌ها در صدر فعالیت‌های آنان بوده است. علما با توجه به انسجام‌شان از دورهٔ صفویه، در دورهٔ قاجاریه نیز در تمامی عرصه‌ها حضوری فعال داشتند.

بنابراین، منازعات فکری و عقیدتی و شکل‌گیری نحله‌ها و فرقه‌های متعدد، نظیر اخباری‌گری، دهری‌گری، فراماسونری، تصوف و باطنی‌گری از ویژگی‌های مهم این دوره است.

در این دوره، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های علما، مقابلهٔ فکری و عقیدتی با جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی بود. یکی از جریان‌هایی که در این دوره فعال بود. (اگرچه نمی‌توان آن را انحرافی نامید)، جریان یا مشرب فکری اخباری بود که از درون جریان روحانیت پدید آمده بود. این جریان که بر فرقهٔ شیخیه تأثیرگذار بود، با واکنش قاطع بیشتر علما روبه‌رو شد و به محاق رفت؛ اما رگه‌هایی از آن تاکنون نیز در جامعهٔ ایران وجود دارد که به دلیل تأثیرگذاری این جریان بر شیخیه و در نهایت بهائیت، آن را بررسی می‌کنیم.

۱ـ اخباری‌گری

اخباری‌گری، از نحله‌های فکری درون‌شیعی است که بر شکل‌گیری شیخیه و در نهایت بهائیت تأثیرگذار بوده است. «اخباری‌گری» یا «اخباری» بر گروهی از فقهای شیعه اطلاق می‌شود که خط‌مشی عملی آنان در دستیابی به احکام شرعی و تکالیف الهی، پیروی از اخبار و احادیث است، نه روش‌های اجتهادی و اصولی. محمدامین استرآبادی (۱۰۳۶ه‌ق) این نگرش فقهی و فکری را در قرن یازدهم هجری به وجود آورد. اخباری‌گری در همان قرن دوازدهم ه. ق در برابر گرایش اصولی به دست عالم اصولی شیعه وحید بهبهانی شکست خورد.

اخباری‌گری در مبانی معرفتی و در روش مورد نقد است. آنها در بررسی نهایی، تنها سنت منقول از امامان را منبع معرفتی می‌شمارند و کتاب، عقل و اجماع را مصدر معرفت نمی‌دانند. آنان در محدودهٔ روش، روش اجتهادی را نقد و اجتهاد و تقلید را نفی می‌کنند و تمام روایات کتب اربعه را معتبر می‌دانند. این شیوهٔ نگرش، باب عقل را بست و زیان‌هایی به تفکر شیعی وارد کرد. «یکی از زیان‌هایی که به طور اجتناب‌ناپذیر از ناحیهٔ موج اخباری‌گری عاید جامعهٔ اسلامی گردید، جمود فکری و بسته شدن باب تفکر و اجتهاد است.»[4]

جریان اخباری‌گری پس از عقب‌نشینی در برابر جریان اصولی، به صورت محدود به حرکت خود ادامه داد و این امر تا امروز همچنان ادامه دارد. شهید مطهری در این زمینه می‌گوید: «همهٔ افکار اخباری‌گری که به‌سرعت و شدت بعد از پیدایش ملاامین(استرآبادی) در مغزها نفوذ کرد و در حدود دویست سال کم‌وبیش سیادت کرد، از مغزها بیرون نرفته؛ الآن هم می‌بینید خیلی‌ها تفسیر قرآن را اگر حدیثی در کار نباشد، جایز نمی‌دانند. جمود اخباری‌گری در بسیاری از مسائل اخلاقی و اجتماعی و بلکه پاره‌ای مسائل فقهی، هنوز هم حکومت می‌کند.»[5]

یکی از جریان‌هایی که در تحولات معاصر با چالش اخباری اصولی در زمان مکتب وحید بهبهانی ریشه دارد و درست معاصر با همین دوران، مقدمات ظهور آن فراهم شد، جریان شیخیه است. بنیاد فکری بنیان‌گذار این جریان، شیخ‌احمد احسایی (۱۲۴۱ق/۱۸۲۶م) است که متأثر از دورهٔ غلبهٔ جریان اخباری بوده است. در این‌باره در شماره‌های آتی بیشتر سخن خواهیم گفت.

*** پی‌نوشت‌ها در دفتر نشریه موجود است.**

آفاق

تحلیلی بر نسل نوین جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی ـ قسمت سی‌وهفتم

جنگ نرم برای تغییر در نظام ادراکی و محاسباتی

□ دکتر سیامک باقری‌چوکامی/ رهبر معظم انقلاب هدف اصلی دشمن از جنگ نرم را ایجاد تغییر در محاسبات مردم و مسئولان می‌دانند. نظام محاسباتی، ادراکی و تصمیم‌گیری جامعه هدف(مسئولان، نخبگان و توده مردم) یکی از مهم‌ترین آماج جنگ نرم است. عاملان جنگ نرم بر مبنای دانش روانشناسی به این نتیجه رسیدند که برای تغییر رفتار سیاسی دلخواه خود باید از محیط روان‌شناختی و ذهنی نخبگان، تصمیم‌گیرندگان و مردم عبور کرد. (موسوی‌نیا، ۱۳۹۲: ۴۳)

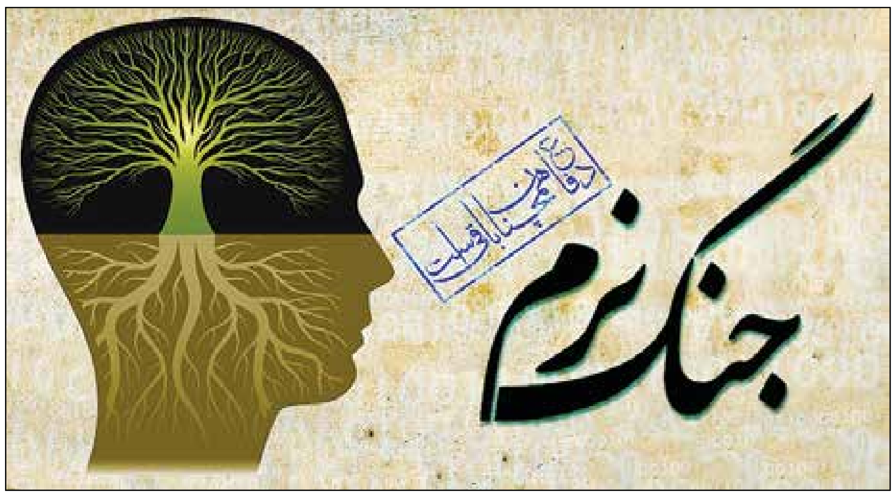

در صورتی که نظام محاسباتی بازیگر هدف بر اثر فناوری‌ها و تکنیک‌های نرم به اشتباه بیفتد یا دچار اختلال و تغییر شود، اراده او نیز تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه رفتار او به نحو دلخواه تحت کنترل درآمده یا تغییر خواهد کرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب، «وقتی دستگاه محاسباتی دچار اختلال شد، از داده‌های درست، خروجی‌های غلط به‌دست خواهد آورد و تجربه‌ها هم به درد او نخواهد خورد.»

میدان نبرد محاسبات می‌تواند هر یک از شش فرایند تصمیم‌گیری یا همه آنها را شامل شود؛ یعنی عاملان جنگ نرم با تکنیک‌های نرم‌افزاری بازیگر هدف را در مرحله شناسایی موضوع یا مسئله به اشتباه بیندازند، یا در مرحله شناسایی راه‌حل‌های موجود و ممکن را برای مواجهه و رفع مسئله دچار اختلال کنند. یا در مرحله تعیین معیارهای تصمیم و تخصیص درجه اهمیت معیارها، بازیگر هدف را تحت تأثیر قرار دهند. همچنین ممکن است در مرحله کشف راه‌حل‌ها و ارزیابی آنها آدرس غلط داده شود و در مرحله انتخاب بهترین راه‌حل‌ها، بازیگر هدف را به انتخابی متمایل کنند که کمترین ضرر را برای بازیگر جنگ نرم داشته باشد. در مرحله ششم، به اشتباه انداختن یا اختلال در ارزیابی نتایج تصمیم است. اگر بازیگر هدف تصمیمی مغایر با اهداف بازیگر جنگ نرم گرفته باشد، تلاش می‌کنند آن را مغایر با منافع ملی بازیگر هدف تعریف و تبلیغ کنند و اگر تصمیم در راستای اهداف آنها صورت گیرد، آن تصمیم را بهترین تصمیم وانمود کرده و بازیگر هدف را همچنان در تداوم اشتباهاتش تحریک و تحریص می‌کند.

بر اساس مراتب فوق، اشتباه محاسباتی در تصمیم‌گیری بر اثر نبرد نرم متعدد هستند. شایع‌ترین اشتباهات همچون «اشتباه در محاسبه هزینه و فایده»، «اشتباه در محاسبه واقعیت‌های محیطی»، «اشتباه محاسبه و تشخیص وزن تهدیدات و فرصت‌ها» و... است.

الف ـ اختلال در محاسبه هزینه و فایده: به زعم بازیگران جنگ نرم بیشتر بازیگران سیاسی خردمند هستند و تصمیمات‌شان در چارچوب مدل عقلایی مبتنی بر هزینه و فایده صورت می‌گیرد. در نتیجه به زعم آنها می‌توانند از طریق بسیج امکانات(فیزیک تهدید) و اقدامات نرم(محتوای تهدید) هزینه تصمیم و رفتار را بالا ببرند و نخبگان و مسئولان و حتی مردم را به تجدید نظر در تصمیمات وادار کنند. به بیان دیگر، زمانی اشتباه محاسباتی در هزینه و فایده یک تصمیم یا رفتار(مانند تداوم برنامه هسته‌ای، پایبندی به گفتمان مقاومت، حمایت از جریان مقاومت، ایستادگی در برابر نظام سلطه، حفظ آرمان‌گرایی واقع‌بینانه، ایمان به اصول انقلاب و...) مؤثر واقع می‌شود که همزمان با اقدامات عملی برای بالا بردن هزینه تصمیم یا رفتار(مانند تحریم اقتصادی، فشارهای دیپلماتیک و...)، عملیات روانی و راه انداختن نفوذ موردی و جریانی نیز صورت گیرد. در واقع، وجود یکی بدون دیگری نمی‌تواند موجب تغییر محاسباتی تصمیم‌گیران، نخبگان و مردم شود.

البته این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که به میزان افزایش ضعف مبانی اندیشه‌ای در تحلیل مسایل و غلبه اندیشه‌های مادیگرایانه در حوزه سیاست‌ورزی، تأثیرپذیری تغییرات محاسباتی بر مبنای هزینه- فایده افزایش خواهد یافت. عکس آن نیز صادق است؛ چنانکه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «یکی از خطاهای محاسباتی این است که انسان در چهارچوب عوامل محسوس و صرفاً مادی محدود بماند؛ یعنی عوامل معنوی را، سنّت‌های الهی را، سنّت‌هایی که خدا از آنها خبر داده است، آن چیزهایی را که با چشم دیده نمی شود، ندیده بگیرد؛ این یکی از خطاهای بزرگ محاسباتی است.»(۱۳۹۳/۴/۱۶)

ب ـ اختلال در محاسبه واقعیت‌های محیطی: یکی از ارکان اساسی تصمیم‌گیری، درک واقعیت‌های محیطی است. تصمیم درست و بجا به میزان زیادی به درک و فهم درست از واقعیت‌های محیطی وابسته است. دشمن با توسل به این دانش تلاش می‌کند تا با قلب واقعیت‌ها یا واقعیت‌سازی‌ها، تصمیم‌گیران و سایر مخاطبان درک و فهم درستی از شرایط محیطی(توانایی‌ها، امکانات، ضعف‌ها و فرصت‌های دشمن و حتی خودی) نداشته و همه واقعیت‌ها(اعم از محیط دشمن یا محیط خودی) را آن‌گونه که هست، نبینند.

«دشمنانی که جبهه‌ای را در مقابل کشور ما، ملت ما، انقلاب ما تشکیل دادند، سعی می‌کنند واقعیت‌سازی کنند، واقعیت‌نمایی کنند، یک چیزهایی را به عنوان واقعیت‌های مسلّم در نظر ما جلوه‌گر کنند؛ در حالی که واقعیت‌ها آنها نیست. باید مواظب باشیم درگیر و دچار واقعیت‌سازی‌های خلاف واقع نشویم.»(۱۳۹۱/۵/۳)

فراز بالا از بیانات رهبر معظم انقلاب نشان می‌دهد، برتری توانمندی دشمن نسبت به توانمندی خودی یا برعکس یکی از راهکارهای نبرد محاسباتی است. در این نوع نبرد به کشور هدف القا می‌شود سطح توانایی‌ها و قدرت کشور در برابر قدرت‌های بین‌المللی، نمی‌تواند تغییری ایجاد کند..

ج ـ اختلال در تشخیص شدت، عمق و دامنه تهدید: مدیریت راهبردی تهدیدات به چنین تشخیصی منوط است. اختلال در نظام محاسبات می‌تواند تصمیم‌گیری در برخورد با تهدید را دچار خطای راهبردی کند؛ در حالی که دشمن برای وادار کردن حریف به تغییر رفتار تلاش می‌کند نظام تشخیصی تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان را نسبت به شدت، عمق، دامنه و طیف تهدید(موضوع، مسئله، مشکل، معضل، بحث، خطر، بحران) مختل یا منحرف کند تا از این رهگذر به رفتار دلخواه خود دست یابد. شواهد اثر پذیری برخی از نخبگان و تصمیم‌گیران از این اقدام موجود است؛ از جمله می‌توان به اظهارات برخی از شخصیت‌ها و مسئولانی اشاره کرد که به صورت مکرر می‌گفتند ایران در لبه پرتگاه جنگ است و بعد هم مدعی شدند به دنبال تعاملات با غرب، سایه جنگ از سر مردم ایران کم شد؛ در حالی که آمریکا و غرب چنین موقعیتی را نداشتند.

دـ اختلال در تشخیص مرزهای خودی و غیر خودی یا دشمن و دوست: از دهه ۱۳۷۰ به بعد دشمن برنامه‌های پیچیده‌ای را برای تغییر مرزهای خودی و غیر خودی تعریف شده براساس گفتمان حضرت امام(ره) طراحی و عملیاتی کرده است. مهمترین اقدام در این زمینه، استفاده از فناوری‌های نوین قدرت برای تغییر محاسباتی و ادراکی در معیارهای مرزبندی خودی و غیر خودی است. یکی از ترفندهای شایع، استفاده از استعاره «تغییر شرایط زمانه» است. از این استعاره در زمینه‌های مختلفی استفاده شده و می‌شود؛ از جمله در حال حاضر بازیگران جنگ نرم و جریان‌های غرب‌گرا و متمایل به آن با طرح این استعاره، تعامل و رابطه با آمریکا را دنبال می‌کنند.

پردازش

جهان‌وطنی غربی و اسلامی

□ شهاب زمانی/ اصطلاح جهان‌وطنی امری است که تمام ادیان، مکاتب و مذاهب خواهان آن هستند و تلاش می‌کنند پیام خود را به گوش جهانیان برسانند؛ اما تفاوت اساسی در مفهوم‌شناسی آن در غرب و اسلام وجود دارد.

«کوزموپولیتیسم»(COSMOPOLITISME) تا پیش از قرن بیستم یک باور و اعتقاد بود؛ اما در قرن بیستم این ایده وارد ادبیات شد و در قالب یک مکتب ادبی دو شاعر و نویسنده فرانسوی، به نام‌های «والری لاربو» و «پل موران» آن را پایه‌ریزی کردند.

کوزموپولیتیسم به معنای مکتب «جهان‌وطنی» است، که معتقد است همه مردم جهان باید خود را هموطن یکدیگر و سراسر جهان را وطن خود بدانند. آنان هدفشان رسیدن به فرهنگ و ادبیاتی جهانی، به دور از هرگونه وابستگی ملی و تفاوت‌های نژادی و فرهنگی است. آنان به دنبال همبستگی و اتحاد با ملل دیگرند و معتقدند این وحدت، اگر واقعیت سیاسی نیست، به واقع باید در زمینه فرهنگی و ادبیات به وجود آید.

در حقیقت، بنیانگذاران این مکتب ادبی علیه تفکرات و احساسات میهن‌پرستانه برخی نویسندگان نیمه دوم قرن هجدهم برخاسته بودند. این میهن‌پرستان افراطی، هر نویسنده و شاعر را متعلق به میهن، ملت و ادبیات خودش می‌دانستند و از این طریق احساسات ملی مردم را برمی‌انگیختند، در حالی که از نظر پیروان مکتب جهان‌وطنی، شاعر و نویسنده باید با محدوده فرهنگ، تمدن و ادبیات خارجی آشنا شود و آن را حس و درک کند. البته این برداشتن مرزها شاید در جهان سیاست نامکن باشد، ولی شاعر و نویسنده وظیفه دارد این احساس همبستگی و تعلق جهانی را در جهان ادبیات به وجود آورد.

پیروان مکتب جهان‌وطنی از آثار گذشتگان و تفکرات، عقاید و احساسات آنان گریزان بوده و بیشتر در طلب روابط هرچه بیشتر با جهان پیرامون خود هستند و قرن بیستم که عصر ارتباطات است این امکان ارتباط و تبادل اطلاعات و افکار را برای آنان فراهم می‌کند. آنان می‌خواهند از این سرعت و پویایی جهان مدرن و در حال پیشرفت لذت ببرند و این تحرک و پویایی جهان صنعتی را در نوشته‌ها و اشعار خود به خوانندگانش منتقل کنند.

اما حال این پرسش مطرح است که آیا در اسلام هم نگاهی شبیه اصطلاح جهان‌وطنی داریم، یا این تنها یک اصطلاح غربی است؟ در پاسخی اجمالی می‌توان متذکر این نکته شد که آرمان نهایی اسلام درباره رابطه و مناسبات انسانی، رسیدن به امت واحد بشری است. همین‌طور درباره سرزمین‌خواهان از میان رفتن مرزهای جغرافیایی و به وجود آمدن کشور واحد جهانی تحت حاکمیت قانون واحد الهی است. آیات بسیاری از قرآن، روایات وارده از ائمه(ع)، نامه پیامبر اسلام(ص) به امپراتور ایران و مسئله مهدویت و برقراری حکومت واحد جهانی در آخرالزمان، از جمله دلایل ما درباره وجود دیدگاه جهان‌وطنی در اسلام است؛ اما با شرایط و برنامه‌های برخاسته از اسلام.

نکته

هویت ملی

هیچ ملتی، بی‌نیاز از داشتن هویّت ملّی نیست. با وجود پیشرفت فناوری و گسترش ارتباطات جهانی، باز هم نمی‌توان عناصر تمییزدهنده و برجسته فرهنگی را در جوامع گوناگون نادیده انگاشت. برخی اندیشمندان سده نوزدهم مانند کانت و مارکس بر این باور بودند که با گذشت زمان و تحوّل جوامع بشری، نقش و تأثیر فرهنگهای مختلف و عناصر تشکیل‌دهنده آنها کم رنگ‌تر شده، به تدریج، یک جامعه جهانی بدون هیچ تمایزی شکل خواهد گرفت. امّا رخدادهای قرن بیستم و گسترش جنبشهای مذهبی و افکار ناسیونالیستی و روی‌آوری دوباره بسیاری ملّتها به هویّت تاریخی و دینی، نشان داد که بسیاری از تئوری‌های آن دانشمندان، خوشبینانه، غیرعلمی و بعضاً مغرضانه بوده است. ملّیت و هویّت ملی هر جامعه‌ای، از عناصری چون؛ سرزمین و قلمرو، دین، زبان، حکومت و دولت،قومیّت، سنّت‌ها و آیین‌ها، اسطوره‌ها و... شکل می‌گیرد.

بیشترین سهم در تحولات منطقه

ســردار سرلشــکر محمد باقری در کنگره شهدای فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در دفاع مقدس گفت: در دوران دفاع مقدس هیچ عملیاتی بدون دیدن مخابرات متصور نبود؛ چه آفندی و چه پدافندی. دفاع مقدس آغاز دوران خودکفایی و خودباوری ملت ما بود. دفاع مقدس به مردم نشــان داده که چگونه با دشــمن برخورد کنند. پیروزی‌های حلب و موصل، دستاورد فرهنگ عاشورایی دفاع مقدس است. در تحولات منطقه بیشترین سهم را داریم و افتخار می‌کنیم پرچمدار مبارزه با تروریسم هستیم.

یادداشت

امنیت پرواز با دست خالی

□ علیرضــا جلالیان/ پنجم دی مــاه امام خمینی(ره) با تصریح بر تصمیــم خود مبنی بر این که ســپاه پاســداران موظف به برقــراری امنیت در پروازهای جمهوری اســلامی است وظیفه‌ای مهم و ســنگین را بر عهده پاسداران تثبیت کردند. وظیفه‌ای مبنی بر صیانت از فضای جمهوری اســلامی در مسیرهای هوایی و هواپیماها و صد البته پاســدارن انقلاب اسلامی هم با تأکید امام خمینــی(ره) در این امر با قوت بیشــتر وارد شده و هر روز شاهد افتخارات آن‌ها در این عرصه بوده‌ایم. در شرایطی که کشور از دوران دفاع مقدس تحت تحریم بوده و سامانه‌های کنترلی لازم به سختی در اختیار قرار می‌گرفته باز هوشــمندی این نیروها باعث شده حتــی در کمبود امکانــات هم امنیت در پروازهای کشــور در سطح امنیت در پروازهای خطوط هوایی کشورهای مدعی امنیت و پیشــرفته در جهان و یا در برخی موارد بالاتر از آن‌ها باشــد. امنیتی که تنها متکی به ســخت‌افزار نبــوده و در اکثر موارد با اســتفاده از بررسی شرایط روانی و محیطی توانسته جلوی بسیاری از فجایع را بگیرد. شاید علــت این کــه در بســیاری از مواقع زمانی که دشمنان و برهم‌زنان امنیت با اســتفاده از فناوری‌های خاص خود قصد داشته‌اند تا از گذرگاه‌های کنترلی سپاه در فرودگاه‌ها امکانات لازم برای عملیات‌های خرابکارانه را انتقال دهند و شناسایی شده اند، هیچگاه تصور این را نمی‌کردند که گــذر از این خطوط کنترلــی تنها متکی بــه کنترل‌های سخت‌افزاری نیست بلکه سایر مسائل هم در نظر گرفته می‌شود.

اما امروز هم با تجربه گذشــته و کمــک فناوری‌های روز و به مدد توان و دانش داخلی و انگیزه دانشــمندان جوان کشور بسیاری از محدودیت‌های فناورانه در کشور مرتفع شده و تجربه ســال‌هایی که با دســت خالی امنیت برقرار می‌شــده با دانش و فناوری روز تلفیق شده و توانایی‌های بسیار بالایی را در این عرصه نصیب پاسداران امنیت پرواز کرده است. افتخارات این نیروها در بعد جهانی است و باعث شده تقریبا در یک دهه اخیر حادثه مهمی در این عرصه ناشــی از دورزدن سیستم‌های امنیتی نداشته باشــیم و تنها در یک مورد در سال ۸۸ که رسانه‌ای شد، آن هم با تدبیر سرتیم امنیت هواپیما هیچ مشکلی برای پرواز مربوطه پیش نیامد و در امنیت کامل به زمین نشست و سایر موارد هم ناموفق بود.

اما باید توجه داشت کشور ما مورد غضب و کینه بسیاری از دشمنان قسم خورده است و امروز به همان مقداری که بــرای امنیت مرزهای زمین تلاش شــده باید دقت بیشــتری به امنیت پروازها شود، چرا که جان انسان‌هایی در آسمانی که هیچ دسترسی به آن‌ها وجــود ندارد اگر بــه خطر بیفتد تمام تلاش‌ها در ســطح زمین و در مرزهای زمینی را بی‌فایده می‌کند.

وقتی از حفاظــت و امنیت پرواز هواپیمایی در ایران صحبت می‌کنیم، شــاید برای نســل جوان ایــران، واژه هواپیماربایی چندان ملموس نباشــد، چون سال‌هاست به برکت حضور سپاه حفاظت هواپیمایی در صنعت هوانوردی کشور، در ایران چنین اتفاقی نیفتاده، اما فراموش نکنیم که ۱۳۰ مورد عدم موفقیت تروریست‌ها در هواپیماربایی در طول این ســالها ضمن اینکه بیانگر وجود تهدیدات است نشان می‌دهد که سپاه حفاظت هواپیمایی، به خوبی نقش خــود را در این حوزه ایفا کرده و برای تأمین و حفظ امنیت پرواز با تمام توان هوشــمندانه و قاطعانه به مقابله با هر گونه اقدامی برخواهد خواست.

نقطه سرخط

کیفم جا مانده بود

می‌گفت به دلیل حجم بالای کار تصمیم گرفتم یک سری از کارهایم را شب در منزل انجام بدهم. یک سری از اسناد و خبرنامه‌های محرمانه را داخل کیف گذاشتم و سوار خودرو شدم تا به منزل بروم؛ اما متأســفانه در بین مسیر با یک وانتنیســتان تصــادف کردم و با دردســرهای زیاد مجبور شدم ماشین با جرثقیل به تعمیرگاه ببرم و خســته و کوفته راهی منزل شــوم، اما غافل از اینکه کیفم داخل صندوق عقب ماشین جا مانده بود. تازه وقتی خواستم کار را شــروع کنم متوجه این قضیه شدم، تا صبح اضطراب داشتم، اول صبح خیلی سریع به تعمیرگاه رفتم و خوشبختانه کیفم را سر جایش دیدم. خدا رحم کرد...

همسر شهید مدافع حرم حمید روحی در گفت‌وگو با صبح صادق

می‌خواست اثبات کند مدافعان حرم دنبال پول نیستند

□ احسان امیری/ شهدای مدافع حرم در کشاکش جنگ نرم داخلی به جبهه‌های بیرون مرزها رفتند و در دفاع از کیان اسلام و امنیت کشور که ثقل انقلاب اسلامی است، به شهادت رسیدند. اما در این میان متأسفانه نفوذ تفکر دشمن در نبردی خاموش باعث شــده تا خیلی‌ها تصور درســتی از اینکه افرادی به بیرون مرزهای سیاسی کشــور بروند و در کشوری دیگر بجنگند را ندارند. برخی می‌گویند اینها برای پــول جان خود را کف دست می‌گذارند. اما این‌بار سخن از شهیدی اســت که در نهایت خوشبختی و رضایت از وضع زندگی و خانه و کاشانه، مادر و همسر و سه دختر قد و نیم قدش را رها کرده و به جنگ با کفر و تکفیر می‌رود.

شــهید «حمیــد روحی چوکامی» از سه دخترش که شاید همه وابســتگی او به دنیا بود، در راه اسلام گذشت و به جبهه‌های نبرد در شامات رفت در وصیتش به همســـر خود پا را از این فراتر نهاد و داشته‌های مادی‌اش را هم تقدیم راه خدا کرد. همین موضوع موجب شــد تا در گفت‌وگویی با خانم عاطفی، همســر این شهید بزرگوار جویای وصایا و احوالات شهید روحی شویم.

*** از آشنایی خودتان با شهید روحی بگویید.**

خانواده ما و خانواده ایشــان در یک محل بودیم. در محله چوکام شهر خمام استان گیلان. با معرفی یکی از آشنایان ازدواج ما شکل گرفت و فرآیند ازدواج‌مان به واسطه این آشنایی خیلی سریع بود.

*** در خواســتگاری شما چه گذشت؟**

در مراســم خواســتگاری او از شــرایط کارش و اینکه نظامی است، گفــت. پدرم کمی مخالــف بود که با یک نظامــی ازدواج کنــم، اما من با شناختی که از ایشان داشتم و دورادور می‌دیدمش، همــه چیز را پذیرفتم و نتوانســتم نه بگویم. یکی از بهترین پسرهای محل بود. خدا این توفیق را نصیب من کرد.

*** چرا نتوانستید نه بگویید؟ توضیح می‌دهید.**

به واسطه مشکلاتی که در خانواده داشتند. او را از بچگی اهل کار دیدم. در کنار کار درس می‌خواند، این برای من خیلی مهم بود که او مرد زندگی است و در نوجوانی سرپرستی خانواده‌اش را برعهده دارد.

حمیــد فردی معتقــد بود و در مسیر درست قدم بر می‌داشت. عمده تفریحاتش در مسجد و در برنامه‌های مسجد بود و روحیه بخشنده‌ای داشت و به فقرا رســیدگی می‌کرد. حتی در دورانی که ســبزی کشت می‌کردند و می‌فروختند بــه خیلی‌ها کمک مالی می‌کــرد و اگر خانــواده‌ای توان مالی چندانی نداشــت با آنها کمتر حساب می‌کرد، یا اینکه رایگان می‌داد.

*** از ازدواج‌تان بگویید.**

عقد ما سال ۸۵ جاری شد و سال ۸۶ سر خانه و زندگی رفتیم. در همان محل خودمان ساکن شدیم. در همان زمان‌ها بود که نیروی دریایی ســپاه نیروی خانم می‌خواســت و من رفتم آنجا استخدام نیروی دریایی سپاه شدم. همســرم در نیروی زمینی جزو یگان صابرین بود به دلیل اینکه من باید به جزیره ابوموسی می‌رفتم با تلاش زیاد برخلاف خواسته‌اش انتقالی گرفت به نیــروی دریایی و با من به جزیره آمد. آنجا در یک خانه سازمانی ساکن شدیم. او هم رفت یگان تکاوری نیروی دریایی در تیپ تکاوران دریایی امام سجاد(ع) و من هم در رشــته بهداشت و درمان آنجا مشغول شدم.

*** مهریه‌تان چقدر بود؟**

تأکید داشــت مهریه ۱۴ سکه باشــد و می‌گفت این را آقا گفته‌اند و باید به آن توجه کرد؛ چرا که حکمتی در این امر اســت. خیلی روی سادگی تأکید داشــت و ما هم زندگی را ساده شروع کردیم. در تمام این زندگی هم من برکت را دیدم که ســاری و جاری بود؛ برکتی که من در زندگی تشریفاتی اطرافیانم ندیدم.

*** چند فرزند از شــهید به یادگار دارید؟**

حاصــل زندگی ما ســه فرزند اســت. یکی هشت سال دارد، دیگری سه ســاله است و دختر آخرم هم ۱۵ ماهه. موقع شــهادت پدرش سه ماه بود. اسم‌های‌شــان هم طهورا، بشرا و نورا است.

*** رابطه‌اش با دخترها چگونه بود؟**

خیلی بچه‌ها را دوســت داشت، علاقــه‌اش به آن‌ها خیلــی زیاد بود؛ امــا علاقه و عشــقش به خــدا چیز دیگری بود.

*** درباره مأموریت‌ها و امکان شهادت با شما صحبت کرده بود؟**

از اوایل ازدواج درباره شــهادت صحبــت می‌کرد، ولی اما چون خیلی شوخ‌طبع بود، من به شوخی می‌گرفتم. اما وقتی برای سوریه ثبت نام کرد دیدم که جدی است. شوکه شدم اسمش هم سریع درآمد؛ یعنی تابستان ۹۴ اسم نوشــته بود، آبان اسمش درآمد. بچه سوم ما تازه به دنیا آمده بود. خیلی با من صحبت کرد تا اینکه راضی شدم. برایم خیلی تعجب‌انگیز بود که با وجود بچه‌ها می‌خواهد به جنگ برود.

بــه من گفت مثــل زنان کوفی نباش که عامل خفت و ســرافکندگی مردان‌شــان شــدند؛ کوفیانی که به واسطه زنان‌شــان پشت مسلم و امام حســین(ع) را خالی کردند. زن باید همســرش را بالا بکشــد. حکم جهاد آمده و باید رفت. حساب دو دو تا چهار تای دنیا را نباید کرد. خدا بزرگ است.

*** کسی به شما چیزی نگفت که چرا اجازه دادید برود؟**

همکاران پاســدارم هم بودند که همسران‌شــان می‌خواستند بروند که برخی از آنها نگذاشــته بودند؛ اما من تصمیمم را گرفتم و راضی شدم.

*** کی اعزام شد؟**

پیــش از اینکه به ســوریه برود مــن و بچه‌ها را به گیــلان آورد و از آنجــا رفت. آبان ۹۴ اعزام شــد و ۱۹ روز بعد هم به شــهادت رسید. وقتی داشت وصیت‌نامه می‌نوشت اضطراب تمام وجودم را فراگرفت. به دوســتانم گفتم دیگــر برنمی‌گردد. همان موقع حمیدم را شهید حساب کردم. هشت ســال زندگی کنار او و شــناختی که پیدا کرده بودم این را به من می‌گفت. او رفته بود جنگ و عاشق شهادت بود. همیشه می‌گفت شهید فهمیده الگوی خوبی است.

*** آخرین بار کی با او صحبت کردید؟**

پیــش از شــهادت تلفنی از من حلالیت طلبید. حالم خیلی بد شــد. گفت که یکی از دوستانش تازه شهید شده و انگار خیلی هوایی بود. با دختر بزرگم خیلی کوتاه صحبت کرد، خیلی بی‌تاب بود انگار می‌خواست از تعلقات دنیایی‌اش دل بکند. یکی از همرزمانش تعریف کــرد که همانجا گفته بود که دیگر بازگشتی نیست.

*** چه تاریخی شهید شد؟**

۱۶ آذر ۹۴

*** شما کی متوجه شهادت‌شان شدید؟**

۱۷ آذر. اول به برادرم گفتند. من پیگیر اخبار بودم و شــک هم کردم تا اینکه برادرم به من خبرداد. وقتی خبر را شنیدم یکباره از جا برخاستم، ولی مقابل بچه‌ها جلوی خــودم را گرفتم؛ لحظه خیلی ســختی بود. برای اینکه بچه‌ها اذیت نشوند همه مراسم‌ها را در منزل مادر شــهید برگزار کردیم. حال بدی داشتم. حمید عزیزترین فرد زندگی‌ام بود، ولی در راه خدا و آنچه عاشقش بود رفت، همین برایم تسکین بود.

*** در وصیت‌نامه‌اش چه چیزی گفته بود؟**

در وصیــت بــه دخترانش چند توصیه داشــته و گفته است: «طهورا، بشرا و نورای عزیزم از شما می‌خواهم وقتی بزرگ شدید از مادر خود مراقبت کــرده و بدانید کــه در غیاب من چه زحمت‌هایی در حق شما کشیده است. همیشه برای شــما دعا می‌کنم تا در امتحانات الهی سربلند باشید.»

بــه من هم وصیت کرده اســت که «یک عدد ماشــین ســمند و دو عدد موتورســیکلت دارم و از همسرم می‌خواهم آنها را صرف ساخت مسجد یا مدرســه کند و اگر خداوند به این بنده حقیر توفیق شهادت داده از همه دوســتان، مادرم، همسرم و فرزندانم می‌خواهم که حلالم کنند و اگر مرگ مغزی شدم تمام اعضای بدنم را اهدا کنید که شــاید مورد لطف و رحمت خدا قرار گیرم.»

*** شــما بــه وصیتش عمل کردید؟**

بله آنها را فروختم و تا حالا به دو مسجد تا حالا کمک کرده‌ام؛ یکی برای ساخت و دیگری برای مرمت. منتظرم یک مسجد دیگر هم کار را شروع کنند تا باقی‌مانده پول‌ها را به آنجا بسپارم.

*** هدفش از این وقف چه بود؟**

من تصورم این اســت که حمید می‌خواســت با ایــن کار اثبــات کند که مدافعان حرم برای مســائل مادی نمی‌روند، جنگ و هدفشان همان دفاع از حریم اهل بیت و اسلام است و مادیات برای‌شــان مهم نیست. شهدا در مسیر ولایت تمام مادیات را کنار می‌گذارند.

*** این یک پرسش مشترک اســت که همه همسران شهدای مدافع حرم جوابی مشابه دارند، زخم زبان هم شنیده‌اید؟**

بله متأســفانه. حرف‌های زیادی شنیده‌ام. ولی من با خدا معامله کردم و در مســیر ولایت پیش رفتم. با سه بچه کوچک این حرف‌ها را می‌شنوم، اما مهم نیســت. الگــوی ما حضرت زینب(س) اســت و او برای همه یک تسکین اســت. من سعی کردم مانند حضــرت زینــب عمل کنــم و اصلاً جلوی مردم گریه نکردم. حتی شنیدم برخی‌ها می‌گفتند که چقدر بی‌رحم است. آنها حد علاقه من را به شوهرم نمی‌دانستند. الآن تازه سختی‌های من شروع شده، چون باید با یاد پدر بچه‌ها را بزرگ کنم.

*** بعد از شهادت پیکرش را دیدید؟**

بله، چند روز بعد از شــهادت که چهــره‌اش را دیدم دیگر آرام شــدم. نمی‌توانســتم گریه کنــم، ولی حالم دگرگون بــود. دختــر بزرگ‌ترم هم پدرش را دید با گریه توانست با شهادت پدرش کنار بیاید.

گلی از باغ

یادکردی از دلاوران بی‌سر ارتش

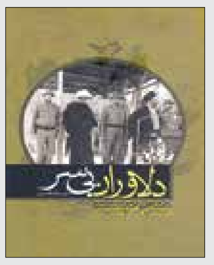

«دلاوران بی‌سر» نوشته مهرداد طاهری بر اساس زندگی سرتیپ دوم ستاد سیدعلی اکبر خوانساری‌نیا نوشته شده است.

در مقدمه این کتاب درباره اهمیت نگارش خاطرات فرماندهان ارتش جمهوری اســلامی ایران می‌خوانیم: «از آنجا که مرور زمان، گردآوری منابع شــفاهی تاریخ دفاع مقدس و تدوین آن را تهدید می‌کند، ضروری اســت همه آثار و اسناد دفاع مقدس با شیوه‌های علمی گردآوری، ثبت و منتشر شود. در این راستا «سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس» با درک اهمیت و آگاهی از این رســالت و مســئولیت و با انگیزه‌ای جهادی، گام‌هایی را در راه ثبت و نشر خاطرات فرماندهان و نیروهای حاضر در رخدادهای هشت سال دفاع مقدس برداشته است و امروز ثبت و ضبط درس‌ها، تلخی‌ها، شــادی‌ها و زوایای گوناگون آن در گروه نهضت گسترده‌ای برای تحقق این کار بزرگ اســت.» این کتاب به دو شــیوه مصاحبه و خاطره‌نگاری تدوین شده است. ۲۱ بخش از کتاب با عنوان‌هایی، چون «در آتش، خون و اشغال به دنیا آمدم»، «ورود به دانشگاه نظامی»، «انقلاب و خدمت در مراغه»، «مأموریت در ســنندج» و «ایجاد قرارگاه مشترک مالک اشتر در مهاباد» در قالب مصاحبه تاریخ شفاهی و ۱۵ بخش با عنوان‌هایی، چون «محور زمزیران»، «پاکسازی محور پیرانشهر»، «همکاری با سپاه»، «پدافند متحرک عراق در منطقه حاج عمران» و «طراحی عملیات کربلای ۷» به صورت خاطره‌نگاری آمده است. در صفحه ۲۴۸ کتاب می‌خوانیم: «بهار داشــت از راه می‌رســید و تقریباً زمان رو به سرعت داشت و اگر عملیاتی می‌خواست انجام بگیرد باید در همین فصول انجام می‌گرفت؛ چون یه مدت زمان محدودی هوا برای کار و عملیات و اینها مساعد بود. بعد از مدت کوتاهی بارندگی شروع و یخبندان همه جا را فرا می‌گرفت و انجام عملیات مشکل و یا غیرممکن می‌شــد...» «دلاوران بی‌سر» را انتشارات سوره سبز با شمارگان دوهزار نسخه، قطع وزیری و در ۴۳۲ صفحه و با بهای ۱۹۵ هزار ریال منتشر کرده است.

قبیله عشق

باید مجهز و آماده بود

در حال اقامه نماز حالی دگرگون داشــت و در مقابل پروردگار با خشــوع و خضوع فراوان حاضر می‌شــد، مثل تشنه‌ای که به آب رســیده باشد. روزی نبود که کتابی به دست نگیرد و به مطالعه آن نپــردازد. می‌گفت باید از نظر فکری و عقیدتی در مقابل دشــمنان کاملاً مجهز و آماده بود.

به نقل از خانواده شهید محمد فروزش

محمد شهریور سال ۱۳۳۷ در خانواده‌ای مذهبی در دزفول به دنیا آمد. با گذراندن تحصیلات دوران ابتدایی و راهنمایی و با اســتعداد درخشــانی که داشت در سال ۱۳۵۴ مشتاقانه دوره تحصیلات متوسطه را آغاز کرد. در این دوره بود که با دوستانی هم‌فکر و هم‌عقیده آشــنا شد و با تشکیل جلسات مختلف سیاسی ـ مذهبی بنیه فکری خود علیه رژیم شاه را تقویت کرد. در بیان جنایات رژیم بی‌پروا بود و هرگز حاضر به سکوت در برابر ظلم و ستم دســتگاه حاکم نبود. پخش اعلامیه و نصب عکس‌های حضرت امام(ره) بر در و دیوار از کارهای معمول و همیشــگی او بود. با پیروزی انقلاب اســلامی در بیشتر فعالیت‌های سیاسی ـ اجتماعی شرکت می‌کرد. مدتی در دستگیری نیروهای ساواک و ضد انقلاب بچه‌های سپاه و کمیته را همراهی کرد و مدتی دیگر در خرمشهر به همراه اولین پاسداران انقلاب به سرکوبی نیروهای وابسته خلق عرب پرداخت. هنگامی که جنگ تحمیلی شــروع شــد یکراست از تهران به اهواز آمد و در جهاد سازندگی در قسمت ستاد پشتیبانی جنگ مشغول به کار شد. در روزهایی که حسین علم‌الهدی به همراه چهارصد دانشجوی جوان قصد بازپس‌گیری هویزه را داشتند به جمع آنان پیوست و در نهایت در شــانزدهم دی ماه سال ۱۳۵۹ به همراه جمع زیادی از دوستانش در کربلای هویزه در زیر چرخ تانک‌های دشمن به شهادت رسید و ۱۸ ماه پیکرش روی زمین ماند تا اینکه اردیبهشت سال ۶۱ در مقتلش تدفین شد.

روی خط

می‌توانم در نقش شهید زین‌الدین بازی کنم

۰۹۱۹۰۰۰۸۱۰۲/ ســلام من سیدعلی حسینی شــاغل در تیپ انصارالرسول جوانرود اســتان کرمانشاه هســتم. به دلیل شباهت بسیار زیاد از نظر چهره با شهید زین‌الدین و ارادت به او و با توجه به اینکه سابقه بازی در تئاتر و چند مستند را دارم می‌توانم در فیلمی که درباره این شهید ساخته می‌شود و شما خبرش را زدید، بازی کنم.

۰۹۱۴۰۰۰۱۴۷۱ /سلام لطفاً کانال صبح صادق را در سروش که برنامه‌ای ایرانی است نیز راه‌اندازی کنید.

صبح صادق: این امر در حال تحقق اســت. به طور آزمایشی با شناسه @ssweekly در پیام‌رسان سروش می‌توانید مخاطب ما باشید.

۰۹۳۶۰۰۰۶۹۳۲/ لطفاً معوقات افزایش حقوق امسال را پیگیری کنید.

۰۹۳۰۰۰۰۶۷۶۷/ تکلیف ســهام ثامن چه شــد؟ حداقل پولی را که بابت آن داده‌ایم، پس بدهند.

۰۹۱۸۰۰۰۰۵۶۸/ چرا سپاه کارمندان پاسدار بالای بیست سال خدمت با مدرک تحصیلی پایین‌تر از کاردانی را بازنشسته نمی‌کند؟

۰۹۱۸۰۰۰۶۶۱۶/ از چه راهی مطالب‌مون رو براتون بفرســتیم. لطفاً راهنمایی کنید.

صبح صادق: به بالای صفحه ۱۲ سمت راست مراجعه کنید.

۰۹۱۸۰۰۰۲۱۷۶/ تحلیل سینمایی آقای امیدی با موضوع مهندسی معکوس... در شماره قبل تقریباً خارج از انصاف بود.

صبح صادق: البته این نظر شــما بوده و محترم است، هیچ‌گاه در وادی تحلیل‌های هنری نمی‌توان نظر همه را جلب کرد.

۰۹۹۰۰۰۷۳۸۴/ چرا علی‌رغم اینکه وزارت بهداشــت برای علوم آزمایشگاهی سختی کار جهت بازنشستگی را سالی دو ماه لحاظ می‌کند، سپاه این کار را نمی‌کند؟

۰۹۱۵۰۰۰۶۸۴۳/ درباره شعرهایی که درج می‌کنید، مگر تنها آقای فرائی شاعر هســتند که همیشه شعرهای ایشان را می‌زنید. در خیلی از مواقع شعرهای زیباتر از اشعار ایشون وجود دارد که احتمالاً برای شما هم فرستاده‌اند.

صبح صادق: با تشکر از دقت‌نظر شما؛ همانطور که گفتید اشعار زیادی به دست ما می‌رسد که البته تعدادی زیادی از آنها به علت اشکالات ادبی در نشریه قابل درج نیستند، ضمناً آقای فرائی از شاعران آیینی کشور است که با نشریه همکاری داشته و متناسب با تحولات سیاسی روز شعر می‌سراید.

۰۹۱۴۰۰۰۶۱۳۳/ در بیمارســتان شهید محلاتی تبریز سونوگرافی خانم‌ها را رادیولوژیست آقا انجام می‌دهد، لطفا پیگیری کنید.

صبح صادق: پیگیری‌های ما نشان داده که معاون بهداشت و درمان سپاه در تأمین نیروی سونولوژیســت مشکل دارد که ناشی از سیاست نادرست وزارت بهداشت در تربیت نکردن کافی این نیروها بوده که خود سپاه به فکر تربیت نیرو در این زمینه افتاده است.

۰۹۱۴۰۰۰۶۷۵۵/ چرا بسیجیان کد ۸۹ تعیین تکلیف نمی‌شوند؟

صبح صادق: ظاهراً روند تعیین تکلیف خیلی طولانی شده و به مرور تغییر کدها و دوره‌ها برگزار می‌شود؛ اما کماکان منتظر پاسخ نیروی انسانی هستیم.

۰۹۱۲۰۰۰۳۶۷۳/ بــرای کارکنانــی که در خانواده بیمــار صعب‌العلاج دارند، در ســاعت کار و مرخصی‌های‌شــان برای رسیدگی بیشــتر به بیمارشان تسهیلاتی اندیشیده شود.

۰۹۰۳۰۰۰۹۱۵۴/ ما جمعی از بازنشستگان قروه استان کردستان هستیم که قبل از بازنشستگی با ما جلسه گذاشته شد برای جذب نیروهای جوان زودتر بازنشسته شویم، اما سنوات ما همان سی سال محاسبه می‌شود. متأسفانه بعد از بازنشستگی این امر اتفاق نیفتاد، از فرماندهان خواهان پیگیری حق و حقوق‌مان هستیم.

ارتباط با سردار صفری مشاور فرمانده کل سپاه در امور ایثارگران- تلفن: ۳۵۲۳۲۴۲۲-۳۵۲۳۴۵۰۶

شماره پیامک ۳۰۰۰۹۹۰۳۳

گزارش خبری

دبیر قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه در نشست خبری اعلام کرد

مردمی بودن رمز موفقیت سپاه

□ حسن ابراهیمی/ سردار حزنی گفت: «محرومیت‌زدایی در ســپاه عام‌المنفعه، کوچک، زودبــازده و بدون پیچیدگی‌های فنی و تخصصی اســت و با هدف خدمت‌رســانی و رفع مشکلات هموطنان، توسعه امنیت پایدار و کمک به دولت‌ها در راســتای اثبات کارآمدی نظام اسلامی صورت می‌پذیرد.»

سردار سیدضیاءالدین حزنی، مشاور فرمانده کل و دبیر قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه در نشست خبری با اشــاره به اینکــه مردمی بودن، عامل و رمز موفقیت ســپاه در عرصه‌های مختلف است، گفــت: «افزون بر مأموریت دفاع، تأمین امنیت و ایفای نقش سپاه در صحنه‌های مختلف پاسداری از انقلاب اســلامی، اقدامــات محرومیت‌زدایی و مردم‌یاری در مناطق محروم کشــور نیز با هدف خدمت‌رسانی و رفع مشکلات هموطنان، توسعه امنیت پایدار و کمک به دولت‌ها در راستای اثبات کارآمدی نظام اسلامی صورت می‌پذیرد.»

سردار حزنی عام‌المنفعه، کوچک، زودبازده و بدون پیچیدگی‌های فنی و تخصصی بودن را از ویژگی‌های طرح‌های محرومیت‌زدایی سپاه دانست و افزود: «این طرح‌ها به گونه‌ای است که ساکنان بومی منطقه می‌توانند اجرا کنند و عمدتاً در نقاط دورافتاده، محروم و مرزی کشور انجام می‌پذیرد.»

وی افزود: «استحکام در ساخت‌وسازها، توجه به کیفیت به جای کمیت و پرهیز از نگاه انتفاعی در اجرای پروژه‌ها همواره مورد توجه قرار می‌گیرد.»

دبیر قرارگاه محرومیت‌زدایی ســپاه کمک بــه کاهش فقر و محرومیــت، ایجاد بارقه امید و نشــاط در مردم، ایجاد رشــد اقتصادی و بهبود وضعیت معیشتی مردم، ترمیم خرابی‌ها و آبادانی مملکت و حل مشکلات مردم محروم و ستمدیده را از اهــداف اجرای پروژه‌هــای محرومیت‌زدایی عنوان و خاطرنشان کرد: «در اجرای این پروژه‌ها گروه‌های تخصصی و مؤسســات تابعــه قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء(ص)، نیروی زمینی، دریایی و هوافضای سپاه، قرارگاه‌های عملیاتی و سپاه‌های اســتانی، گروه‌های جهادی دانشجویی و طلاب در سراســر کشــور و گروه‌های مردمی با قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه همکاری می‌کنند.»

ســردار حزنــی در ادامه با ارائه گزارشــی از عملکــرد محرومیت‌زدایی ســپاه، اعلام کرد: «تاکنون بیش از ۳۴ هزار پروژه محرومیت‌زدایی در اقصی‌نقاط کشــور به انجام رسیده که شامل فعالیت در حوزه‌های عمرانی و غیر عمرانی است.»

وی ســاخت مســجد، غســالخانه، مسکن مددجویی، خانه عالم، ســرویس بهداشتی، گلزار شهدا، مدرســه، خانه بهداشت، کتابخانه، حمام، زمین بــازی و مجموعــه فرهنگــی را از جمله فعالیت‌هــای محرومیت‌زدایی نام بــرد و افزود: «اجرای طرح‌های آبرسانی و آبخیزداری، ساخت جاده و پل دسترســی روســتایی، جایــگاه دام، برق‌رسانی، استخر ماهی، ساخت موج‌شکن و کانال کشــاورزی نیز از پروژه‌های عمرانی اجرا شده در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته است.»

ســردار حزنی در ادامه با اشاره به پروژه‌های غیــر عمرانی که قرارگاه محرومیت‌زدایی ســپاه انجام می‌دهد، گفت: «توزیع بسته‌های بهداشتی و درمانی در روستاهای فاقد خانه بهداشت، توزیع بسته آموزشی در مدارس، توزیع فرش سجاده‌ای در مساجد، توزیع بسته‌های فرهنگی، انواع البسه و پوشاک، تأمین جهیزیه، تحت پوشش قراردادن ایتام و افراد بی‌سرپرست و بدسرپرست، از جمله پروژه‌های غیر عمرانی اجرا شده در مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته است.»

دبیر قرارگاه محرومیت‌زدایی سپاه در ادامه گفت: «بنا داریم در چهار حوزه اشتغال، زیرساخت، سلامت و مسائل فرهنگی، ۱۰۰ دهستان با بیش از ســه هزار روســتا در نقاط محروم کشور را به منزله الگوی اســلامی ـ ایرانی پیشرفت معرفی کنیــم که برنامه آن تدوین و اقدامات اجرایی آن آغاز شده است.»

صبح صادق

دوشنبه ۶ دی ۱۳۹۵
۲۶ ربیع الاول ۱۴۳۸
سال هفدهم شماره ۷۸۱
۱۲ صفحه
Mon. 26 DEC 2016
www.sobhesadeghweekly.ir

هفته‌نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صبح صادق
زیر نظر شورای نویسندگان معاونت سیاسی
نمایندگی ولی فقیه در سپاه

تلفن:۵-۷۷۹۸۴۰۴۴(۰۲۱)
نمابر: ۳۳۲۲۱۹۹۷ (۰۲۱)
صندوق پستی:۱۷۳۸۵/۱۸۵
سایت اختصاصی: ssweekly.ir
رایانامه:sobhesadegh@iran.ir
سامانه پیامک کوتاه: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

کانال تلگرام @SobheSadeghWeekly

صبحانه

الهی به امید تو...

ای آورنده صبح
در جذبه نورت ته‌نشین شده‌ام.
هوایی چنین روشن، بی‌تابم می‌کند.
در این لحظات که روزی‌ام مقدر خواهد شد،
مرا با دست‌هایی گشوده به درگاهت برانگیز.
خدایا!
بر پیمان تو صبح کرده‌ام و به وعده‌ای که
با تو داشته‌ام، ایمان دارم
باید گام‌هایم را محکم‌تر بردارم؛
وقتی با هر نشانه روشن،
بوی دوست را نزدیک‌تر حس می‌کنم.
باید همه چیز در من آغازی تازه داشته باشد.
این منم؛ در صبحی سرشار، آغشته از
خورشید.
الهی به امید خودت.

صادقانه

آتش بر آب

پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود:
«خشم از شیطان و شیطان از آتش آفریده شده است و آتش با آب خاموش می‌شود، پس هرگاه یکی از شما به خشم آمد، وضو بگیرد.»
نهج‌الفصاحه ص ۲۸۶، ح ۶۶۰

تلخند

طرح: مهدی بابایی

به بهانه آغاز هفتمین دوره جشنواره مردمی فیلم عمار

نبرد نامتقارن با مافیای سینما

□ **مهدی امیدی/** وقتی دی سال ۱۳۸۹ نخستین دوره جشنواره فیلم عمار برگزار شد، کمتر کسی فکرش را می‌کرد که این رویداد به یکی از جریان‌های تأثیرگذار سینمای ایران تبدیل شود. حتی برخی، رسیدن این جشنواره به دوره دوم را نیز چندان جدی تلقی نمی‌کردند؛ اما در حال حاضر، برخی از فیلم‌های این جشنواره، در قالب طرح ابداعی و نوآورانه اکران‌های مردمی، بیشتر از برخی آثار حرفه‌ای سینما مخاطب دارند. جشنواره‌ای که پایه و اساس شکل‌گیری آن واکنش به نبرد نامتوازن رسانه‌ای بود. به این معنی که در جریان فتنه ۸۸ تعداد زیادی از رسانه‌های داخلی و خارجی به بایکوت صدای بیشتر مردم ایران پرداختند؛ اما جشنواره عمار آمد تا صداهای خفته امکان شنیدن پیدا کنند؛ در حالی که ویترین سینما، شبکه‌های ماهواره‌ای و حتی بخش اعظم برنامه‌های رسانه ملی را قشر فرادست و تهران‌نشین تشکیل می‌داد، جشنواره عمار قصد رو کردن اکثریت حاشیه‌نشین را در فضای رسانه‌ای کشورمان داشت؛ اما به تدریج، کارکرد این جشنواره فراتر رفت و در دوره‌های اخیر برداشتن بارهای بر زمین مانده فرهنگ و هنر انقلاب، رسالت جشنواره عمار شد. توجه به موضوعات مهم و اساسی مرتبط با تاریخ و وقایع انقلاب و دفاع مقدس، جنگ نرم، مدافعان حرم، اقتصاد مقاومتی در سینما، برجسته‌سازی و تجلیل از هنرمندان پیشکسوت انقلاب و زمینه‌سازی تولید حرفه‌ای برای هنرمندان جوان و غیر حرفه‌ای سینما، از جمله این موضوعات بود.

اما آرمان جدید جشنواره فیلم عمار، مخاطب‌یابی برای سینمای انقلاب است. وحید جلیلی، رئیس شورای سیاست‌گذاری این جشنواره در این‌باره می‌گوید: «امروز چالش اصلی سینمای ایران، سازمان تولید نیست؛ بلکه مسئله اصلی سازمان تماشا است و جریان‌های رسانه‌ای و فرهنگی خاصی توانستند طی ۱۰ سال اخیر با حمایت‌های قدرت‌های جهانی سازمان تماشای مناسب با خود را ایجاد کردند. ورود ماهواره‌ها به بحث تبلیغات و بسیج مخاطب واقعیت غیرقابل انکاری است و اثرش را هم در فروش فیلم‌های ایران در یک سال اخیر می‌بینیم، آثاری که اگر چهار سال پیش اکران می‌شدند، یک دهم فروش فعلی را هم به دست نمی‌آوردند.»

مسئله مدنظر برگزارکنندگان جشنواره عمار از آنجا مهم به نظر می‌رسد که طی دو دهه اخیر، بحران مخاطب، همواره اساسی‌ترین معضل سینمای ایران بوده و هدف بحث و جدل‌های گوناگونی نیز از سوی علاقه‌مندان به هنر هفتم، هنرمندان، مسئولان و نهادها قرار گرفته است؛ اما هنوز نتیجه دقیقی از این مباحث به دست نیامده است.

برای رسیدن به نتیجه و ایجاد سازمان تماشا برای سینمای متعهد و انقلابی، باید زیربنای مسئله، یعنی تولید اصلاح شود. به این معنی که یکی از دلایل کمبود مخاطب بیشتر فیلم‌های سینمای ما، ضعف درام است. مطابق سیاست‌گذاری‌های دولتی، رویکرد اصلی تولید فیلم، به ویژه در میان جوانان، فیلم‌های به اصطلاح آوانگارد و ضد داستان است. به نظر می‌رسد، فیلمسازان جوان سینمای انقلاب باید از این خلأ بهره لازم را ببرند و با تولید فیلم‌های دراماتیک و دارای جاذبه روایی و داستانی، در حوزه مخاطب‌یابی نیز خاکریزهای جدیدی را فتح کنند. همچنین، فعالان عرصه سینمای انقلاب، از جمله جشنواره عمار نباید منتظر حمایت صحنه‌گردانان آشکار و پنهان، سینماداران و افرادی شوند که به مافیای اکران مشهور هستند. این گروه از فیلمسازان، همان‌طور که در زمینه تولید، باید خودجوش و چریکی عمل کنند، در زمینه نمایش و مخاطب‌یابی نیز باید راه‌ها و روش‌های تازه‌تری را کشف و ابداع کنند.

ممکن است فیلمسازان جوان و نوخاسته به ساختارشکنی و تجلی ایده‌ها و فرم‌های بدیع و متفاوت گرایش داشته باشند؛ اما رویکرد به نوگرایی و درانداختن طرح‌های آوانگارد در سینما تنها زمانی می‌تواند مسیر جدیدی را ایجاد کند که برآمده از ریشه‌ها و اصالت‌های فرهنگی و اعتقادی این مرز و بوم باشد. یکی از عصیانگری‌های سینمای جوان انقلاب، عبور از این کلیشه‌های گیشه‌ای و نمایش واقعیت کمتر دیده شده از متن جامعه ایران است؛ چون چراغی در تاریکی که روشنایی می‌بخشد و خواب خفتگان را آشفته می‌کند. مستقل بودن و پرهیز از سفارشی‌سازی‌های آب و نان‌دار، خط‌شکنی و گریز از محافظه‌کاری در نقد مصائب و چالش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، حضور دائم در میان عموم مردم و سنگ صبور جامعه بودن، اتکا به خلاقیت و توانایی خویش و توقع نداشتن از حمایت‌های محفلی، ارتباط نزدیک با منابع و متون فرهنگی بومی و برخورداری از نگاه منتقدانه نسبت به نظریه‌ها و دیدگاه‌های وارداتی و غربی، واقع‌گرایی به جای سیاه‌نمایی و عدم شیفتگی به جوایز جشنواره‌های داخلی و خارجی، از جمله این شاخصه‌ها هستند.

راش اضافه

روایت دو بازیگر از دیدار با رهبر معظم انقلاب

«مهران رجبی» و «بیوک میرزایی»، دو بازیگر سینما و تلویزیون به روایت حضور در دیدار اخیر سران کشورهای اسلامی و مسئولان نظام با رهبر معظم انقلاب پرداختند.

مهران رجبی در گفت‌وگویی اظهار داشت: مسئولان صداوسیما به بنده گفتند آیا برای حضور در چنین جلسه‌ای تمایل دارم که من از این موضوع استقبال کردم و به دعوتی که از من شده بود، پاسخ مثبت دادم.» این هنرمند سینما و تلویزیون افزود: «اگر مجدد دعوت شوم، علاقه دارم که در چنین جلسه‌ای شرکت کنم و از آن استقبال هم می‌کنم.» بیوک میرزایی هم گفت: «دیدار با رهبر معظم انقلاب افتخار بزرگی است و ای کاش دیداری با اقشار مختلف هنرمندان ترتیب داده شود و از این طریق تمامی هنرمندان فرصت پیدا کنند که به محضر رهبری برسند و مشکلات خود را بیان کنند، دوست دارم با ایشان درباره هنر حرف بزنم و از نظرات ایشان استفاده کنم.» این بازیگر سینما و تلویزیون افزود: «اگر دیدار خصوصی با رهبر معظم انقلاب برایم مهیا شود، درباره مشکلات فرهنگی حاکم بر سینما و تلویزیون و معضلات و مشکلاتی که در قشر بازیگری و سینما وجود دارد، صحبت می‌کنم.»

شورایی نامحسوس با حق وتو!

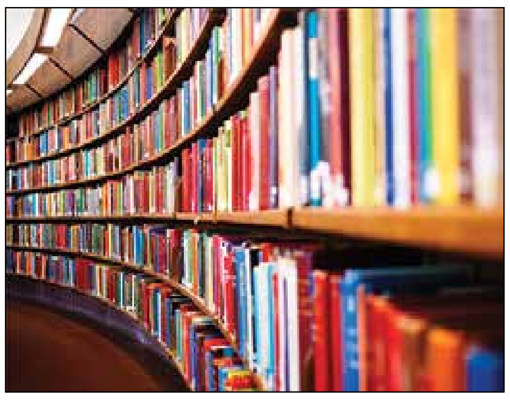

رسانه‌ها از وجود شورای نامحسوس بررسی کتاب در وزارت ارشاد خبر دادند که برخی از حکم‌های شورای رسمی بررسی کتاب را به سود برخی از جریان‌های فکری و سیاسی و انتشار کتاب‌های خلاف مصالح ملی، وتو می‌کند!

روزنامه «کیهان» به نقل از یکی از اعضای هیئت بررسی اداره کتاب وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی، نوشت: «در وزارت ارشاد علاوه بر شورای بررسی و نظارت کتاب، یک شورای نامحسوس هم وجود دارد. این شورا، حضور رسمی و قانونی ندارد. اعضای این شورای نامحسوس اغلب از بررسی‌ها و ناظران کتاب دولت به اصطلاح اصلاحات تشکیل شده است. آنها گاهی رأی بررسی‌های رسمی و قانونی اداره کتاب را وتو می‌کنند؛ یعنی برخی از کتاب‌ها، علی‌رغم اینکه از سوی این هیئت بررسی رسمی اداره کتاب، غیر مجاز تشخیص داده می‌شوند؛ اما از سوی شورای نامحسوس و در سایه، مجوز انتشار می‌گیرند!»

خبرگزاری فارس نیز با تایید این خبر از انتشار کتاب‌هایی خلاف قانون توسط این شورای نامحسوس در وزارت ارشاد انتقاد کرد.

فرمانده نیروی زمینی سپاه در پشت صحنه فیلم مدافعان شهر

سردار محمد پاکپور، فرمانده نیروی زمینی سپاه از پشت صحنه ساخت فیلم مدافعان شهر در گیلانغرب بازدید کرد.

کار فیلمبرداری از صحنه‌های این فیلم سینمایی در مناطق نفت‌شهر، سومار، قصرشیرین و گیلانغرب از خرداد ماه امسال با مشارکت بیش از ۱۰۰ بازیگر مجرب کشور و بازیگرانی از استان کرمانشاه و حدود سه هزار نفر از مردم شهر گیلانغرب آغاز شد. در این فیلم سینمایی به کارگردانی محمدحسن عموری مقاومت مردم گیلانغرب در سال‌های دفاع مقدس به تصویر کشیده می‌شود. نیروی زمینی سپاه پاسداران در ساخت این فیلم سینمایی با در اختیار گذاشتن تجهیزات نظامی، شامل تجهیزات و ادوات و بالگرد، حمایت لازم را به عمل آورده است.

جایزه جلال هم منحرف شد!

در حالی که جایزه ادبی جلال آل‌احمد با هدف جریان‌سازی در عرصه ادبیات سالم و مستقل راه‌اندازی شده، اما این جایزه همچون دوره سابق خود، به سمت جریان‌های تابلودار و مخالف اصول این جایزه گرایش نشان می‌دهد.

در دوره نهم نیز این گرایش به طور آشکار به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که وقتی اسامی نامزدهای بخش داستان کوتاه را مرور می‌کنیم، فقط نام ناشران تابلودار جریان شبه‌روشنفکری دیده می‌شود. در این بخش، سه کتاب از نشر ثالث، یک کتاب از نشر چشمه (که مدتی به دلیل انتشار کتاب‌های ضد دین، توقیف شده بود) و یک کتاب نیز از نشر نگاه قرار دارد.

سرودهای انقلابی را در بیت‌المقدس خواهیم خواند

سردار محمدرضا نقدی، معاون فرهنگی و اجتماعی سپاه در مراسم اختتامیه سومین جشنواره سراسری آواها و سرودهای حماسی بسیج به نام «ترنم بیداری» گفت: «موسیقی‌ای که برای تقویت ایستادگی در مقابل ظالمان باشد، نه تنها حرام نیست؛ بلکه ثواب هم دارد.»

سردار نقدی افزود: «امیدواریم شاهد پیشرفت روزافزون هنرهایی باشیم که در مسیر آزادی قرار دارند و به زودی این سرودها را در بیت‌المقدس بخوانیم.»در هنگام اهدای جوایز بخش برگزیدگان، سرپرست گروه مصباح‌الهدی از لارستان فارس که قطعه «من انقلابی‌ام» را اجرا کرد، نشان افتخاری عضویت این گروه را به سردار محمدرضا نقدی، معاون فرهنگی سپاه پاسداران اهدا کرد.

سریالی عاشقانه با موضوع قحطی ایران

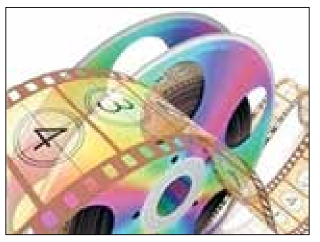

مجموعه تلویزیونی «گیله‌وا» با موضوع قحطی ایران در انتهای قرن دوازدهم به کارگردانی «امیر بنان» ساخته می‌شود.

«گیله‌وا» جدیدترین محصول مرکز فیلم و سریال سازمان هنری رسانه‌ای اوج، قرار است در قالب مینی‌سریال ساخته شود.

این مینی‌سریال که اردلان عاشوری نوشته، ملودرام عاشقانه‌ای است که در بستر حوادث انتهای قرن دوازدهم و قحطی بزرگ ایران رقم می‌خورد.

سریال «گیله‌وا» در حال حاضر در مرحله بازبینی و انتخاب لوکیشن قرار داشته و تولید آن نیز از اوایل بهمن ماه آغاز خواهد شد.

یادداشت

شعر عاشقانه مدرن!

□ **رضا اسماعیلی*/** در اوایل دهه ۷۰، با گونه‌ای نسبتا جدید از غزل با عنوان «غزل فرم و فراغزل» روبه‌رو می‌شویم. غزل مدرن در مجموع غزلی سالم، متعادل و متناسب با نیاز جامعه ادبی ما بود که با تأثیرپذیری از شعر نیمایی شکل گرفت؛ ولی این غزل در ادامه راه با تندروی‌های گروهی از شاعران که هر یک به نوعی سودای نام‌آوری داشتند، دچار آسیب شد و رفته‌رفته به انحطاط گرایید و در نهایت غزل پارسی از هویت و اصالت خود دور شد.

شاعران این جریان ادبی (غزل مدرن افراطی) متأسفانه با خط زدن «مخاطب» و بی‌توجهی به ذوق عمومی، در مسیری گام برداشتند که به ایجاد فاصله میان شعر و مردم منجر شد و در نهایت این جریان را به انزوا کشاند.

متأسفانه، امروز نیز جماعتی از شاعران جوان که شیفتهٔ گونه‌ای از غزل با عنوان «پست‌مدرن» هستند و به این سبک و سیاق شعر می‌گویند، با بی‌اعتنایی به ذوق عمومی و دهن‌کجی به اعتقادات و باورهای فرهنگی و دینی همچنان در این مسیر ناصواب گام برمی‌دارند. غزل‌هایی که از ذهن و زبان این گروه از شاعران تراوش می‌کند، به هر علت لهجه‌ای سیاه، نیست‌انگارانه و روان‌پریشانه دارد؛ حال آنکه اولین رسالت یک هنرمند اصیل و واقعی، باید دمیدن روح امید در کالبد انسان‌ها و جامعه باشد.

این گروه از شاعران به دلیل «خودشیفتگی» بیش از حد، جز خویش کسی را به رسمیت نمی‌شناسند و معتقدند، تنها آنچه خود می‌اندیشند، درست است و کاری به کار دیگران ندارند!

دلایل عدم کامیابی غزل «پست‌مدرن سیاه» جنگ با طبیعت ذوقی مردم، دین‌ستیزی، اخلاق‌گریزی (اروتیک‌زدگی و عریانی)، عدول از دایرهٔ اعتدال و کشیده شدن به ورطهٔ افراط و تفریط در رفتار با زبان به دلیل فرم‌زدگی محض در صورت و سیرت است.

یکی از مؤلفه‌های بارز این جریان ساختارشکن و افراطی، «رفتار ناهنجار با زبان» در دو حوزه فرم و محتواست. رفتار ناهنجار با زبان از طریق دهن‌کجی به ذوق عمومی، معناگریزی، مخاطب‌ستیزی، به‌هم‌ریختگی ساختار، سرپیچی از قواعد مسلم دستوری و اصول صرف و نحو، هنجارگریزی‌های افراطی و بی‌مبنا، تئوری‌زدگی، روان‌پریشی، جنون‌انگاری و... صورت می‌گیرد و با خوانش اشعار این شاعران، این حقیقت تلخ به خوبی رخ می‌نماید.

بدیهی است نتیجهٔ محتوم چنین رفتاری، راندن بیش از پیش شعر به حاشیه، دلزدگی، بدبینی و بی‌اعتمادی مخاطب و در نهایت محصور شدن این هنر ملی! در دایرهٔ بستهٔ مخاطبان خاص است. با عنایت به این نکته، باید پذیرفت که تنها راه برون‌رفت از بحرانی که پیش روی شعر پست‌مدرن جوان ماست، ارجاع دوبارهٔ شعر به مردم و اجتماع و بیان کرامت‌های والای انسانی و اخلاقی است؛ مردمی که در تقابل سنت و مدرنیسم، مُچاله، سرگردان و بلاتکلیف به دنبال روزنه امیدی می‌گردند که خود را از این ورطهٔ هولناک و بلاخیز به ساحل سلامت برسانند. در این میان، شاعرانی که برای خود رسالتی قائل هستند، در این ظلمات وحشت‌خیز، بدون تردید می‌توانند همچون رسولان شب چراغ هدایت در دست، بشارت صبح فردا را در گوشِ به راه ماندگان چشم‌انتظار، زمزمه کنند، این چنین باد.

*** شاعر و منتقد ادبی**

حرف تو حرف

مستمری عمه‌خانم و پیامک حقوق شهروندی!

قبول مسئولیت، خیلی سخت و سنگینه و گاهی اوقات اونقدر سنگین می‌شه که شونه‌های آدم زیربار آن طاقت نمی‌یاره. فی‌المثل همین مسئولیت دفترچه حقوق عمه‌خانم ماست. سال گذشته وقتی شوهر عمه‌خانم، کامبیزخان کارگر بازنشسته معدن وقتی در ۵۵ سالگی عمرش را به شما بخشید و رفت هنوز سور و سات هفت و چهلش جمع نشده، مسئله مهم نگهداری دفترچه مستمری و حقوق ماهانه، کامبیزخان دغدغه جدی خانواده ما شد.

چون عمه‌خانم سواد نداره و از طرفی اولادی هم خدا بهش نداده، انتظار داشت یکی از ماها حساب و کتاب خونه را بدست بگیره. پس از کلی حرف و حدیث و جروبحث قرعه بخت به نام ما زده شد و عقلای قوم رأی به صالح بودن ما دادن و الان دقیقاً سه سال و سه ماه و سه روزه که امور حقوق مرحوم مغفور جنت مکان کامبیز با تدبیر و درایت این جانب میرزا اداره می‌شه.

اما چشمتون روز بد نبینه مشکل از همان ماه اول شروع شد. فردای سی‌ام ماه که حقوق را تقدیم عمه‌خانم کردم در یک مراسم رسمی خانوادگی عمه‌خانم بنده را مجبور کرد که به جان خودش قسم بخورم که حتی یک ریال از پول مرحوم کامبیز را حیف و میل نکنم، روزهای بعد بارها و بارها خبر می‌آوردن که روز بعد از پرداخت حقوق، عمه‌خانم به دور از چشم من رفته بانک و از کارمند بانک خواسته دقیق حقوق را روزی یک برگه خوانا براش بنویسه. بیچاره کارمند بانک هر بار مبلغ ۷۳۲۵۰۰ را می‌نوشت و عمه‌خانم نوشته را می‌داد به اکبرآقا سوپری سرکوچه چندین‌بار با صدای بلند براش بخونه تا خدای نکرده حیف و میلی صورت گرفته باشه. بماند که در ماجرای حقوق‌های نجومی که عمه‌خانم فکر می‌کرد یحتمل حقوق کامبیز هم چون خیلی سخت بوده باید همین حدود باشد و حتماً من با کارمند بانک دست به یکی کردم و اله و بِله.

البته این هم روزهای متمادی با صحبت و گفت‌گو و برخی صحبت‌های مسئولان محترم، بر عمه‌خانم واضح و مبرهن شد که این حقوق‌های بالا مخصوص ذخیره‌های نظام است و لاغیر.

آخرین مشکل از این دست هم این پیامک بود که رئیس‌جمهور محترم به خلق‌الله فرستاده از جمله عمه‌خانم ما «مردم شریف ایران، بیائیم، حقوق خود بیشتر آشنا شویم و قدرتمند آن را پاس بداریم.» از آن روز تا به امروز که حدود یک هفته می‌گذره و هر بار عمه خانم می‌ده یک کسی این پیامک را با صدای بلند براش می‌خونه و هر بار مرتب دعا و نفرین به جان من می‌کنه که خدا نبخشدت میرزا که این همه سال من رو با حقوقم آشنا نکردی و این ماجرای مسئولیت سنگین ما همچنان ادامه دارد...

میرزا بی‌سواد

کشکیات

خطا بود...

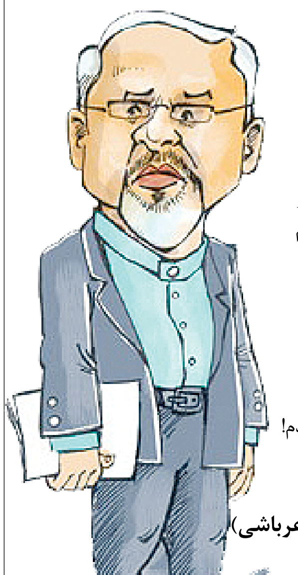

«فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم»
که خطا بود به امثال «کَری» دل دادم!
رفته بودم که به پایان برسد این تحریم
این چنین گشت که در دام عدو افتادم
هر چه گفتند که «دست چدنی» دارد او
من ولی خام شدم، دست به دشمن دادم
پند یاران نشنیدم که شَوم «دلواپس»
خنده‌ها کردم و فریاد برفت از یادم
غرض این بود که برجام سرانجام شود
«چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم»!
عهد بستیم ولی بود عَدو عهدشکن
دل غمین گشتم و به «جان» پیامک دادم!
این سخن گفتم و هرگز نکنیدش افشا
نرسد گوش «حسن» تا نَبَرد بنیادم

علی عرفانی (شاعرباشی)

حسن ختام

سپیده که بیاید...

ریشخند زمانه هم که بشوی، مهم نیست
از در و دیوار هم که ببارد، باکت نباشد
ایام هم که به کامت نبود، هیچ مگو
از آب‌های گل‌آلود هم نترس
می‌دانم که می‌دانی:
هیچ یک محل اعتنا نیست وقتی که
پشت داده‌ایم به ولی زمانه‌مان!

* * *

از سیمای خسته‌ات می‌خوانم
رنجوری‌ات را
می‌دانم که دلت را به یغما برده‌اند
و در برد و باخت زمانه، باخت سهم
دستانت بوده است
راستش را بخواهی حال و روز من نیز
کمتر از تو نیست
اما یقین دارم؛
دلآرام‌مان که بیاید همه‌چیز نسق
خواهد یافت
تو هم یادت باشد!
سپیده که بیاید، سیاهی‌ها می‌روند
بهار که بیاید خزان سوروساتش را بقچه
خواهد کرد
خورشید که جلوه کند انوار زرینش به
قلب خسته من و تو هم خواهد تابید
پس بیا منتظر شویم سپیده را
و برای تجلی خورشید دعا کنیم...

کتیبه سبز

غزل ساحلی

محو ساحل بوده‌ام از پیش و اکنون بیشتر
چشم بر دریا در این حال دگرگون بیشتر
فایزا کو حاصل از افسانه کوچ پری
ای پری دیگر نخوان در گوشم افسون بیشتر
دارکوبی هم نمی‌آشوبد اینجا باغ را
باد می‌پیچد به زلف بید مجنون بیشتر
شوربختانند اینجا نیز ماهیگیرها
در غروب ساحل این حس دگرگون بیشتر
بعد از این بنویس از اندوه ماهیگیرها
از غم ماهی‌فروش صبح کارون بیشتر
دوست دارم شروه‌خوانی در سکوت شامگاه
سر به ساحل با دوبیتی‌های مفتون بیشتر
شیهه «اسب سفید وحشی»ای در کوه نیست
می‌زنند اینجا سواران نعل وارون بیشتر
در تب آشفتگی‌هایم عجیب این روزها
می‌زنم بی‌اختیار از شهر بیرون بیشتر
دوری است و دوستی رسم برادرهای من
خط نادرویش‌ها حک باد با خون بیشتر

محمدحسین انصاری‌نژاد